

روح القدس

در آیین تعمید طبق سنت سریانی

سباستین بروک

فهرست مندرجات

۵	(۱) پیشگفتار
۵	۱- موضوع و اهداف
۷	۲- روح القدس در کتاب مقدس سریانی
۱۴	۳- زمان تقدیس شده و زمان عادی
۱۸	(۲) سمبلها و نشانه های روح القدس
۱۸	(۱) روح القدس به عنوان آتش
۲۲	(۲) روح القدس به عنوان کبوتر
۲۵	(۳) روح القدس و روغن زیتون - میرون
۲۷	(۳) منابع
۲۷	۱- مراسم و ساختار آنها
۲۷	الف) مراسم
۲۷	(i) سریانی شرقی - کلدانی
۲۸	(ii) سریانی ارتدکس / کاتولیک
۲۹	(iii) مارونی
۳۰	(iv) ملکیت
۳۰	ب) ساختار مراسم
۳۵	۲- انتقادات و سایر نوشته ها درباره تعمیم
۳۵	الف) ادبیات سریانی قبل از سال ۴۰۰ میلادی
۳۵	(i) قصاید سلیمان
۳۵	(ii) کتاب اعمال توماس
۳۶	(iii) کتاب اعمال یوحنا
۳۶	(iv) افراهاات
۳۶	(v) اپرم
۳۶	ب) ادبیات سریانی مربوط به قرون پنجم و ششم
۳۶	(i) نارسای
۳۷	(ii) یعقوب سروق
۳۷	(iii) فیلوکسنوس
۳۸	ج) آثاری به زبان یونانی یا ترجمه از آن
۳۸	(i) بازیل اهل قیصریه
۳۸	(ii) گریگوری اهل نازیانزوس
۳۸	(iii) جان کریستوم
۳۹	(iv) تئودور اهل موپوستیا
۳۹	(v) آتاناسیوس
۳۹	(vi) دیاناسیوس کاذب
۴۰	(vii) سوروس
۴۰	(viii) ادبیات کلیسایی
۴۰	د) مفسرین بعدی
۴۰	(i) مفسرین سریانی غربی
۴۱	(ii) مفسرین سریانی شرقی

۴۳	عطایای روح القدس (۴)
۴۳	(۱) آورنده عطیه
۴۵	الف) روغن میرون
۴۶	ب) آب
۴۷	ج) دست نهادن
۵۱	(۲) ماهیت عطیه
۵۳	الف) عطیه روح القدس
۵۴	(i) ساکن شدن روح القدس
۵۶	(ii) روح القدس را در بر نمودن
۶۲	ب) عطایای روح القدس
۶۳	(i) پسرخواندگی
۶۶	(ii) عضویت
۶۹	(iii) کهنانت و پادشاهی
۷۳	(iv) تزکیه و تقدیس
۷۷	(۳) ضمانت روح القدس
۸۰	نیایشها به حضور روح القدس (۵)
۸۰	(۱) نیایش بر آب
۸۰	الف) تکامل تاریخی
۸۶	ب) منظره آب تعمید
۸۶	(i) آبهای رود اردن در حوضچه تعمید مجدداً فعال می شوند
۹۰	(ii) آب تعمید تبدیل به «آبهای راحت» می شود (مزمور ۲:۲۳) ...
۹۱	(iii) تعمید نمایانگر مرگ و رستاخیز مسیح است
۹۲	(iv) تعمید به عنوان نمونه ای برای رستاخیز خودمان
۹۳	(v) آب تعمید نشان دهنده آبهای اولیه است
۹۶	(vi) آب تعمید نمایانگر رحم روحانی است
۹۹	(vii) آب تعمید نشان دهنده آب در حوضچه بیت صیدا
۱۰۱	(viii) آب تعمید آبی است که از پهلوی مسیح جاری است
۱۰۷	(۲) حمد و تسبیح بر روغن
۱۰۷	الف) مقدمه
۱۱۰	ب) سمبولیسم روغن
۱۱۰	(i) نشانه مالکیت
۱۱۵	(ii) حفاظت
۱۱۹	(iii) شفا دادن و تطهیر
۱۲۲	ج) میرون
۱۲۴	(۳) نیایش استدعا برای کاندیداهای تعمید
۱۳۰	روح القدس و راز نان و جام (۶)
۱۴۵	روح القدس و مریم (۷)
۱۵۱	تعمید به عنوان پنتیکاست (۸)

پیشگفتار ±

۱- موضوع و اهداف

مسیحیت سریانی، با توجه به این که معرف نوع اصیلی از فرم سامی انجیل است که در اصل به زبان آرامی موعظه می شده، ویژگیهای خاص خود را دارد. گرچه عهدجدید از طریق زبان یونانی به تمدن سریانی رسید اما طرز تفکر، تخیل و کلمات مذهبی مورد استفاده در آثار نویسندگان اولیه - قبل از همه، افراهات (Aphrahat)، اپرم (Ephrem) و شعرای آیین نیایشی - تماماً به زبان سریانی هستند و سرایندگان نیایشها نیز همگی سامی بوده و بسیار کم یا به کلی تحت تأثیر تمدن یونانی نمی باشند. از این رو مسیحیت سریانی می تواند حقیقتاً خود را نماینده اصیل مسیحیت بومی آسیا بداند و نه صادر شده از اروپا. این حقیقت البته انکار تأثیر فراوان کلیسای یونانی زبان بر کلیساهای سریانی، مخصوصاً در دوره ۴۰۰ تا ۷۰۰ بعد از میلاد^۱، نمی باشد. اما آنچه در این جا اهمیت دارد این است که این عنصر فرهنگ یونانی که اینک به عنوان جزئی از میراث ادبی و آیین نیایشی عام در کلیساهای سریانی ادغام یافته، یک نکتهٔ ثانوی محسوب می شود.

این میراث مضاعف سریانی-یونانی که گاه به صورت دو عنصر جدا از یکدیگر و گاه درهم ادغام شده حفظ شده اند به سنت سریانی غنایی خاص می بخشد که آثار آن را می توان در تمام زمینه های زندگی این جامعهٔ مسیحی مشاهده نمود. به علاوه این میراث در هر چهار کلیسای سریانی: ارتدکس سریانی، مارونی، ملکیت^۲ و کلیسای شرق، که زبان سریانی را به عنوان زبان نیایشی خود انتخاب کرده بودند مشترک است.

الهیات فوق العاده غنی روح القدس که مشخصهٔ سنت ارتدکس سریانی است به طرز بسیار جالبی توسط پدر عمانوئیل پاتاک سیمان† (Emmanuel - Pataq Siman) در کتابی با عنوان "روح القدس در تجربهٔ کلیسا قبل از سنت سریانی انطاکیه" ارائه شده است. این کتاب جاه طلبی بیشتر و در عین حال بسیار کمتری در اهدافش دارد: جاه طلبی بیشتر، برای ارائه سنت سریانی به طور کامل و نه فقط شاخه ای از آن و کمتر، بدین دلیل که خود را به بررسی نقشهای گوناگون روح القدس در یک محدودهٔ خاص، یعنی تعمید محدود نموده ام.

خود مراسم تعمید در چندین کلیسای سریانی را به عنوان نقطه شروع در نظر می گیریم. هدف من این بوده که مشخصه های بارز این سنت سریانی را مخصوصاً با کمک

نویسندگان اولیه و کمتر یونانی شده به عنوان منبع تشریح و بیان متون نیایشی، در معرض توجه قرار دهم. با وجودی که تلاش نموده‌ام کلیت سنت سریانی را معرفی کنم، ولی در طی آن البته توجه خاصی به پیشرفتهای تاریخی و کلیسایی نیز داشته‌ام.

بدون تردید در حوزه‌ای این چنین که محققین معدودی وجود دارند، هر گونه تلاش برای ترکیب یا تلفیق، مستلزم تحقیقات گسترده مقدماتی درباره منابع اولیه است: بدین معنی که به مدارک و اسناد نسبتاً زیادی نیاز است تا بتوان به ارائه مطالب مورد نظر اعتبار کافی بخشید. در هر صورت به خاطر رعایت حال خوانندگان معمولی بحثهای تخصصی به حداقل کاهش یافته‌اند. امیدوارم که نتیجه تلاش ما برای تغذیه علاقه متخصصین و هم چنین خوانندگان معمولی، به عدم جلب رضایت هیچکدام از این دو گروه منجر نشود.

به بیان کلی، به نظر می‌رسد که متون فعلی درباره راز تعمید در کلیساهای سریانی، در قرون ششم و هفتم میلادی به شکل نهایی و کنونیش رسیده باشد، در این دوره در تمام دنیای مسیحیت، خلاقیت نیایشی فوق العاده‌ای مشاهده می‌شد. لازم به گفتن نیست که این متون حاوی عناصری با قدمتهای مختلف و روند رشدی با شدت متفاوت می‌باشند که در نتیجه تغییر جهت سلیقه‌ها در طول زمان به وجود آمده و حاصل آن مقداری دوباره کاری و ناپیوستگی است. گاه می‌توان مطالب با ارزش را تفکیک نمود و تقدم و تأخر در آنها را مشخص کرد و گاه این امکان وجود ندارد. به هر حال این تصور که نسخ و اضافات بعدی همگی از کیفیت پایینی برخوردارند اشتباه است بلکه غالباً می‌توان آنها را به عنوان پیشرفتهای منطقی (همانند تدهین بعد از تعمید که تا قبل از قرن پنجم، در سنت سریانی مشاهده نشده است)، یا به عنوان غنایی که روشنگر دیگر جنبه‌های آیین راز تعمید است محسوب نمود.

مسیحیت سریانی تا سال ۴۰۰ بعد از میلاد نشانگر خالص ترین حالت سامی خود می‌باشد در حالیکه سه قرن بعدی، دوره تأثیر فرهنگ یونانی است. سلطه اعراب نیز به نوبه خود منادی ظهور چشم اندازی متفاوت در کلیساهای سریانی است. این دوره را بیشتر باید دوران تثبیت دانست تا خلاقیت. این وضعیت جدید در نظر ما نشان دهنده این واقعیت است که پیشرفت تفسیر آیین نیایشی، به صورت جایگزینی بی‌روح و ملال آور برای غنای شاعرانه مارا پرم، نارسای (Narsai) یا یعقوب درمی‌آید. به هر حال اکثر مواقع ترجیح داده‌ام متون آیین نیایشی را از نویسندگان اولیه و نه مفسرین بعدی ارائه دهم، زیرا این متون از نظر الهیاتی جالبتر می‌باشند و ژرفای عمیق تری در درک ابعاد راز

تعمید نشان می دهند.

قبل از مطالعه متون مربوط به راز تعمید لازم است توجه خود را به دو مطلب خاص در این پیشگفتار مبذول داریم. نخست وجود پایه های فرهنگ لغات کتاب مقدسی در رابطه با عملکرد روح القدس در سنت سریانی: همان طوری که احتمالاً انتظار می رفت، مشخص شده که منشأ قسمت بزرگی از این فرهنگ لغات در کتاب مقدس سریانی بوده است. مطلب دوم در رابطه با درک زمان و تمایز آن است که توسط انسان شناسان به عنوان عاملی مؤثر در طرز تفکر مذهبی تقریباً تمام فرهنگها، مابین زمان تقدیس شده و زمان کفرآمیز، شناخته شده و تشخیص این موضوع برای درک صحیح سنت آیین نیایشی سریانی عاملی اساسی است.

۲- روح القدس در کتاب مقدس سریانی

گرچه در کنار عبارت بسیار رایج «روح خداوند»، اصطلاح «روح قدوسیت» نیز گاه و بیگاه در عهدعتیق یافت می شود (مز ۵۱-۱۲؛ اش ۶۳: ۱۰-۱۱)، برای بسیاری تعجب آور خواهد بود که بدانند «روحه قودشه = روح قدوسیت» (ruha d- qudsha) اصطلاحی کاملاً معمولی و رایج در بعضی متون یهودی، بالاخص در سنت فلسطینی ترجمه های آرامی عهدعتیق یا ترگومیم †(Targum) بوده است. درحالی که ترگوم انکلوس (Targum Onkelos) که ترگوم رسمی بابلیها بود، به طور معمول اصطلاح «روح نبوت» (عبارتی که برای بسیاری از نویسندگان اولیه سریانی شناخته شده بوده) را به کار می برد. متون اولیه ترگوم فلسطینی «روح قدوسیت» را ترجیح می دهند. بنابراین به عنوان مثال در کتاب اعد ۲۷-۱۸ یوشع به عنوان «مردی که از جانب خداوند، روح تقدس بر وی ساکن است» توصیف شده.

واژه معادل «روح» یا «باد» در زبانهای سامی مؤنث است و این البته در کاربرد واژه ruha هنگامی که به روح القدس اطلاق می شود پیامدهای خاصی دارد^۳. نویسندگان اولیه سریانی مداوماً ruha d- qudsha را به عنوان مؤنث استنباط می کردند و از چند متن نقل شده آشکار است که روح القدس در واقع در بعضی محافل به عنوان مادر محسوب می شده، این شناخت اولین بار در نقل قول اوريجن و ژروم از انجیلی که به عقیده عبرانیها تقریباً مفقود گردیده یافت می شود:

(مسیح سخن می گوید) حتی مادرم، روح القدس نیز همین کار را کرد، مرا با یک تار از موهایم برداشت و به دور دستها به کوهستان بزرگ تابور برد.

در نوشته های سریانی به ندرت می توان توصیف روح القدس را مشخصاً به عنوان «مادر» پیدا کرد، اما یک متن مشهور وجود دارد که در آن چنین شده است: افراشات در کتاب استدلالات (Demonstration) شماره ۱۸، "در مورد بکارت و پرهیزکاری زوجین (قدیشوته)" منکر این می شود که جمله «مرد پدر و مادر خود را ترک کرده...» (پید ۲:۲۴)، به والدین معمولی اشاره دارد.

کیست که پدر و مادر خود را ترک می کند تا همسری برگزیند؟ معنی آن چنین است: مرد تا زمانی که همسری اختیار نکرده، خدا را به عنوان پدر دوست داشته احترام می کند و روح القدس را به عنوان مادر، و عشق دیگری ندارد. اما وقتی همسری برمیگزیند، آنگاه پدر و مادر (حقیقی) خود را ترک می گوید.

همین تفسیر به زبان یونانی در موعظات ماکاریان (Macarian) یافت می شود.^۴

چنانچه به یکی از نیایشهای زیبا به روح در کتاب اعمال توماس (Acts of Thomas) بنگریم، می توانیم ببینیم که چگونه نسلهای بعدی بر علیه این توصیف از روح القدس برخاستند. در بند ۲۷ یهودا توماس در کنار حوض تعمیم ایستاده و سرهای پادشاه گوندافور (Gundaphor) و برادرش را تدهین می کند، نیایش او به زبان یونانی (و نه سریانی) و شامل کلمات «بیا، ای مادر مهربان...» می باشد. با وجودی که سریانی زبان اصلی کتاب اعمال توماس بود، متون به جای مانده در این زبان دستخوش پاکسازی شده و عبارت «مادر مهربان» به عنوان عبارتی نامناسب حذف شده، و بنابراین فقط در ترجمه های یونانی که توجه ویراستاران بعدی را کمتر به خود جلب کرده بود حفظ گردیده است.

چنانکه بزودی متوجه خواهیم شد، فعل rahhef یعنی «شناور بودن» که مکرراً در مورد عمل روح القدس استفاده می شود از پید ۲:۱ و تث ۱۱:۳۲ منشأ گرفته است. این واقعیت را که چنین فعلی در نظر نویسندگان سریانی یک عمل زنانه است می توان به وضوح از نوشته های دو نویسنده نسبتاً قدیمی تر که روح القدس را با مادر مقایسه کرده اند دریافت. سحدونا (Sahdona)† حدود سال ۶۰۰ میلادی درباره مردی می نویسد که «لایق شناخته شد تا روح کاملاً قدوس بر وی شناور گردد، روحی که همانند مادری بر همه ما شناور است تقدیس می کند و توسط شناور بودنش بر ما، ما را لایق پسرخواندگی می سازد». تقریباً سه قرن بعد موشه بارکیفا (Moshe bar Kepha) در موعظه ای شرح می دهد که چگونه روح القدس «بر یحیی تعمیم دهنده شناور شد و او را همانند مادری مهربان به بالا برد».

گرچه اشارات زیادی درباره خصوصیات مؤنث روح القدس در متون راز تعمید می‌یابیم، اما لقب «مادر» در واقع تا جایی که من می‌دانم یافت نمی‌شود و نزدیکترین و شبیه‌ترین واژه به آن را در متنی در مورد تعمید[†] می‌بینیم که با این جمله شروع می‌شود: «ای کلیسای مقدس، بالهای خود را بگشا و آن بره بی‌عیب را که روح القدس در آب تعمید بدان تولد بخشیده دریافت کن...».

برای اکثر نویسندگان، خردمندانه نخواهد بود که آگاهی خود را از مؤنث بودن روح ابراز دارند. به هر حال باید یادآوری کرد که لوگوس (Logos) یا کلمه، نیز در زبان سریانی ملتا (Melta) می‌باشد که واژه‌ای مؤنث است و در نسخه سریانی قدیم انجیل یوحنا قدیس هنوز هم به صورت مؤنث صرف می‌شود (در پیشینا (Peshitta) و در نوشته‌های نویسندگان سریانی قدیمی‌تر، در اصطلاح عامیانه، واژه ملتا (کلمه)، همیشه به صورت مذکر مورد استفاده بوده است). این در حقیقت کاملاً شبیه است با تعدادی سه‌گانگی‌هایی که در قرون دوم و سوم میلادی در سرزمین بین‌النهرین در میان کفار وجود داشته و شامل پدر، مادر و پسر بوده است (مثلاً در پالمیرا (Palmyra) و هاترا (Hatra)) اما احتمالاً به عنوان بازدارنده، علیه تکامل این نوع بت‌پرستی در محافل روحانی کلیسایی به کار می‌رفته است.

از اواخر قرن چهارم و مخصوصاً قرن پنجم میلادی به بعد، تحت تأثیر فرهنگ یونان، ruha، «روح (القدس)»، به صورت مذکر استنباط شد. در ترجمه‌های انجیل، این روند در ترجمه عهد جدید پیشینا شروع شد (گرچه در بسیاری جاها یک فعل مؤنث به کار رفته است) و در ترجمه هارکلین (Harklean) (و شاید هم همزمان در ترجمه‌های فینیقیها) به طرز مستمر ادامه یافت و کامل گردید. در متون غیرانجیلی ما نمونه‌هایی از مورد استفاده آن به صورت مؤنث می‌یابیم که تا قرون اولیه ظهور اسلام ندرتاً یافت می‌شوند، مخصوصاً در متون آیین نیایشی موجود هستند. بنا به عللی استفاده از صفت مؤنث «قدیشتا» به تدریج منسوخ می‌گردد در حالی که فعل مؤنث آن «روحه قودشه» احتمالاً بسیار بیشتر دوام آورده است. بعضی مواقع شخص واژه ruha را می‌یابد که در یک جمله هم به صورت مؤنث و هم مذکر صرف شده است، و در آثار شعرایی مانند یعقوب سروق[†] (Jacob of Serugh) به نظر می‌رسد که این موضوع در ملاحظات قافیه‌پردازی در شعر مطرح بوده است.

در واقع، یعقوب سروق به اتفاق تعدادی دیگر از نویسندگان ارتدکس سریانی معاصر خود، یکی از مقاطع کمیاب تفسیرهای بنیادگرایانه متون الهی را که ظاهراً سخت تحت

سلطه ملاحظات در مورد جنسیت ruha قرار داشته، حفظ نموده اند. او در یک موعظه بشارتی در چندین مورد به این مطلب اشاره و تأکید می کند که «روح» و «قدرت» جبرئیل که در درود او در انجیل لوقا ۱: ۳۵ «روح القدس بر تو قرار خواهد گرفت و قدرت حضرت اعلی بر تو مستولی خواهد گشت» دیده می شود مترادف نیستند، در حالی که معمولاً تصور می شود که مترادف باشند. بر طبق نظر یعقوب، روح اول آمد و نقش او پاکسازی و تطهیر بود، درحالی که قدرت «کلمه» بود؟ لازم بود که روح القدس قبل از تنها -مولود بیاید، زیرا ابتدا روح و سپس قدرت در آن باکره پاک ساکن می گردند.

قدری پایین تر «قدرت» بار دیگر تفسیر می شود:

قدرت حضرت اعلی که طفلی است از اعلی ...

چنان که مکتوب است او مسیح است، قدرت پدر.

همین دیدگاه در سوروس و در فیلوگزنوس و نیز در سایر نویسندگان ارتدکس سریانی یافت می شود و هنوز هم در Fenqitho وجود دارد. در اصل، جنسیت به نظر می رسد مربوط به مشکلاتی باشد که احساس می شد در آن آیه، اگر روح را مؤنث در نظر بگیریم، به وجود آید. این موضوع در یادداشتی در انجیل قبطی فیلیپ - مربوط به قرن دوم میلادی با تمایلات سریانی در آن - یافت می شود.

بعضی گفته اند که مریم توسط روح القدس باردار گردید. آنها در اشتباه هستند و متوجه نمی باشند که چه می گویند، زیرا از چه زمانی زنی توانسته از زنی دیگر باردار گردد؟

در متون انجیل و مخصوصاً عهدعتیق از «روح» به عنوان قدرت غیرشخصی استفاده شده. اما بیشتر اوقات پدران کلیسا این تفاوت مابین استفاده از واژه «روح» در انجیل به صورت غیرشخصی یا شخصی را منظور نکرده اند، تئودور اهل مویسوستیا در این رابطه یک استثنا می باشد. تئودور این موضوع را که عهدعتیق در مورد شخص خاص یا یکی از سه گانه های اقدس بودن روح دانشی داشته را تکذیب کرده است 13. نقطه نظرهای تاریخی تئودور، توسط تعدادی نویسندگان سریانی شرقی نیز پذیرفته شده. او دانش معاصر را تا حدودی پیش بینی نموده است. به هر حال سایر پدران کلیسا به موضوع با دیدگاهی دیگر می نگریستند: آنچه که خود نویسندگان کتب عهدعتیق از واژه «روح» درک می کرده اند برای آنها در درجه دوم اهمیت قرار داشته، زیرا در نظر آنها کلیسا می تواند آنچه را که این نویسندگان در نور مکاشفات روح القدس در عهدجدید می گویند

تفسیر نماید. بنابراین آنها احساس می‌کردند که انتقال این دانش جدیداً به دست آمده به عهدعتیق، کار صحیحی است. این درک عمیق تر در سطحی کاملاً متفاوت از آن درک تاریخی قرار دارد و نباید با آن اشتباه شود.

به دلیل این دیدگاه، مهم است که به فعالیتهای روح در عهدعتیق و نیز در عهدجدید نظر بیندازیم، زیرا دلایل موجود در انجیل در بسیاری از زمینه‌های عبارت‌پردازی و شبیه‌سازی نقشی اساسی ایفا می‌نمایند. در صفحات بعدی از پیشینا استفاده شده و به واژه‌های عبرانی و یونانی فقط در صورتی که به طرز محسوسی متفاوت بوده‌اند اشاراتی شده است.

در عهدعتیق افعالی که غالباً در جایی که موضوع «روح» مطرح است یافت شده‌اند به شرح زیر می‌باشند:

۱- «مستقر شدن بر»: اعد ۱۱:۲۶؛ ۲- یاد ۲:۱۵؛ ۲- توا ۱:۱۵، ۱۴:۲۰؛ اش ۱۱:۲ (آرام گرفتن و مستقر شدن بر، در عبرانی و یونانی فقط یک فعل دارد).

۲- «بودن بر»: اعد ۲:۲۴؛ یهو ۱۱:۲۹؛ ۱- سمو ۱۹:۲۰، ۲۳.

۳- «پوشیدن»: یهو ۶:۳۴ (یونانی «قدرت دادن»): ۱- توا ۱۲:۱۹؛ ۲- توا ۲۴:۲۰.

۴- «برداشتن»: ۱- یاد ۱۸:۱۲؛ ۲- یاد ۲:۱۶ (یونانی «یافتن») عزرا ۳:۱۲، ۳:۸، ۱۱:۱، ۲۴.

۵- «هدایت کردن»: مز ۱۴۳:۱۰؛ اش ۶۳:۱۴.

۶- «شناور بودن»، †(rahhef): پید ۱:۲.

با وجودی که این فقط یک بار در رابطه با روح در متن عبری و سریانی اتفاق افتاده، فعل rahhef (شناور بودن) احتمالاً مهمترین کلمه در میان آنهاست که همراه با agen («سایه گسترده بر، مسلط شدن بر»، از عهدجدید گرفته شده) به واژه‌ای تکنیکی تبدیل می‌شود که برای عمل روح القدس در متون سریانی استفاده شده است. این فعل در واقع در عهدعتیق پیشینا فراوان یافت می‌شود (در مقایسه با متن عبری آن) و معادل عبری آن را در چندین جا «ترحم کردن یا همدردی کردن با» ترجمه می‌کند (مثلاً اش ۱۱:۲۷، ۳۰:۱۸... ار ۱۳:۱۴). اسم ruhhaifa نیز به کرات مورد استفاده قرار گرفته و همیشه ترجمه کلمات عبری برای «رحم و شفقت» می‌باشد (مثلاً در امث ۳:۲۲؛ اش ۹:۶۳). در جمله‌ای در زک ۱۰:۱۲ به طرزی خاص با «روح» مرتبط است: «روح ruh-hafa و رحمت».

حالا توجه خود را به عباراتی معطوف کنیم که در آنها «روح» مفعول یک فعل است،

مهمترین این کلمات به شرح زیر می باشند:

- ۱- «دادن»: در اعد ۲۹:۱۱؛ اش ۱:۴۲؛ حزق ۱۱:۱۹
- ۲- «پرشدن با»: خروج ۳:۲۸، ۳:۳۱، ۳۱:۳۵
- ۳- «بیرون ریختن»: اش ۳:۴۴؛ یول ۲:۲۸؛ زک ۱۰:۱۲
- ۴- «فرستادن»: مز ۳۰:۱۰۴؛ اش ۱۶:۴۸
- ۵- «نزدیک شدن»: مز ۱۱:۵۱

جمله پردازی اش ۲:۱۱ در عهدعتیق (قرار گرفتن بر)، در عهدجدید در ۱- پط ۴:۱۴ اقتباس شده، اما علاوه بر این مورد، چندین فعل نوین نیز وجود دارند که در مورد فعالیت روح استفاده شده اند: روح «می آید»^۵ (لو ۱:۳۵؛ اع ۸:۱، ۱۶:۱۹)، روح «قرار دارد» (لو ۲:۲۵؛ پید ۳۸:۴۱ «موجود است در»)، روح «نزول می کند» (مت ۳:۱۶؛ مر ۱:۱۰؛ لو ۳:۲۲؛ یو ۱:۳۲)، روح «می دمد» (یو ۳:۸)، روح «ساکن می شود در» (روم ۸:۹، ۲:۱۱- تیمو ۱:۱۴)، و بالاتر از همه اینها «سایه گستردن» (agen) روح می باشد. این واژه آخر که ترجمه دقیق آن دشوار است، ظاهراً از زمانهای اولیه در کلیسای سریانی زبان به واژه ای تخصصی برای فعالیت روح تبدیل شده است، زیرا برای ترجمه چندین فعل مختلف یونانی استفاده می شود: در اعلام بشارت فرشته، در انجیل لو ۱:۳۵، و بار دیگر در اع ۵:۱۵، این واژه را episkiazo یا «سایه گستردن» ترجمه می کنند. و در مورد «روح» در اع ۱۰:۴۴، ۱۵:۱۱، epipto یا «نازل شدن بر» ترجمه شده، در مورد موضوعات غیر از «روح» agen در انجیل یو ۱:۱۴ به Skenoo یا «ساکن شدن» و مشتقات آن تبدیل شده (جایی که موضوع «کلمه» است)، اع ۲:۲۶ و ۲- قرن ۹:۱۲ (جایی که موضوع «قدرت مسیح» است).

واژه agen در واقع زمینه ای در عهدعتیق پشیتا و تارگومیم^۶ دارد، اما نه در چارچوب فکری راجع به «روح». در شرح داستان تجسم خدا در سینا، خدا به موسی می گوید: «من دست خود را می گذارم تا بر تو سایه بگستراند (agen)، تا زمانی که من عبور کرده باشم» (خروج ۲۲:۳۳). agen در این جا به فعل عبری skk «پنهان کردن، محافظت نمودن» ترجمه شده. با توجه به ریشه یابی کلمه gnuna «حجله عروس»، جالب این است که مترجمین سریانی ظاهراً کلمه عبری Sakak را با Sukkan «خیمه، چادر یا سایبان» که در مراسم عروسی یهودیان به کار می رود مرتبط دانسته اند.

در جاهای دیگر agen به افعال عبری به معنی «محافظت نمودن» ترجمه شده است (مثلاً ۲- یاد ۳۴:۱۹؛ اش ۵:۳۱). در متون عهدعتیق واژه «خداوند» همیشه انجام

دهنده فعل است و فقط در نوشته‌ها یا آثار دوران مابین دو عهد است که ما تغییری در نحوه استفاده آن می‌یابیم: در امثال سلیمان ۸:۱۹ «دستهای» خداوند (که از عباراتی در خروج ۳۳:۲۲؛ مز ۱۳۸:۸ گرفته شده) فاعل است: «زیرا که دستهای تو بر من سایه می‌گستراند، ای خداوند». در بنسی ۱۸:۲۳ فاعل «سایه» است در حالی که در ۴-عزرا ۷:۱۲۲ «جلال حضرت اعلی» فاعل می‌باشد که «بر آنهایی سایه خواهد افکند که در پاکدامنی و نجابت زندگی کرده‌اند».

با توجه به این که agen «سایه گسترده» در سریانی به یک واژه تخصصی تبدیل شده، بسیار محتمل است که کلمه غیرانجیلی یونانی epiphositaio، خود نیز به کرات برای بیان فعالیت روح در متون نیایشی و نوشته‌های قدیسین به کار رفته باشد، در واقع این ترجمه agen است که از نواحی ای که دوزبان سریانی و یونانی مورد استفاده بوده سرچشمه گرفته است. مسلماً قضیه معکوس یافت شده، زیرا epiphositaio در نیایش قبل از مراسم عشاء ربانی در آنافورای یونانی یعقوب قدیس و نیز در نیایش قبل از مراسم شام مقدس سریانی که از این نیایش برای بعد از مراسم عشاء ربانی اقتباس شده، این فعل به agen یا rahhef (اسامی مشتق) تبدیل گردیده است.

در عهدجدید آیه ای مهم وجود دارد که در آن agen مورد استفاده قرار نگرفته. این آیه در شرح تبدیل هیئت مسیح است. در این جا کلمه یونانی episkiazio جای خود را به atel به معنی «سایه دادن» داده، در (مت ۱۷:۵؛ مر ۹:۷؛ لو ۹:۳۴).

حال توجه خود را به افعال زودگذر معطوف کنیم که در آنها «روح» فاعل است، افعالی مانند: «مستولی شدن بر» (seize) در (اع ۸:۳۹)، «تعلیم دادن» در (لو ۱۲:۱۲؛ یو ۱۴:۲۶)، «تسلی دادن» در (اع ۹:۳۱) (در این جا پیشیتا از یک اسم به جای فعل استفاده نموده)، «جستجو کردن» در (۱- قرن ۲: ۱۰)، «حیات بخشیدن به» در (۲- قرن ۳: ۶)، «اعلام کردن، بشارت دادن» در (یو ۱۶:۱۳ با افعال مختلف در سریانی قدیم و پیشیتا، عبر ۹:۸)، «شهادت دادن» در (اع ۲۰:۲۳؛ عبر ۱۰:۱۵)، «هدایت کردن» در (یو ۱۶:۱۳؛ مر ۴:۱؛ لو ۴:۱). فقط این نمونه آخر ریشه در عهد عتیق دارد.

جایی که «روح» مفعول یک فعل است، به هر حال عهدعتیق مدلی برای «دادن» (لو ۱۱:۱۳ و غیرو)، «فرستادن» (یو ۱۴:۲۶؛ غلا ۴:۶) و «بیرون ریختن» (اع ۲:۱۷-۱۸؛ تیمو ۳:۵) ارائه می‌دهد. افعال جدید عبارتند از: «دریافت کردن» (یو ۲۰:۲۲)، «فرونشانندن» (۱- تسا ۵:۱۹) و «سوگواری» (افس ۴:۳۰).

نهایتاً می‌باید به دو نکته منفی اشاره کنیم: اول این که فعل Shken «مسکن داشتن»

فقط در مورد پرندگان در عهدجدید سریانی مورد استفاده قرار گرفته است، (مت ۱۶: ۳۲) سریانی قدیمی؛ مر ۴: ۳۲ در پشیتا). باتوجه به اهمیت این فعل - و مخصوصاً اسم Shekina^۷ - در ادبیات یهود، خالی از اهمیت نیست. ثانیاً می باید تأکید شود که اسم یوحنا وار برای روح القدس، Parakletos، که تلفظ آن در اناجیل سریانی با حروف این زبان نشان داده شده، در نوشته های اولیه سریانی به هیچ وجه متداول نبوده (شاید به این دلیل که مانی آن را به خود اختصاص داده بود).

انجیل سریانی به عنوان مبدأ برای بسیاری موارد جمله سازی توسط متون نیایشی بعدی در رابطه با فعالیت های روح القدس، نگهداری شده. علاوه بر ruhhef و agen، سه فعل دیگر با ریشه های انجیلی به نظر می رسد که به طور خاص مشخصه سنت سریانی بوده اند: آمدن، استراحت کردن و سکونت گزیدن. یک دسته از افعال هستند که منشأ انجیلی مشخصی ندارند: در سنت اولیه سریانی، روح القدس با آب تعمید، نان و شراب و با خود تعمید یافتگان «آمیخته» یا «مخلوط»^۸ می شود. به عنوان مثالی ساده از اپرم، مسیح برای تعمید آمد «تا روح نادیدنی را با آب دیدنی» مخلوط کند.

۳- زمان تقدیس شده و زمان عادی

از همین ابتدا سودمند خواهد بود اگر طبیعت زمانی را که زیربنای تمام متون ماست به خوبی درک کنیم. بیشتر ادیان دو نوع مختلف از زمان را تشخیص می داده اند. در کنار زمان عادی و تاریخی، بُعد دومی از زمان نیز وجود دارد که بهترین تعریف آن زمان «تقدیس شده» یا زمان «نیایشی» می باشد. زمان عادی، تسلسل لحظات در تاریخ، احتیاج به توضیح خاصی ندارد. زمان تقدیس شده به هیچ وجه توجهی به تسلسل وقایع در زمان معمولی ندارد (درواقع می تواند آنها را معکوس کند)، بلکه درواقع توجه زمان تقدیس شده به محتوای نجات بخش و معنی یک رویداد یا رویدادهایی است که یا در زمان نخستین اتفاق افتاده «در ابتدا» یا در مرحله یا مراحل در زمان تاریخی (و این به طور خاصی مشخصه یهودیت و مسیحیت است). وقایع نجات دهنده در طول تاریخ تأثیر خود را باقی می گذارند و می توان در هر زمانی در تاریخ، آنها را «دوباره به دست آورد» زیرا آنها تا به ابد در زمان تقدیس شده حضور دارند. در یهودیت، زمان تقدیس شده به طور ممتاز و عالی در مراسم عید گذر بار دیگر به دست می آید، درحالی که در مسیحیت ورود به زمان تقدیس شده به طور عمده و اصولی در آیین نیایش شام خداوند می باشد. بدین سبب، در زمان تقدیس شده، هر روز یکشنبه روز رستاخیز است.

در این روز پسر، نخست زاده، از قبر برخاسته تا شادی و وجد رستاخیزش را به آنهایی که در بالا هستند و آنهایی که در پایین هستند بدهد...

جشن و واقعه نجات بخشی که آن را سپاس می‌دارند، همزمان و در کنار هم در زمان تقدیس شده ادامه می‌یابند، در صورتی که در زمان تاریخی از هم جدا هستند. بدین سبب اولین سرود اپرم در جشن میلاد مسیح این گونه آغاز می‌شود:

در این روز، خداوند شادی را به پادشاهان، گهنه و پیامبران ارزانی داشت زیرا که در آن سخنان آنها به کمال رسید و به حقیقت پیوست.

زیرا که باکره‌ای امروز در بیت لحم به عمانوئیل تولد بخشید

آن کلمه‌ای که اشعیا ندا کرد امروز به واقعیت پیوسته است. (H. Nativ. 1:1-2)

به همین صورت رومانوس (Romanos) شاعر یونانی اوایل قرن ششم در کنتاکیون (Kon-takion)† مشهور خود جشن میلاد مسیح را با این کلمات آغاز می‌کند: «باکره امروز به او که ماورای تمام هستی است تولد می‌بخشد». این چنین جمله بندی در تمام متون آیین نیایش سریانی عمومیت دارد، و مثالی دیگر در مورد تجسم خدا، کفایت می‌کند:

در این شب روح القدس همانند کبوتری شناور بود و چشمه‌ها مملو از آب بودند.

(Fenqitho 3, 273, Lilyo)

این «ورود» به زمان تقدیس شده تحت تأثیر روح القدس است. در آیین نیایشی شام خداوند نان و شراب به طور مؤثر «تبدیل» به جسم و خون مسیح می‌گردد، و در تبرک حوضچه آب برای مراسم تعمید، آب تبدیل به آب رودخانه اردن می‌شود که مسیح برای تعمید خود به درون آن فرو رفت، و نیز «تبدیل» به آبی می‌شود که از پهلوی او بر روی صلیب جاری گشت (یو ۱۹:۳۴). مراسم شام خداوند و تعمید وقایعی رستگاری بخش هستند که در زندگی مسیح نشان داده شده، توسط پیوند زمان تقدیس شده - حال ابدی - با لحظه‌ای در زمان تاریخی که در آن عمل نیایشی ما به انجام می‌رسد. پیوند این دو زمان توسط قدرت روح القدس انجام می‌شود.

بنابراین زمان تقدیس شده یک واقعیت ذهنی و محسوس است، اما در تجربه مسیحی عمدتاً فطری و ذاتی است.

همان طور که خواهیم دید تعمید مسیحی با وقایع گوناگونی که طی تن‌گیری خدا روی داده در ارتباط می‌باشد، مخصوصاً در تعمید شخص مسیح، سوراخ کردن پهلوی او بر روی صلیب، مرگ، تدفین و رستاخیز او. با وجودی که هر کدام از این وقایع در زمان تاریخی از یکدیگر جدا بوده‌اند، در زمان تقدیس شده مشابه می‌باشند، هر کدام تأثیر

نجات بخش تن گیری خدا را به صورت کامل دارد. امکانات مهیج این تداخل دو زمان در یکدیگر دائماً توسط سراینندگان نیایشها مورد بهره برداری قرار گرفته است.

تعمید مسیحی با زمان تقدیس شده به شیوه ای عمیق تر پیوند خورده، زیرا یک مسیحی در تعمید خود درک کرده که از هم اکنون وارد زمان تقدیس شده، وارد ملکوت خدا، گردیده و حال قادر به پیش بینی حیات یا رستاخیز است^۹. به نظر می رسد که ترجمه سریانی قدیمی لو ۳۵:۲۰، ۳۶ این مطلب را روشن می کند.

آنها که لایق دریافت آن کلمه (به معنی ملکوت خدا) و آن رستاخیز از مردگان گشته اند ازدواج نمی کنند، و نمی توانند بمیرند، زیرا که با فرشتگان برابر شده اند، و چون فرزندان رستاخیز هستند همانند پسران خدا می باشند.

تنش میان آنچه که «هم اکنون» در زمان تقدیس شده قرار دارد و آنچه که در زمان تاریخی «هنوز نیست» در این جا بسیار آشکار است، اما نکته مهم این است که توجه کنیم که «عطیه روح القدس» که یک مسیحی به هنگام تعمید دریافت می دارد او را با این قابلیت برای ورود مداوم به ملکوت خدا مجهز می سازد، و آن «هنوز نه» را به «هم اکنون» تبدیل می کند، زیرا این روح القدس است که بار دیگر اتحاد و ارتباط مابین دو زمان را به وجود می آورد. مراسم شام خداوند که تحت تأثیر روح القدس قرار دارد زمانهای تاریخی و تقدیس شده را فرموله کرده به اتحاد درمی آورد، همین طور به فرد مسیحی مدلی می دهد که: با همکاری روح القدس که در او ساکن است، و با «محدود نکردن» روح القدس، می تواند زمان ورود خود را به زمان تقدیس شده توسط روح القدس تحت تأثیر قرار دهد. و بنابراین ملکوت آسمان «در درون شما» خواهد بود.

زندگی مسیحی از این دیدگاه تلاشی مداوم است جهت اتحاد و اتفاق زمانهای تاریخی و تقدیس شده با یکدیگر. فقط با اجازه دادن به فعالیت روح القدس است که می تواند چنین چیزی اتفاق بیفتد.

یادداشت‌های فصل ۱

1- در واقع این عنصر یونانی خود محصول فرهنگ دوزبانه یونانی-آرامی/سریانی اهالی سوریه و فلسطین است: در آیین نیایش و در تصنیف سرود، همانند هنر و معماری، منطقه سوریه و فلسطین به عنوان یکی از نواحی بسیار خلاق در اواخر دنیای باستان ظاهر می شود.

2- زبان سریانی تا قرن پانزدهم و شانزدهم (از قرن یازدهم، غالباً در کنار زبان عربی) در متون

- آیین نیایش ملکیت مورد استفاده بوده است.
- ۳- البته روح القدس نیز تصاویر بسیاری از شخصیت مونت حکمت که در یهودیت بعد از تبعید شناخته شده بود گرفته است.
- 4- در کتاب «آموزش رسولان» (Didascalia) بند ۹؛ خادم معرف مسیح و خادمه معرف روح القدس هستند.
- 5- در عهدعتیق عبری، روح «بر من می آید» در حزق ۳:۲۴، اما در پیشیتا ترجمه شده «وارد می شود به»
- 6- در ترگوم خروج «من سایه می گسترانم» (محافظت) می کنم تو را با Memra. این فعل تصور می شود در رابطه با جمله پردازی منتسب به magen «سپر» عبرانی ها باشد.
- 7- در بعضی از متون سریانی شرقی نیایشی (متأخر؟) که از Shkinta نامه نگاری شده کاملاً به فراوانی یافت می شود. از این فعل گاهی در دعای قبل از مراسم شام خداوند استفاده شده، مثلاً لار صفحه ۶۸ (روغن).
- 8- تنها منشأ ممکن در انجیل به نظر می رسد که در اش ۱۹:۱۴ باشد. نویسندگان سریانی همچنین اغلب درباره راز تعمید به عنوان «مخلوط شدن» در گله صحبت کرده اند. (مثلاً در کتاب اعمال توماس، آیه ۱۵۶، آنها را با گوسفندان خود مخلوط کن، و اغلب با شماسان)، برای این پید ۳۰:۴۰ را مقایسه کنید. این افعال همچنین برای اتحاد طبیعت الهی و بشری مسیح به کار رفته (همانند Sunkerannumi در بعضی از نوشته های یونانی اولیه)، با وجدی که این زبان بعدها به بدنامی افتاد.
- 9- در انتظار حیاتی فرشته مانند توسط افراد زاهد و تارک دنیا و قدیسین در این جهان.

کسمبلها و نشانه‌های روح القدس

در نوشته‌های اولیه مسیحی سه سمبل برای روح القدس وجود داشت: آتش، کبوتر و روغن. از این سه سمبل در حد بسیار زیاد مشخص‌ترین و مهم‌ترین آنها در سنت سربانی سمبل آتش است.

۱- روح القدس به عنوان آتش

در هفتاد و سومین سرودهای ایمان که اپرم آماده کرده، به عنوان شرح سه گانه اقدس، مثالی از خورشید آورده. خورشید با پدر مطابقت می‌کند، نور خورشید با پسر و گرمای آن با روح القدس. این وجه تشابه در نظر اپرم به طور خاصی سودمند است، زیرا توجیه می‌کند که چگونه روح القدس به درون دنیای خلق شده نفوذ می‌نماید:

قدرت گرمای روح
در هر چیز و با هر چیز ساکن است
با وجود این با آن یگانه یکی است
و از درخشش آن جدا نشده
بلکه با آن مخلوط گشته، از خورشید جدا نشده
بلکه با آن درهم آمیخته. (سرودهای ایمان ۷۴:۳-۴)
روح القدس به عنوان آتش برتر از همه تقدیس‌کننده‌ها:
در آتش، سمبل روح القدس است،
این نوعی از روح القدس است
که در آب تعمید مخلوط شده
تا بتواند برای آمرزش گناهان باشد،
و در نان،

که می‌تواند یک تقدیمی باشد. (سرودهای ایمان ۱۰:۴۰)

آتش تقدیس‌کننده روح القدس منشأ در عهدعتیق دارد و در کنار آیاتی در کتاب اشعیاى نبی باب ششم، نزول آتش قربانی بر تقدیمی، نشانه تقبل آن محسوب می‌شود (مثلاً در ۲- قرن ۱:۷). این چارچوب فکری در یهودیت بعد از زمان انجیلی و در مسیحیت اولیه توسعه زیادی یافته بود. در تارگوم، در غزل غزلها ۵:۱، خدا را با این گفته «من آتشی از

آسمان می فرستم و تمام هدایای شما و قربانی تقدیس شده را می بلعم» - به عنوان نشانه پذیرفتن قربانی سلیمان در معبد توسط وی (۲- تو ۷۱: ۱) - معرفی می کند. تئودوسیون (Theodotion) مترجم یهودی یونانی عهدعتیق پید ۴: ۴ را این طور و با این کلمات بیان می نماید: «و خدا تقدیمی هابیل را سوزانید»، و بدین شکل توضیحی فراهم می کند که چگونه هابیل دانست که تقدیمی او مورد قبول واقع شده است. افراشات در کتاب استدلالات، بند ۴ در مورد نیایش، مقاطع زمانی موجود در عهدعتیق را برشمرده که در آنها نزول آتش گزارش شده تا به مخاطبین خود این اطمینان را بدهد که «هنگامی که هابیل و قابیل هر دو با هم تقدیمیهای خود را تقدیم نمودند، آتش زنده که در برابر خدا خدمت می کرد از آسمان فرود آمده قربانی پاک هابیل را بلعید، اما هدیه قابیل را لمس ننمود زیرا که پاک نبود (استدلالات ۲: ۴).

بنابراین روح القدس به عنوان «آتش» دارای دو جنبه است: آتش نشانه قبول قربانی است و همزمان آن را تقدیس می کند. در مورد آمدن روح القدس بر روغن و آب تعمید آن جنبه اول البته دیگر قابل اعمال نیست، اما در راز شام مقدس خداوند هر دو جنبه آن کاملاً حضور دارند.

نقش پاکسازی و تقدیس آتش را می توان در کتاب سریانی اعمال یوحنا مشاهده نمود. این رسول بر روغن تعمید نیایش می کند و «بلافاصله آتش سوزنده بر روغن قرار می گیرد بدون این که خود روغن بسوزد». برطبق شعری که یعقوب سروق درباره تعمید خویش سروده، آتش توسط کنستانتین بر بالای آب تعمید دیده شده. به هر حال به کرات آب را در حالی که با شعله های آتش بلعیده و بالا برده می شده توصیف نموده اند. این نیز ریشه در سنت باستان دارد که طبق آن آب رودخانه اردن در هنگام تعمید شخص مسیح در آتش بالا رفت. در مورد تعمید مسیح البته خود مسیح موجب آن می شود و نه روح القدس (با وجودی که یعقوب از «روح مسیح» صحبت می کند که پیش رفته آب را گرم می کند). در تعمید مسیحی، به هر حال این روح القدس است که آب را آتش می زند. بدین گونه در لیست طولانی بیرون راندن شیطان که در نمازهای مارونیتها و ارتدکسهای سریانی رایج است که به تیموتی ربط داده می شود، می یابیم که «پدر خوشحالی می کند، پسر به وجد می آید و روح القدس سایه می گستراند، آب تعمید با شعله به آتش کشیده می شود، و روح...»

در آیین مقدس عشای ربانی نیز روح القدس همانند آتش در نیایش قبل از عشاء نازل می شود تا نان و شراب را تقدیس نماید. همچنان که در شعری توسط بالای (Balai) در

مورد تقدیس کلیسا در Qenneshrin گفته شده: «کشیشان می ایستند، او آتش را روشن می کند (با سرودن نیایش طلب نزول روح القدس)، او نان را برمی دارد اما جسم را می دهد، شراب را دریافت می دارد اما خون را پخش می نماید».

«آتش» روح القدس به تعمید یافته در آیین مقدس شام خداوند نیز بخشیده می شود، و باعث ادامه روند تقدیس در آنها می گردد. باب دهم سرودهای ایمان ابرم ارزش آن را دارد که در این رابطه به طور مفصل بازگو شود:

در نان تو روحی مخفی شده که خورده نمی شود
در شراب تو آتشی ساکن است که نوشیده نمی شود
روح در نان تو، و آتش در شراب توست.
اعجابی آشکار، که لبهای ما دریافت نموده
هنگامی که خداوند بر زمین میان انسانهای فانی فرود آمد
او آنها را بار دیگر در آفرینشی نوین آفرید، همانند فرشته ها
و آتش و روح را در درون آنها مخلوط کرد،
تا به طرزی مخفی آنها نیز از آتش و روح باشند.
سرافی نمی توانست با انگشتانش زغال آتش را لمس کند،
اما فقط آن را تا نزدیک دهان اشعیا آورد
سرافی آن را نگاه نداشت، اشعیا آن را فرو نداد.
اما خداوند ما، به ما اجازه انجام هر دو کار را داده است،
برای فرشتگان که روح هستند ابراهیم
غذایی برای جسم آورد، و آنها خوردند. اعجازی نوین
این است که خداوند قادر ما به انسان جسمانی
آتش و روح برای خوردن و نوشیدن داده است.
آتش در خشم نازل شد و گناهکاران را بلعید،
آتش رحمتی که فرود آمد و در نان ساکن گردید.
به جای آن آتشی که بشریت را بلعید،
تو آتش را در نان فرو دادی و به حیات رسیدی.
آتش نازل شد و قربانی الیاس را بلعید،
آن آتش رحمت، برای ما قربانی زنده ای شده است:
آتش تقدیمی را بلعید،

و ما، ای خداوند، آتش تو را در تقدیمی تو بلعیده ایم. (سرودهای ایمان ۸:۱۰-۱۳) آتش، همانند آب، یک سمبل مبهم است - می تواند مخرب باشد. اما در مورد روح القدس به عنوان آتش، فقط چیزهایی که ناپاک یا شریر است نابود می شود. نان تو طمعکار را که ما را خوراک خود ساخته بود می کشد، جام تو مرگ را که ما را بلعیده بود نابود می سازد. ما تو را خوردیم، ای خداوند، ما تو را نوشیدیم - نه این که ما تو را صرف می کنیم، بلکه از طریق تو ما نجات خواهیم یافت. (سرودهای ایمان ۱۰:۱۸)

یا

هنگامی که موسی پسران هارون لاوی را انتخاب و مسح کرد،
آتش جسم آنان را بلعید،
آتش البسه آنان را محفوظ داشت.
متبارک باشید، برادران من،
زیرا آتش شفقت نازل شده
تا گناهان شما را ببلعد،

پیکرهای شما را پاک کرده تقدیس نماید. (سرودهای ظهور ۳:۱۰)
نارسای (Narsai) نیز همین ایده را درباره حوضچه آب تعمید پذیرفته است. گویی در کوره ای از آتش، کشیش در آب تعمید پیکرها را از نوقالب می گیرد و همانند آتش، او علفهای فناپذیری را می بلعد... توسط گرمای روح القدس زنگار جسم و روح را می زداید.

ما در این جا از تصویری آخرتی درباره «رود آتش» چندان دور نیستیم. در بسیاری جملات، دیدگاه در مورد روح القدس به عنوان آتش با شکل مروارید که مورد علاقه شدید نویسندگان سریانی بود ارتباط دارد. بر طبق اعتقادات اساطیر باستان، هنگامی که برق آسمان به صدفی در دریا اصابت می کند، صدف در نتیجه برخورد عناصر ناسازگار آب و آتش، دهان می گشاید. اپرم در این سری پنج گانه شعرهای مشهور خود درباره مروارید بر بسیاری از شباهتهایی که تن گیری خدا و مروارید ارائه می کند تعمقی دارد: مسیح، آن مروارید، توسط نزول آتش روح القدس بر مریم، آن صدف، مولود یافته است. از زمانهای اولیه عناصر تقدیس یافته شام خداوند نیز نام «مروارید» را به صورت تخصصی کسب نمودند. اپرم در سرودهای مذهبی یا memra خود در مورد زن گناهکار

می نویسد: «مسیح به ما مروارید داد، جسم و خون مقدس خود را». در این جا نیز بار دیگر نزول «آتش»، در نیایش قبل از شام خداوند موجب این واژه پردازی شده است. همچنان که یعقوب سروق در موعظه خود در مورد اربابه حزقیال گنجانیده، در موضوع کروبیان «زغالهای آتش»:

این کشیش نیست که قدرت دارد تا تنها-مولود را قربانی نماید

یا این قربانی را به خاطر گناهکاران به حضور پدر برافرازد:

بلکه، روح القدس است، که از پدر صادر می گردد

و نزول می کند، سایه می گستراند، در نان ساکن می شود و آن را جسم می سازد،

و آن را مرواریدهایی گرانبها می گرداند

تا ارواحی را که توسط او نامزد شده اند زینت بخشد.

به عنوان آخرین نمونه جهت نشان دادن فعالیت‌های «آتش روح» جملاتی زیبا از سحدونا Sahdona نقل می کنیم، که در آنها او نیایش را با یک قربانی مقایسه می کند:

شروع نیایش ما باید با هوشیاری و دقت باشد، و با درد و رنج قلب به سیل اشکها اجازه دهیم تا بر گونه های ما جاری گردد. خدمت ما باید کاملاً مطابق با خواست خدا باشد، تا شاید بی عیب و قابل قبول برای او گردد. آن وقت است که خداوند از ما خوشنود شده از تقدیمی ما لذت خواهد برد، رایحه شیرین تقدیم کامل قلب پاک ما را استشمام خواهد نمود- آتش روح القدس خود را خواهد فرستاد تا قربانیهای تقدیمی ما را ببلعد و همراه با آن اذهان ما را در آتش به سوی آسمان بلند کند. و ما خداوند را خواهیم دید، لذت ما، بدون این که هلاک شویم، همان گونه که سکوت مکاشفه او بر ما قرار می گیرد و چیزهای مخفی از دانش وی در ما مجسم می شود. شادی روحانی، همراه با رازهای پنهان که نمی توان آنها را به آسانی و با کلمات ساده توصیف نمود در قلبهای ما جای می گیرد. بنابراین ما می باید بدنهای خود را قربانی مقدس، زنده و کاملاً مورد قبول بسازیم تا در خدمت معقول ما، موجب رضای خدا گردد.

۲- روح القدس به عنوان يك کبوتر

در هنگام تعمید مسیح، روح القدس در شباهت کبوتری بر او نازل شد، و بر اساس این رویداد از حداقل قرن پنجم میلادی به بعد کبوتر به صورت سمبل روح القدس در هنر مسیحی نشان داده شده است.^۱ اما در قرن ششم، هم سوروس و هم فیلوگزنوس با استفاده از این سمبل برای درست کردن «کبوتر شام خداوند» مخالفت کرده اند. مخالفت آنها

جلوگیری کردن از تمایلات شمایل شکنی نبود (همچنان که گاهی اوقات حدس زده شده)، بلکه به این دلیل که کفار نیز در زمانهای قبل از مسیحیت در آیینهای مذهبی خود که مرکز آن در مابوق بوده با کبوتر سر و کار داشته اند. شاید به دلیل این اشاره ضمنی است که سمبل «کبوتر» در میان نویسندگان سریانی آن چنان که در سایر سنتهای مسیحیان اهمیت داشته، مهم نبوده است.

به هر حال، متنی از زمانهای اولیه وجود دارد که در آن تصویر کبوتر شاخص است و در غزل بیست و چهارم از غزل‌های سلیمان یافت می‌شود، با این آغاز:

کبوتر از فراز سر خداوند ما مسیح به پرواز درآمد

زیرا که او سر آن بود

او بالای سرش نغمه خواند

و صدایش شنیده شد...

صحنه این شعر بسیار مبهم مسلماً تعمید مسیح است، اما روشن نیست که از کبوتر مورد بحث به عنوان یک سمبل برای روح القدس استفاده شده یا این که نویسنده با شرح انجیل آشنا نبوده و به سادگی پرنده‌ای را به عنوان انگیزه شناخت انتخاب کرده بود.

این امکان وجود دارد که واژه «پرواز کردن» که اکثراً همراه و در رابطه با فعالیت‌های روح القدس یافت می‌شود، از تجسم روح القدس به صورت کبوتر مشتق شده باشد، اما به هر صورت منشأ آن می‌توانسته در استفاده از فعل "rahhef" (شناور بودن) بوده باشد که در پید ۲:۱ آمده است، یا در جمله «بالهای روح/باد» که در مز ۳:۱۰۴ یافت می‌شود. اغلب نویسندگان سریانی به هر دو جمله اشاراتی داشته اند. (در شرح واقعه تعمید مسیح در انجیل از کلمه «پرواز» استفاده نشده بلکه فقط به «نزول» (یا پایین آمدن) کبوتر اشاره گردیده است. جملاتی از قبیل آنچه در ذیل آمده و در آن روح القدس آشکارا و بدون ابهام به عنوان کبوتر توصیف می‌شود، به نظر استثنایی می‌رسند:

بیا، برادر من، آن درختی که در کنار چشمه‌های آب کاشته شده و برگهای آن هرگز فرو نمی‌ریزد را ببینیم، آن درختی که در نوک آن عقاب آسمانی لانه کرده، و در میان شاخه‌هایش، کبوتر روح القدس، و از ریشه‌هایش آب تعمید جاری است. که گناهکاران به درون آن فرو می‌روند تا تعمید یافته و پاک بیرون آیند.

به طور کلی نویسندگان سریانی ترجیح می‌دهند از شکل «کبوتر» در رابطه‌ای کاملاً متفاوت استفاده نمایند که از آیه دیگری از کتاب مقدس، از غزل ۸:۶ برداشته شده. در این جا مریم است که کبوتر می‌باشد و حامل عقاب آسمانی^۲، «قدمت ایام» (دان ۷:۹)، همچنان که در شعر زیبای ذیل ملاحظه می‌شود:

او کبوتری جوان را حمل کرد

عقاب، قدمت ایام،
 در حال خواندن سرود او را آورد
 در سرودهای زیبای او:
 اوه پسر دولتمند، در لانه ای کوچک
 تصمیم گرفتی که رشد کنی، چنگ بنوازی
 تو ساکت هستی همانند یک طفل، لطفاً بگذار تا برایت بسرایم
 با چنگ که نوای آن کروبیان را به جنبش درمی آورد
 تمنا دارم بگذار با تو صحبت کنم
 شعرای بعدی، همانند یعقوب سروق^۳ نیز این تجسم از مریم به عنوان کبوتر را پذیرفته و
 آن را به شیوه های گوناگون پرورش دادند.
 چنین به نظر می رسد که در بسیاری از نویسندگان سریانی این تمایل وجود داشته که
 از کبوتر بعنوان سمبل روح القدس دوری جویند و آن را تبدیل به تجسمی از مریم نمایند.
 این ایده از هم اکنون در رفتار نمونه ای اپرم نسبت به کبوتر در تعمید مسیح ملاحظه
 می شود، که در آن او پیش تصویری از کبوتر نوح می بیند (پید ۸: ۹-
 ۱۱)، که حامل برگ زیتون است:

کشتی با راهی که رفته نشانه ای از حافظ خود نشان می دهد،
 صلیب سکان دار آن، و چوب ملوان آن
 که آمده تا برای ما کلیسایی در آب تعمید طرح کند:
 با نامی سه گانه او کسانی را نجات می بخشد که در زندگی او
 به جای آن کبوتر، روح تدهین او
 و راز نجات او را ترتیب داده است. ستایش بر نجات دهنده او باد.

(سرودهای ایمان ۴: ۴۹)

با وجودی که کبوتر نوح در این جا به عنوان نوعی از روح القدس در راز تعمید مسیحی
 عمل می کند، افرم عنصری متضاد را نیز تداعی می نماید. در سروده ای دیگر او کاملاً از
 این مفهوم دور شده و ترجیح می دهد به جای آن، کبوتر نوح را «منسوب به مریم» ببیند.^۴
 کبوتر در طوفان به نوح آرامش بخشید و مریم منسوب به کبوتر است (یو ۱۲: ۳-۵):
 به جای یک برگ، او مرگ پسر خود را توسط روغن عالی به طور سمبلیک نشان داد؛
 در ظرفی مرمین آن را به سر او ریخت، او بر سر او (پسر) گنجینه ای از سمبلها
 فروریخت: و در آن لحظه سمبلهای روغن مأوای خود را در مسیح یافتند، و روغن، آن

گنجینه سمبلها، به خداوند سمبلها، سمبلهایی تقدیم کرد.
 آفرینش سمبلهای او را دریافت نمود، اما مریم جسم واقعی او را آبستن شد.
 (سرودهای بکارت ۶:۷)
 در این جا کبوتر نوح یک شاخه زیتون می آورد، این کبوتر همچنین به عنوان آورنده روغن
 زیتون تصور شده، چنان که یکی از سرودهای تجلی خدا که به اپرم نسبت داده شده این
 مطلب را صریح تر بیان می کند.
 برگ درخت زیتون رسید
 با خود سمبل تدهین را آورد
 آنهایی که در کشتی بودند از آمدن آن شادی کردند
 زیرا که پیام نجات را با خود آورد.
 تو (منظور تعمید یافته است) نیز از آمدن
 این روغن مقدس شادی کن؛
 بدنهای شما که زیر بار گناه بودند شادی کردند
 زیرا که این همان پیام نجات را آورد. (سرودهای ظهور ۳:۸)
 این ما را به نکته بعدی می رساند.

۳- روح القدس و روغن زیتون/میرون

روغن زیتون با روح القدس در ادبیات سریانی رابطه ای نزدیک دارد، اما این بدان
 جهت است که روغن را «هادی» ایده آل برای قدرت روح القدس می دانسته اند و نه یک
 سمبل واقعی برای روح القدس.^۵ چنان که اپرم می نویسد:
 این روغن دوست عزیز روح القدس است، به او خدمت می کند و همانند یک
 شاگرد به دنبال او روان است. (سرودهای بکارت ۷/۷:۱-۲)
 به میمنت بازی با کلمات که در زبان سریانی معمول است، در متون ما روغن زیتون
 (meshha) را بیشتر به عنوان سمبل مسیح می شناسند^۶ («مسح شده» meshiha)،
 همان طور که اپرم بعداً آن را در همان شعر قرار داد:
 از هر زاویه ای که به روغن می نگرم، مسیح بر من نظر دوخته. (سرودهای بکارت
 ۷:۱۴:۶)

به هر حال یک آیه مهم انجیلی دیگر نیز هست که روح را با روغن و مسح کردن در
 رابطه می آورد (در اش ۱:۶۱). در ترجمه هفتادتنان، که در انجیل لو ۴:۱۸ به آن اشاره
 شده (همچنین در اع ۱۰:۳۸) می خوانیم که «روح خداوند بر من است زیرا که مرا مسح

کرد»، در این جا روح، فاعل فعل «مسح کردن» است اما در هیچ یک از نسخ اصلی عبری یا پشیتای عهدعتیق چنین نیست، و متن «زیرا که خداوند مرا مسح نمود» می باشد. در نوشته های بعدی در مورد راز تعمید گفته شده که سوروس قدیس (Mar Severus)† در یکی از نوشته هایش عنوان کرده که میرون مشخص کننده روح القدس است. منبع این اظهارنظر خود سوروس است و نامه او به یوحنا سرباز یا «رومی»^۷ که در آن او از «تکامل» آریاییهایی که در کلیسای ارتدکس پذیرفته شده اند سخن می گوید و اضافه می کند که «آنها با میرون مهر شده اند» و نیز «بنابراین اشاره می کنیم که روح القدس که این مهر علامت اوست، کامل کننده هدیه ای است که توسط تعمید داده شده». مفسرین سریانی مشخصاً ترجیح داده اند که میرون را به عنوان سمبل مسیح ببینند تا روح القدس.

یادداشت‌های فصل ۲

- ۱- در تارگوم (متأخر) در رابطه با غزل غزلهای، لاک پشت- کبوتر ۱۲:۲ تبدیل به روح القدس نجات بخش می شود.
- ۲- در اینجا البته پسر است، برخلاف قسمتی که هم اکنون عنوان شد، مسیح به عنوان «عقاب» کاملاً در نوشته های سریانی متداول است.
- ۳- (مریم که کبوتر است، الیزابت را که عقاب است ملاقات می کند). (بشریت کبوتر است، مسیح همان عقاب است). (کلیسا کبوتر است). Gregory of Nyssa در تفسیرش در مورد غزل غزلهای ۸:۶ روح القدس را در تعمید مسیح به عنوان «مادر کبوتر منتخب» (منظور کلیساست) معرفی می کند.
- ۴- افرم در این جا و در جاهای دیگر دو مریم را به هم می آمیزد.
- ۵- به هر حال نظریه پرداز گمنام سریانی شرقی می گوید: «شاخ روغن نشانگر روح القدس است»، عبدیشوع[†] نیز می نویسد: «روغن مقدس مسح کننده نشان دهنده ردای پسری و فسادناپذیری است و وعده ای است برای مسح کردن که از روح القدس می آید». همین طور Daniel of Tella به مز ۵:۲۳ اشاره می کند که (سر مرا با روغن)، منظور از «سر» در این جا «ذهن» است که هدیه روح القدس را در مراسم تعمید دریافت می کند. با مسح شدن در تعمید وزش الهی در روح وارد می شود که آن را سرمست می کند (در این باره به فصل هشتم مراجعه شود). و در مز ۸:۴۵ او اظهار عقیده می کند که «روغن» همان روح القدس است که بر سر خداوند ما در رودخانه اردن فرود آمد.

۶- مسیح همچنین زیتون است، سر منشأ روغن
۷- به فصل ۵، ۲، ج مراجعه کنید.

منابع

۱- مراسم روحانی و ساختار آنها (الف) مراسم

مراسم تعمید سریانی به چهار گروه تقسیم می‌شوند. سریانی شرقی (آشوری و کلدانی)، سریانی ارتدکس/کاتولیک، مارونی و ملکیت.

(I) سریانی شرقی (آشوری و کلدانی)

مراسم تعمید سریانی شرقی به کاتولیکوس ایشوعیاب سوم (۶۴۹-۶۵۹) نسبت داده شده که نویسنده اصلاحات گسترده‌ای در بسیاری جنبه‌های آیین نیایشی بوده است. هیچ نسخه‌ای از قدیمی‌ترین نوشته‌های موجود در این زمینه در دسترس نیست، و در مورد جزئیات مراسم در متون چاپی گوناگون تفاوت‌های مشخصی نیز دیده می‌شود. به طور خاص بعضی اصلاحات به منظور هرچه بیشتر غربی کردن مراسم در نسخه‌های کلدانی انجام شده است. در این کتاب من از نسخه‌ای از سال ۱۸۹۰ میلادی استفاده کرده‌ام که توسط میسیون سر اسقف کانتربری در ارومیه به چاپ رسیده: این متن با ترجمه لاتین آن را می‌توان در جلد اول †J. A. Assemani's Codex Liturgicus (1725) یافت. در میان نسخه‌های جدیداً چاپ شده در خاور میانه، نسخه کلدانی ۱۹۰۷ و نسخه آشوری ۱۹۲۶ (توسط کلایتا E. Y. Kelaita) که هر دو در موصل چاپ شده‌اند را می‌توان جداگانه ذکر نمود.

برای همراهی با نسخه ارومیه یک ترجمه انگلیسی نیز انجام شده و به چاپ رسیده است. نویسنده‌ای به نام بدگر†(Badger) قبلاً در کتاب خود به نام «نستورپها و آیینهای ایشان» نیز ترجمه‌ای گنجانیده بود. ترجمه انگلیسی نسخه کلایتا در سال ۱۹۲۸ توسط دو نفر به نامهای پل †(K.A. Paul) و موکن (G. Mookken) انجام شده: یک ترجمه آلمانی هم براساس نسخه ارومیه که در آن از مقالات دیگر نیز استفاده شده توسط دیتريش†(G. Diettrich) آماده گردیده، به نام «آیین نیایش تعمید نستورپها». مطلبی دیگر نیز با استفاده از نسخه ۱۹۲۸ توسط G. Vavanikunnel و J. Madey (که

تفاوت‌های مابین این و مراسم کلدانیها را مشخص می‌سازد) به چاپ رسیده. مراسم سریانی شرقی مسلماً در قرون وسطی دستخوش تحول و تکامل گردید و نوشته‌های زیادی را به مراسم الیاس سوم (۱۱۷۶-۱۱۹۰) یا (قدری کمتر) به یهیب‌الله سوم (۱۲۸۱-۱۳۱۷) و همین‌طور به ایشوعیاب نسبت داده‌اند. تمام مقالات باقی‌مانده از این اصلاحات جدیدتر هستند، و بدین ترتیب نقدهای اولیه مخصوصاً آنها که به گورگیس اهل آربلا (George of Arbela) نسبت داده می‌شوند (در ذیل قسمت ۲، الف) دارای اهمیت فراوانی می‌باشند زیرا که ساختاری ابتدایی‌تر را توصیف می‌نمایند.

(II) سریانی ارتدکس / کاتولیک

۱- مراسم استاندارد تعمید که مورد استفاده است معمولاً به سوروس نسبت داده می‌شود، گرچه در بعضی مقالات از یعقوب اهل ادسا و پولس اهل تلا و یا حتی از ابن عبری به عنوان گردآورنده نام برده شده. مقایسه مقالات جدیدتر و نسخ چاپی با نوشته‌های اولیه باقی‌مانده (از قرون هشتم تا دهم) نشان می‌دهند که نوعی بیان سلیس در محتوی (تا حد کمتری) و در ساختار مراسم وجود دارد، و در موقعیت نیایش گران متعدد و فرمولی که با مراسم تدهین مرتبط بوده ناپایدار است. توضیح بیشتر بعداً ارائه خواهد شد.

نحوه مراسم تعمید اولین بار در سال ۱۵۲۷ در اروپا با ترجمه لاتین آن در چاپخانه مشهور آن زمان در شهر آنتورپ به نام به چاپ رسید. به دلیل اینکه خوانندگان اروپایی با متون سریانی آشنایی نداشتند متن به زبان عبری نیز در پایین هر صفحه داده شده بود. این متن خاص همراه با تعدادی مقالات دیگر مراسم سوروس در جلد اول تا سوم مجموعه‌ای باشکوه به نام مجموعه «متون آیین نیایش آسمانی» یا «مجموعه آیین نیایشی» بار دیگر به چاپ رسید. هر متن به هر حال به طرز ناجوری در سه جلد پراکنده شده بود و بدین جهت رجوع به این مجموعه بسیار سخت است (به جدول ذیل توجه کنید).

چاپ جدید ارتدکس سریانی در سال ۱۹۵۰ توسط مار ایگناتیوس افرم بارصوم Mar Ignatius Ephrem Barsaun به انجام رسید. در این متن مراسم مختلفی برای پسرها و دخترها در نظر گرفته شده، اما اختلافات بسیار جزئی در میان آنها مشاهده می‌شود. این چاپ با تیتیر «رسوم مذهبی راز تعمید مقدس»، براساس آیین باستانی متداول در کلیسای ارتدکس سریانی آنتیوخ منتشر شد.

یک چاپ قدیمی‌تر کاتولیک سریانی در لبنان توسط پاتریارک کاتولیک سریانی مار ایگناتیوس افرم رحمانی Mar Ignatius Ephrem Rahmani در سال ۱۹۲۲ منتشر شده.

این چاپ به زبان فرانسه ترجمه شده و در سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید. در این چاپ تغییرات اندکی در جهت غربی تر کردن آن انجام شده است.

مطالعه دقیق مقالات اولیه مراسم به سوروس منسوب است (مطالعاتی درباره تاریخچه اولیه آیین نیایش تعمید در ارتدکس سریانی)

۲- شرح دو مراسم کوتاه نیز وجود دارند که در صورت نیاز می توان از آنها استفاده کرد. یکی از آنها به سوروس نسبت داده شده و دیگری به فیلوگزنوس. مراسم کوتاه دیگری که به چاپ نرسیده به یوحنا بار شوشان Iohannan bar Shushan که در سال ۱۰۷۲ درگذشت نسبت داده می شود. ترجمه لاتین این مراسم کوتاه را به سوروس و فیلوگزنوس نسبت می دهند.

۳- شرح مراسم کامل دیگری که به تیموتاوس اسکندریه Timothy of Alexandria نسبت داده شده نیز موجود است که دیگر مورد استفاده نیست و فقط از دو مقاله قدیمی شناخته شده است. من این دو مقاله را اصلاح کردم (به اضافه ترجمه و تفسیر). این مراسم اتصالی مابین مراسم اصلی ارتدکس سریانی منتسب به سوروس و مارونی ها به وجود می آورند.

۴- یک مقاله در British Library موجود است متعلق به قرون نهم یا دهم که دارای مراسم تعمیدی است که نه تنها با دو مراسم ارتدکس سریانی دیگر، که به سوروس و تیموتاوس نسبت داده می شود، بلکه همین طور با مراسم مارونی ها منتسب به یعقوب سروق رابطه هایی دارد. متأسفانه تیر این نوشته مفقود گردیده، و قسمت نهایی این مراسم نیز که حاوی مراسم تعمید و (به احتمال زیاد) تدهین بعد از تعمید است نیز مفقود شده است.

(III) مارونی

مراسمی که مارونیهها مورد استفاده قرار می دهند به یعقوب سروق نسبت داده می شود و تفصیل آن با ترجمه لاتین در «مجموعه آیین نیایشی» به چاپ رسیده است. از تمام چاپهایی که در لبنان انجام شده مهمترین آنها در سال ۱۹۴۲ چاپ شده است. فقط قدیمی ترین مقالات که به قبل از قرن چهاردهم باز نمی گردند، از تأثیرات لاتینی شدن به دور هستند (مخصوصاً در دستورالعمل تعمید، جایی که حالت مفعولی تعمید سنتی سریانی اغلب به نوع غربی یعنی «من تعمید می دهم» تبدیل شده). در موارد خاص دیگر به هرحال مراسم مارونی بعضی عناصر فوق العاده قدیمی را حفظ کرده است.

علاوه بر این مراسم کوتاه دیگری توسط مارونیه‌ها انجام می‌شود که به بازیل نسبت می‌دهند. متن چاپ شده سریانی آن موجود نیست، اما ترجمه لاتین آن چاپ شده است.

(IV) ملکیت

امروزه کلیسای ملکیت، هم ارتدکس و هم وحدت‌گرا (متحد با کلیسای روم)، از رسوم منتسب به قسطنطنیه پیروی کرده و زبان عربی را به عنوان زبان اصلی در آیین نیایش مورد استفاده قرار می‌دهند. قبل از تسخیر مجدد سوریه توسط امپراتوری بیزانس در اواخر قرن دهم، به هر حال کلیسای ملکیت کاملاً به سنت آیین نیایش بومی آنتیوخ تعلق داشت، و متون نیایشی آن متعلق به این دوره به صورت عمده به زبان سریانی نوشته شده بود. در این کتاب توجه ما فقط به متون اصلی راز تعمید در آنتیوخ از کلیسای ملکیت معطوف می‌باشد.

مراسم کامل به بازیل نسبت داده شده همچنین شرح مراسمی کوتاه در یک مقاله که توجه خاصی به آن مبذول می‌شود حفظ شده چون این تنها متن راز نیایش سریانی باقی مانده است که در آن نقشهای اصیل آنتیوخی محفوظ مانده، و تنها یک تدهین قبل از تعمید در آن است، (توضیحاتی در این باره در ذیل آمده است).

(ب) ساختار مراسم

در این جا به آن ویژگیهایی که به طور اخص با فعالیتهای روح القدس در رابطه است، یعنی استفاده از روغن برای نیایشهای مختلف قبل از تعمید توجه خاصی مبذول شده است. به فصل پنجم (۱، الف) توجه شود.

بدیهی است که با گذشت زمان تمام مراسم از فرم اولیه و اصلی به اشکال گوناگون تغییر یافته و بسیاری از آنها به عنوان مثال، به گونه‌ای مشخص تحت تأثیر ساختار نیایش راز نان و جام قرار گرفته‌اند. این وضعیت مخصوصاً در مورد مراسم مارونیه‌ها و سریانیهای شرق صادق است، اما همچنین در چندین متن قدیمی مراسم ارتدکس سریانی که به سوروس و تیموتی نسبت داده می‌شوند مشهود می‌باشد.

همانند سایر مسایل نیایشی، سنت سریانی شرقی از سه سنت سریانی غربی مجزا می‌باشد، گرچه، همان‌گونه که خواهیم دید، از یک ساختار اساسی برخوردارند. به هر حال درست در آخر مراسم با کمال تعجب به تشابهی کلمه به کلمه با مراسم ملکیت برخورد می‌کنیم که ظاهراً در گذشته کسی متوجه آن نشده بود.

از میان سنتهای سریانی غربی، سوروس و بازیل از همه به یکدیگر نزدیکترند، و

نیایشهای تقدیس آب آنها به طور اصولی نشان دهنده دو ترجمه کم و بیش مستقل از متن یونانی است که هنوز هم در سنت بیزانس یافت می شود. تیموتی ارتباط مابین اینها و یعقوب سروق مارونی را برای ما میسر ساخته است. مابین این مراسم مختلف تعدادی نیایش مشترک نیز دیده می شوند.

دو عنصر اساسی تشکیل دهنده مراسم راز تعمید شرقی، روغن/میرون و آب هستند با وجودی که مشخصه سنت انطاکیه ای، بسط و توسعه تدهینهاست (موضوعی که بزودی درباره آن بحث خواهیم کرد). کاملاً واضح است که: تدهین با روغن و تعمید به طوری جدا نشدنی به یکدیگر پیوند دارند، و تلاش بسیاری از نویسندگان اروپا برای ارتباط عطیه روح القدس به یکی از این دو گمراه کننده است، و این مطلب را نباید با توجه به تکامل آیین نیایش تعمید بر طبق سنت غرب که جدایی در فاصله زمانی مابین تعمید و تأیید یا تدهین را تجویز می کند بررسی نمود. فیلوکسنوس می گوید: «ما روح القدس را توسط روغن و آب دریافت می کنیم»^۱. لازم به ذکر نیست که هم در متون آیین نیایش و هم در آثار مفسرین درباره مراسم عباراتی یافت می شوند که چنانچه به تنهایی مورد بررسی قرار گیرند به نظر می رسد که گویی عطیه روح القدس را با یکی بیشتر از دیگری مرتبط می دانند، اما اگر به سنت به طور کلی توجه شود، کاملاً آشکار خواهد بود که در این جا سؤال این یا آن مطرح نیست. یکی بدون دیگری کاملاً غیرقابل تصور است. روغن و آب یکدیگر را متعادل می سازند درست همانقدر که مراسم مذهبی و نیایش طلب نزول روح القدس در راز نیایش شام خداوند: تمام تأکید را بر یکی گذاشتن به بهای آن دیگری شیوه ای است که محققان نامی آیین نیایش از آن بیم دارند.

لاجرم می باید قدری نیز درباره مسئله پیچیده تدهین در سنت سریانی گفته شود. مراسم کاملی که تا به امروز به ما منتقل شده تماماً دربرگیرنده تدهینها هم قبل و هم بعد از مراسم تعمید می باشند، گرچه در بعضی از متون مراسم سریانی شرقی کشیش به سادگی بر تازه تعمید یافته دست گذارده و بر او علامت صلیب رسم می کند بدون این که از روغن استفاده نماید (طبق نسخه چاپ ارومیه) در مراسم گوناگون تداخل زیادی مابین نیایشها و دستورالعملی که در رابطه با تدهینهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد وجود دارد، اما آنچه کاملاً پا برجاست جایگاه آنها در درون مراسم است، و بدین ترتیب چارچوب قابل استفاده ای برای بحث ما به وجود می آورد.

حالت اول: همراه با ثبت نام کاندیداها (بعضی مواقع فقط تأیید بدون استفاده از روغن). این متعلق به مراسم تعلیم نوآموزان است، که در اصل از نظر زمانی از تعمید جداست، و

در این جا ربطی به بحث ما ندارد.

حالت دوم: پس از اتمام مراسم تعلیم نوآموزان، اما قبل از تقدیس آب.

حالت سوم: پس از تقدیس آب، اما قبل از تعمید شایسته.

حالت چهارم: پس از تعمید ولی قبل از مشارکت در عشای ربانی. اصطلاحات مذهبی مورد استفاده در عمل کشیش در رابطه با تدهینهای گوناگون تقریباً ثابت است (با وجودی که در سنتهای ملکیت و مارونیتها تمایل بر استفاده از فقط یک واژه برای تمام حالات است)، بنابراین الگوی ذکر شده در ذیل را با اطمینان می توان پذیرفت.

حالت اول: «مهر» (htam)

حالت دوم: «علامت» یا «نشانه» (rsham)

حالت سوم: «تدهین» (mshah)

حالت چهارم: «اثر» (tba)^۲

تدهینها در حالت دوم معمولاً فقط روی پیشانی است، اما در حالت سوم بر تمام بدن می باشد، و در حالت چهارم بر اندامهای حسی.

امروزه عموماً پذیرفته شده است که تعدد مراسم تدهین در رسوم انطاکیه ای در نتیجه ادغام چندین سنت مختلف در یکدیگر به وجود آمده، تدهین بعد از تعمید (حالت چهارم) نیز طبیعت ثانویه در سنت انطاکیه ای است که به طور مسلم این رسم حدود قرن پنجم میلادی در این نواحی رایج گشت، و احتمالاً تعدادی انگیزه های مختلف موجب پذیرفته شدن آن در سطح وسیع گردید.^۳ وضعیت در تدهینهای حالات دوم و سوم آن قدر واضح نمی باشد.

قبل از قرن پنجم در مراسم انطاکیه ای تدهین بعد از تعمید شناخته شده نبود، این موضوع را می توان از توصیفهای مراسم تعمید در کتب اعمال توماس و اعمال یوحنا، و نیز در نوشته های افراوات و اپرم متعلق به قرن چهارم ملاحظه نمود. جان کریزوستوم که حدود سالهای ۳۹۰ میلادی در انطاکیه می نوشت نیز هیچ گونه اطلاعی از تدهین/تأیید بعد از تعمید نداشت (گرچه از دو تدهین قبل از تعمید صحبت می کند) با وجود این که مصوبه ۴۸ شورای لادوکیه (سال ۳۸۰؟) تعیین کرده بود که بعد از تعمید باید یک تدهین/تأیید باشد.

قدیمی ترین شاهد برای تدهین بعد از تعمید در ناحیه انطاکیه در کتاب مراننامه های رسولی (Apostolic Constitutions) یافت می شود، که احتمالاً تاریخ آن به اواخر قرن چهارم می رسد یک منبع سریانی آن را ابتدا در ترجمه سریانی موعظه های تعلیماتی

تئودور اهل موپسوستیا یافت می‌شود. در طول قرن پنجم این رسم تازه می‌باید عمیقاً در تمام ناحیه نفوذ کرده باشد زیرا منابع ما از این برهه زمانی به بعد تماماً به این موضوع واقف بوده‌اند اما استثناهایی نیز وجود دارند که مخصوصاً مابین نویسندگان سریانی دیده می‌شوند: نارسای که در ادسا و نصیبین فعال بوده و یعقوب سروق که در Osrhoene فعالیت می‌کرده، هیچ‌کدام از تدهین بعد از تعمید تا قرن پنجم و یا اوایل قرن ششم اطلاعی نداشته‌اند. مراسم کوتاه ملکیت که تا قرون یازدهم یا دوازدهم هنوز باقی مانده بود نشان می‌دهد که الگوی اصلی انطاکیه‌ای که در این جا و آن جا تا زمانهای بسیار دیرتر پابرجا بوده فاقد تدهین بعد از تعمید بوده است. در دو تفسیر درباره مراسم تعمید سریانی به این الگوی باستانی به طور ضمنی اشاره شده که یکی را به جان کریزوستوم و دیگری را به نویسنده‌ای گمنام نسبت می‌دهند.^۴

مسئله تدهینها در حالات دوم و سوم بسیار پیچیده تر است و ما نمی‌توانیم در این جا وارد چنین بحثی شویم. لازم به ذکر است که تناوب زیادی در نیایشها و دستورالعملهای مورد استفاده در این دو تدهین در لابه لای متون مختلف وجود دارد. به علاوه یک تدهین در حالت سوم در فرمی که سوروس در کلیساهای سریانی ارتدکس در عراق و نیز در هندوستان استفاده می‌کرده به کلی غایب است. این مطلب مسلماً بدعت‌گذاری جدیدی نیست، زیرا الگوی آن به نوشته‌ای از قرن دهم برمی‌گردد و در اکثر نقدهای سریانی درباره مراسم تعمید که توسط Sergius of Reshaina در قرن ششم به سریانی ترجمه شده بود نیز به چشم می‌خورد.

به نظر می‌رسد که این الگو سنت Tagrit را در مقابل انطاکیه معرفی می‌کند، اما این که آیا نشان دهنده بازمانده‌ای از عهد باستان است مشخص نیست.

مطالعه منابع اولیه، مخصوصاً توصیف مراسم تعمید در کتب اعمال توماس و اعمال یوحنا شدیداً حاکی از این است که در اصل فقط یک بار تدهین قبل از تعمید وجود داشته، و نام این عمل *rushma* «نشانه» یا «علامت» بوده و مسلماً فقط بر سر فرد انجام می‌گردیده است. همچنان که در فصل چهارم خواهیم دید، *rushma* در اصل با نشانه مالکیت و اعطا کردن فرزندی و کهنانت شاهانه همراه بوده است.

تدهین قبل از تعمید به نظر می‌رسد که به دلیل مضاعف نمودن ملاحظات مختلف اما مرتبط با یکدیگر به وجود آمده باشد. ارتباط با سایر مراسم آیین نیایشی، که در آنها تدهین قبل از تعمید به طور عمده به منظور دفع ارواح شریر و محافظت بود، باعث شد که تفکری مجدد درباره معنی این تدهین در مراسم سریانی به وجود آید. در همین حال این

واقعیت که در عهد باستان عادت به فرو رفتن در آب رایج بوده و همیشه قبل از آن تمام بدن را با روغن تدهین می کردند موجب شد که تمام بدن و نه فقط پیشانی را در مراسم قبل از تعمید، با روغن تدهین نمایند.^۵ ملاحظاتی عملی همانند تقسیم کار فیزیکی مابین کشیش و خادم (که به طور خاص در چند متن تأکید شده) به سادگی موجب مضاعف شدن تدهین قبل از تعمید می گردد، با به کار گیری حالت دوم به منظور تدهین پیشانی توسط کشیش و حالت سوم به منظور تدهین سایر اعضای بدن توسط خادم. بدون تردید تفاوت‌های محلی نیز در روند مضاعف شدن این مراسم مؤثر بوده اند.

در اواخر قرن چهارم مفسرینی همانند جان کریزوستوم دیگر هدیه فرزندی و کهنانت سلطنتی را با هیچ کدام از تدهین‌های قبل از تعمید که توصیف کرده اند مرتبط ندانسته بلکه در عوض آنها را به تعمید منتقل کرده اند، و آن دو تدهین را فقط با ایده مالکیت و محافظت مرتبط دانسته اند. این وضعیت بدون تردید باعث سهولت حرکت به مرحله بعدی، یعنی وارد نمودن تدهین بعد از تعمید در حالت چهارم^۶ شده است که در واقع بسیاری از خواص ویژه‌ای که بعد از تعمید اصلی به rushma نسبت داده می شد را دربر می گرفته است.

در فصل بعدی جایی که نیایش‌های مربوط به هر کدام از تدهین‌ها، از مراسم مختلف تعمید نقل شده، حالات (اول، دوم، سوم، و یا چهارم) همیشه اعلام می شود. نهایتاً درباره روغن (مرهم، ادویه جات) که برای تدهین‌ها مورد استفاده قرار می گیرند باید سخن گفت. در متون اولیه فقط درباره meshho اشاره ای می یابیم. اما در اواخر قرن چهارم جان کریزوستوم از واژه میرون برای تدهین قبل از تعمید استفاده می کند، که به طور متناوب با «روغن» elaiion آمده. بعدها در سنت سریانی غربی البته واژه میرون منحصر به تدهین بعد از تعمید شده و این همان میرونی است که به طور خاص در روز پنج شنبه هفته مقدس^۷ تقدیس می شود و بعدها موضوع رساله‌های بسیاری شد. منتقدین دوره اولیه اسلامی از دو جزء میرون صحبت کرده اند، که روغن زیتون و بلسان^۸ بوده، اما از قرن سیزدهم به بعد رسم بر استفاده از تعداد زیادی اجزاء تشکیل دهنده میرون که از کلیسای قبطی گرفته شده می باشد.

میرون در سنت سریانی شرقی غایب است و نویسندگان آنها نیز تأکید بر این دارند که روغن زیتون تنها جزء تشکیل دهنده آن است.

این روغن علاوه بر این که برای تدهین کاندیداها به کار می رفته، در تمام مراسم سریانی بر آب تعمید در طی نیایش طولانی تقدیس نیز ریخته می شد. در بعضی متون به

سادگی از استفاده از "horn of Oil"† در این مقطع صحبت کرده اند (در مراسم سریانی شرقی و ملکیت، چنان که در آثار تیموتی و بعضی مقالات سوروس ملاحظه می شود)⁹، در حالی که دیگران (یعقوب و در نسخه های چاپی از سوروس) بر میرون تأکید دارند. نکته آخر درباره روغن نیز باید ذکر شود. قدیمی ترین توصیف تعمید که ما در کتب اعمال توماس، اعمال یوحنا و نیز نارسای می یابیم شامل نیایش برای تقدیس روغن به منظور استفاده در مراسم تدهین قبل از تعمید نیز می باشد. چنین نیایشی را در دستورالعملهایی که در مراسم سریانی شرق، ملکیت و مارونیت به ما رسیده است می توان یافت.

۲- انتقادهای و سایر نوشته های درباره تعمید

ادبیاتی غنی به زبان سریانی در رابطه با موضوع تعمید وجود دارد و هدف این قسمت این است که منابع با اهمیت و روشنگر را یکایک بر شمرده و در فصلهای بعدی از آنها استفاده کنم. لیست را عمداً به صورت منتخب داده و مسلماً به عنوان کامل مطرح نمی نمایم. بنا به دلایلی که در پیشگفتار آورده ام ادبیات اولیه را مورد استفاده قرار خواهم داد. در کنار اطلاعاتی درباره فهرست کتب، یادداشتهای کوتاهی نیز برای توضیح اضافه نموده ام. چند نوشته مؤثر با منشأ یونانی نیز ضمیمه است.

الف) ادبیات سریانی قبل از سال ۴۰۰ میلادی

(I) قصاید سلیمان (The Odes of Solomon)†

اشعاری زیبا ولی مرموز که احتمالاً منشأ آنها در سوریه بوده و به نظر می رسد متعلق به اواسط قرن دوم بعد از میلاد باشند. تقریباً به طور کامل به زبان سریانی حفظ شده اند، یکی از آنها اخیراً در یونان شناخته شده و چند غزل نیز به زبان قبطی در اثر عرفانی Pistis Sophia قرار داده شده است.

این که آیا آنها در اصل به زبان یونانی نوشته شده اند یا سریانی، هنوز مشخص نیست. ماهیت کنایه ای و رمزی، آنها را برای استفاده مشکل می سازد، گرچه عموماً عقیده بر این است که بسیاری از آنها ماهیت تعمیدی دارند.

(II) اعمال توماس © The Acts of Thomas®

این اثر مشهور به زبان سریانی نوشته و به زبان یونانی ترجمه شده است. از

هنگامی که نسخه‌های باقی مانده سریانی در جاهای مختلف یافت شد، کلمات اصلی متن (که دانشمندان بعدی آنها را صحیح به حساب نمی‌آوردند) در بعضی قسمت‌ها فقط در ترجمه یونانی محفوظ مانده و از این گونه تجدید نظرهای عقیدتی برکنار می‌باشد. این اثر که تاریخ آن به قرن سوم باز می‌گردد، توصیف‌های زیادی از تعمیدها دارد. در اکثر این توصیف‌ها تسلسل مشخصه تدهین- تعمید اوایل دوران انطاکیه ای مشهود می‌باشد، در برخی نیز به نیایشهایی در رابطه با تدهین برخورد می‌کنیم، که بعضی مضافاً دارای نیایشهایی در مورد روغن نیز هستند.

(III) اعمال یوحنا (The Acts of John)†

نسخه سریانی «اعمال یوحنا» معرف اثری متفاوت از نسخه یونانی آن است. این نسخه‌ها حاوی دو توصیف فوق العاده جالب از تعمید می‌باشند. و در آنها فقط به تدهین قبل از تعمید اشاره شده.

(IV) آفراها

یک فصل از این مقاله به اجرای مراسم تعمید اختصاص یافته است.

(V) اپرم

سرودهای روحانی اپرم حاوی مراجع زیادی به تعمید است، در میان مهمترین سرودها برای منظور ما می‌توانیم به سرودهایی درباره: ایمان، بکارت، روغن، کلیسا، میلاد مسیح و سرودهایی برضد بدعتگذاری اشاره کنیم. سرودهای تجلی خداوند که همگی به طور خاص درباره تعمید است به نظر نمی‌رسند که توسط اپرم سراییده شده‌اند، اما می‌توانند از قدمت زیاد برخوردار باشند. از آثار نثر اپرم نیز می‌توان به «موعظه درباره خداوند ما» و «اظهارنظری درباره مجموعه چهار انجیل» (که به صورت یک سرگذشت درآمده و در کلیسای سریانی رواج داشته و در حدود سال ۱۷۳ میلادی توسط تاتیان جمع‌آوری گردیده) اشاره نمود.

مطالعات مخصوصی درباره تعمید در نوشته‌های اپرم موجود است.

ب) ادبیات سریانی مربوط به قرون پنجم و ششم

(I) نارسای

نارسای دو موعظه مشهور حاوی توصیف مراسم تعمید و معنی آنها دارد که برای اولین بار توسط A. Mingana به چاپ رسیده اند. علاوه بر اینها سایر موعظه های نیایشی نارسای نیز به زبان انگلیسی چاپ شده اند.

نارسای فقط یک مراسم تدهین، و rushma قبل از تعمید را توصیف می کند، و به طور مفصل درباره تقدیس روغن مصرف شده در این مراسم توضیح می دهد. نارسای این روغن را به طور کلی به عنوان «حک کردن» نشانه مالکیت مسیح و «اعطای» روح القدس می بیند که به عنوان قدرتی برای مبارزه با شیطان تلقی گردیده. جالب این که نارسای در این دو موعظه خود هیچ اشاره ای به «فرزندی» نمی کند.

(II) یعقوب سروق

یعقوب سه موعظه در مورد تعمید نوشته است: «درباره سه تعمید» (در مورد قانون، یوحنا و مسیح)، «درباره تعمید مسیح»، و «اندرزی درباره تعمید»، همچنین در بسیاری از موعظه های دیگر وی موضوع تعمید مطرح شده است. موعظه او درباره تعمید کنستانتین جالب توجه است.^{۱۰}

برای یعقوب منابع دوگانه تعمید در مسیحیت، تعمید خود مسیح در رودخانه اردن (که او آن را به عنوان نامزدی کلیسا به مسیح می بیند) و سوراخ کردن پهلوی مسیح بر روی صلیب (یو ۱۹: ۳۴) می باشد. گرچه او هرگز درباره مراسم تعمید توصیفی نداده، از چندین اشاره و کنایه گذرا برمی آید که او از هیچ تدهین پس از تعمید آگاهی نداشته است. (به طور کلی یعقوب به آب و سمبلهای آن علاقه بسیار بیشتری نشان می دهد تا به روغن).

(III) فیلوکسنوس

موعظه عالی فیلوکسنوس در مورد ساکن شدن روح القدس که ترجمه فرانسه آن به چاپ رسیده جالب توجه است. البته در مورد تعمید در چندین اثر از آثار وی صحبت شده که از میان اینها می توان جمله ای را که در آخر آن او طرح مراسم تعمید را می دهد (که شامل تدهین بعد از تعمید با میرون است) ذکر نمود. بدین گونه:

آنها روی حصیری از مو، عربان می ایستند و مراسم دفع ارواح شریر با صدایی رعب انگیز و رسا بر آنها گفته می شود. آنها می دمند و شریر را که از سلطه او اینک خارج شده اند نهیب می دهند. سپس هرکدام بر پیشانی خود علامت (rushma) صلیب

دریافت می‌دارند. او را ابتدا با روغن مقدس تدهین نموده سپس سه بار در نامهای شایسته ستایش (تثلیث) تعمید می‌دهند. پس از آن او به جلو می‌رود و با روغنی که میرون نامیده می‌شود علامتگذاری می‌گردد و با ردای سفید درخشنده ملبس شده با شمعیهای روشن و مزامیر همراهی می‌شود (به درون کلیسا).^{۱۱}

ج) آثاری به زبان یونانی یا ترجمه از آن

(I) بازیل اهل قیصریه (وفات ۳۷۹)

اندرزهای بازیل در مورد تعمید را می‌توان در دو ترجمه مختلف سریانی در کتابخانه انگلیس (British Library) (متعلق به قرن ششم) و در Cambridge (متعلق به قرون دهم و یازدهم) پیدا نمود. منتقدین غربی بارها از بازیل نقل قولهایی در مورد مراسم تعمید نموده‌اند.

(II) گریگوری اهل نازیانوس (وفات ۳۷۹)

موعظه‌های گریگوری را نیز می‌توان در دو ترجمه مختلف سریانی جستجو نمود، ترجمه دوم که توسط پل، اسقف ادسا در اوایل قرن هفتم انجام شده تجدید نظری است از ترجمه قبلی. ارائه موعظه اولیه در مورد تعمید را می‌توان در سه مقاله، و تجدید نظر را در دو مقاله یافت.

(III) جان کریزوستوم (وفات ۴۰۷)

جان کریزوستوم باوجودی که به زبان یونانی می‌نوشته، یکی از مهمترین شهود برای مراسم تعمید سریانی در انطاکیه در دهه آخر قرن چهارم است. بسیاری از کارهای او، منجمله تعالیم مذهبی وی در مورد تعمید، به زبان سریانی ترجمه شده اما هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

جان به دو تدهین قبل از تعمید واقف بود، اما از تدهین بعد از تعمید آگاهی نداشت. بنا به دلایلی که در قسمتی دیگر بیان خواهد شد، جان «نزول روح القدس» را بر فرد کاندید شده در رابطه با لحظه‌ای می‌داند که کشیش به هنگام تعمید بر سر آنها دست می‌گذارد. تدهینهای قبل از تعمید را نیز در رابطه با این ایده که روغن موجب «گیجی شیطان» می‌شود، یا در آماده سازی ورزشکاران برای مبارزه روحانی می‌داند. او از واژه "elation" (روغن زیتون) و میرون به طور متناوب استفاده می‌کند.

(IV) تئودور اهل موپسوستیا

موعظه‌های دوم، سوم و چهارم او، «در باره رازها»، به مراسم تعمید و اولین موعظه‌وی به نیایش خداوند اختصاص دارد. تئودور در کنار دو تدهین قبل از تعمید، یک تدهین بعد از تعمید نیز می‌شناسد. همانند جان کریزوستوم (و به دلایل بسیار مشابه) تئودور نیز بخشش «عطایای روح القدس» را به هنگام تعمید صحیح می‌بیند. توصیف او از تدهین قبل از تعمید در حالت دوم جالب توجه است زیرا در آن به روح القدس اشاره‌ای نمی‌شود (rushma برای او فقط نشانه‌ی هویت است و مشخص‌کننده‌ی ورود به گله یا ارتش مسیح). باوجودی که تأکید او بر Parrhesia در این جا اشاره‌ی ضمنی بر این است که سنت تعلیم مذهبی که او زمانی انجام می‌داده را در rushma اشاره به فرزندخواندگی می‌دیده، و بنابراین (به طور ضمنی) به عطایای روح القدس اشاره داشته است. تدهین قبل از تعمید در حالت سوم برای تئودور فقط «نشانه‌ای است که تو ردای ابدیت را دریافت خواهی کرد». تا جایی که به تدهین بعد از تعمید مربوط می‌شود (اگر این توصیف مربوط به تئودور باشد)، تعمید مسیح نزول روح القدس را در پی داشت: تعمید مسیحی تدهین بعد از تعمید را به دنبال دارد.

(V) آتاناسیوس، (آتاناسیوس دوم؟ وفات ۴۹۴)

تعمیدی که به آتاناسیوس نسبت داده می‌شود را می‌توان در British Library پیدا کرد. این اثر به طور مسلم کار آتاناسیوس کبیر نیست و احتمالاً منشأ مصری دارد (با وجود تأثیرات سنت تعالیم مذهبی اورشلیم) و یا شاید متعلق به پاتریارک بعدی اسکندریه، آتاناسیوس دوم (۴۸۸-۴۹۴) باشد. این اثر در رابطه با تضاد مابین تطهیر و تدهین مسیحیت و یهودیت است و نویسنده فقط اشاره‌ای به یک تدهین با میرون بعد از تعمید دارد.

(VI) دیاناسیوس کاذب

هویت واقعی نویسنده‌ی مقالات مشهوری که به Dionysius the Areopagite نسبت داده می‌شود هنوز هم در نظر محققین امروزی مخفی مانده، باوجودی که تاریخی حدود ۵۰۰

میلادی ظاهراً به اثبات رسیده است. در فصل دوم کتاب اقتدار عالی کلیسا (Ecclesiasti-cal Hierarchy) شرحی وجود دارد از مراسم تعمید (با تدهین در حالت‌های دوم و چهارم و با استفاده از میرون) که می باید تأثیر زیادی بر مفسرین بعدی سریانی غربی گذارده باشد.

(VII) سوروس (وفات ۵۳۸)

قسمت اعظم آثار سوروس، فقط به دلیل ترجمه آنها به سریانی باقی مانده است. موعظه‌های او شامل شش تعلیم مذهبی، شش موعظه در مورد جشن تن‌گیری خداوند، تعدادی سرود درباره موضوع تعمید و یک نامه به یوحنا سرباز (یا «رومی») در مورد میرون، می باشد.

(VIII) ادبیات کلیسایی Canonical Literature

در ادبیات کلیسایی سریانی مراجع مهمی درباره تعمید یافت می شود که برخی از آنها منشأ یونانی دارند. برای منظور فعلی ما این رفتارها از اهمیت کمتری برخوردارند، و بدین جهت در این جا فقط اشارات مختصری درباره آنها کافی است. دیداسکالیا که فقط به زبان سریانی باقی مانده اولین سند مهم درباره نحوه تعمید در نواحی انطاکیه است. در توصیف این آیین به دو تدهین قبل از تعمید (یکی بر پیشانی و دیگری بر تمامی بدن اشاره شده)، اما از تدهین بعد از تعمید خبری نیست. باوجودی که اصل یونانی سند احتمالاً متعلق به قرن سوم می باشد ترجمه سریانی آن نمی تواند (برخلاف تصور بعضی) از قدمت زیاد برخوردار باشد زیرا حاوی نکاتی در باره نحوه ترجمه است که نشان می دهند زمان ترجمه حداقل قرن ششم می باشد.

The Testamentum Domini توسط یعقوب اهل ادسا در اواخر قرن هفتم به سریانی ترجمه شده، و دو کتاب اول مجموعه‌ای به نام Octateuch of Clement of Rome را تشکیل می دهد. چاپ استاندارد این اثر توسط رحمانی (۱۸۹۹) انجام شده است. و در تدوین آن از کتاب سنت رسولی استفاده شده که در آن مراسم تعمید با جزئیات آن توصیف گردیده، و وابستگی کمی با متون سریانی باقی مانده درباره تعمید دارد.

د) مفسرین بعدی

(۱) مفسرین سریانی غربی

سابقه طولانی تفسیرهای سریانی غربی در مورد مراسم تعمید احتمالاً به تفسیری کوتاه

که به جان کریزوستوم نسبت داده می شود باز می گردد. این تفسیر توسط رحمانی از مقاله ای به تاریخ ۸۸۲ میلادی که اینک در کتابخانه Cincinnati Historical Society محفوظ است برداشت شده. چون در این تفسیر به تدهین بعد از تعمید اشاره نمی شود این احتمال وجود دارد که تاریخ نگارش آن حداقل قرن پنجم میلادی باشد. از تدهین قبل از تعمید هم فقط به تدهین در حالت دوم اشاره گردیده است. رساله های مختلفی نیز درباره میرون موجود است که از میان آنها من رساله های پاتریارک "John of the Sedre (+648)، George bishop of the Arabs، John of Edessa و نیز رساله Moshe bar Kepha را انتخاب نموده و مورد استفاده قرار داده ام.

(II) مفسرین سریانی شرقی

مهمترین اثر متعلق به قرن نهم، از نویسنده ای گمنام و حاوی توصیف کاملی از مراسم تعمید است. اهمیت این اثر در این است که تنها مقاله باقی مانده از مراسم تعمید سریانی شرقی می باشد.

آثار به چاپ نرسیده ای نیز در مورد تعمید وجود دارند که در تدوین این کتاب از آنها استفاده نشده است. در میان این آثار رساله Emmanuel bar Shahhare (متعلق به قرن دهم)، رساله Johannan bar Zo'bi (قرن سیزدهم) و نیز رساله تیموتی دوم (قرن چهاردهم) به چشم می خورد.

یادداشت های فصل ۳

- ۱- موعظه درباره سکونت روح القدس. یوحنا اهل تلا نویسنده قرن ششم اظهار می دارد که «بدون روغن مقدس یا میرون تعمید کامل نیست».
- ۲- در مراسم فعلی سریانی شرقی در حالت دوم تدهین مرسوم نیست، اما واضح است که در حالت اول تدهین (که روشما rushma نامیده می شود) در اصل به حالت دوم تعلق داشته. در نقدی مجهول الهویه، تسلیم در حالت چهارم را huttama نامیده اند.
- ۳- دلایل مختلفی ارائه شده: راتکلیف به نفع تأثیر نیایش اورشلیمی استدلال می کند (سنت قدیمی تعمید سریانی و برقراری مجدد آن تحت تأثیر اورشلیم در قرن چهارم). در حالی که Botte پیشنهاد می کند که این در نتیجه بدعت گذاری در تعمید توسط کسانی که به ارتدکس بازگشته اند انجام شده. به همین شکل ممکن است که تمایلی باشد

- به سوی درک *rushma*. که در نتیجه تأکید مجدد بر تعمید به صورت فرو رفتن است، به شرطی که دلیل کافی برای تدهین بعد از تعمید همراه با روح القدس ارائه شود.
- ۴- رجوع کنید به قسمت (۲، د). توصیف تعمید ملکیت در کتاب *Al-Biruni* به نام «اعیاد ملکیت‌ها». جالب توجه این که فقط به یک تدهین بعد از تعمید اشاره می‌شود که تمام بدن را دربر می‌گیرد.
- ۵- او فکر می‌کند که *rushma* دهنده نشانه اولیه از تعلق است درحالی که *mushihuta* به طور اساسی از رسوم استحمام گرفته شده.
- ۶- استفاده از میرون خوشبو برای تدهین معادلی در رسوم عهد باستان دارد که در استحمام از روغنهای معطر استفاده می‌شده.
- ۷- در اصل توسط هر اسقف، اما از قرون دوازدهم و سیزدهم به بعد مخصوص پاتریارک بوده. دوشنبه و سه شنبه به عنوان زمان تقدیس میرون در اواخر قرن ششم مرسوم بوده است.
- ۸- به طور مثال یعقوب اهل ادسا، گئورگیس، موشه بارکیفا همگی «ترکیب» میرون را با مسیح مقایسه می‌کنند.
- ۹- آمدن روح القدس برای تقدیس آب مخصوصاً در ارتباط با ریختن میرون.
- ۱۰- نسخه ای ناقص از موعظه ای که به غلط به افرم نسبت داده شده.
- ۱۱- به نظر می‌رسد که *Philoxenus* تقدیس را در حالت دوم، سوم و چهارم توصیف می‌کند، نه اول، سوم و چهارم زیرا که تقدیس در حالت اول به طرز معمول قبل از دفع ارواح شریر است.

عطایای روح القدس

(۱) آورنده عطیه

نویسندگان سریانی جملگی درباره این موضوع اتفاق نظر دارند که در هنگام تعمید، فرد تازه تعمید یافته روح القدس را دریافت می کند، اما در این نکته که «چه زمانی دقیقاً روح القدس دریافت می شود» اختلاف نظر دارند. آشکار است که نظریات درباره این موضوع بیشتر از آنچه محققین امروزی فکر می کنند متنوع بوده است. در واقع محققین غربی که تلاش کرده اند شواهد را تحت تعالیم بسیار متفاوت سنتهای غربی درک کنند موجب سردرگمی بسیاری در این رابطه شده اند. آنها یا کوشیده اند شواهد موجود را به زور در درون سنت جای دهند، یا آنها را ناآگاهانه از دیدگاه عمدتاً غربی تفسیر نموده اند. هدف من این است که بگویم از این چاله ها دوری جسته و اجازه دهم شواهد تا جای ممکن برای خود سخن بگویند.

آشکار است که نباید به کشف تعلیمی متحدالشکل در این باره امید داشت. شواهد ارائه شده از خود متون نیایشی توسط نویسندگان گوناگون در دوره های مختلف، به طور قطع با نقطه نظرهای دقیقاً منطقی در تضاد می باشند، و به سازش در آوردن این دیدگاههای متضاد نیز مقدور نیست - حتی اگر به این متون با این پیش فرض سنت نیایشی غرب که تعمید و تأیید از نظر زمانی از هم جدا هستند، بنگریم. عطیه روح القدس به طور اساسی توسط مراسم به صورت کامل عطا می شود و در درون این مراسم تدهین و تعمید با آب به صورتی جدانشدنی مطرح می باشند.

به هر حال با قبول وحدت اصولی مراسم تعمید هنوز هم می توان به منظور مطالعه رسمی، سه نوع مختلف سنت را که در متون نیایشی و ادبیات در مورد تعمید بیان شده اند، و به موجب آن عطیه روح القدس بر یکی از تدهینها، یا بر آب، یا بر قرار دادن دستها متمرکز است از هم تفکیک نمود.

در حالی که در برخی موارد دیدگاههای مختلف موجب بروز تفکرات گوناگون در کلیساهای اولیه بوده است باید به خاطر داشت که چون تعمید مسیحی یک واحد منفرد است همان گونه که در زمان قدیم، در زمان تقدیس شده بوده، به طور همزمان در موارد

مختلف در زمان تاریخی تأثیر نجات بخشی بر جای گذارده. به سخنی دیگر، اگر نویسنده ای اعلام می کند که عطیه روح القدس توسط آب منتقل می شود، این بدان معنی نیست که نمی تواند به همان خوبی از راه تدهین (یا تدهینها) اهدا گردد، بلکه باید به یاد داشت که واژه ma'mudita که گاهی اوقات در این رابطه استفاده می شود مبهم است زیرا می تواند به معنی حوضچه آب تعمید یا کل مراسم باشد. بدین گونه هنگامی که آفرهات اعلام می نماید که «ما روح مسیح را از طریق ma'mudita دریافت می کنیم» (استدلالات ۱۶:۱۴). مسلم نیست که آیا او به آب اشاره دارد یا به کل مراسم (در واقع قدری پایین تر او مشخص می کند که ... وقتی که آنها برای تولدی نوین توسط آب، می آیند روح القدس را دریافت می دارند).

همچنین شخص باید متوجه باشد که عوامل مختلفی موجب می شوند که نویسندگان اغلب ناخودآگاه عطیه روح را به یک قسمت خاص از مراسم نسبت دهند. در این میان دو عامل از اهمیت خاص برخوردارند: انتخاب مدلی ادراکی و انتخاب تجسمی خاص. به نظر می رسد که به طور اصولی این تغییر در مدل‌های ادراکی بود که در پشت تغییر درک مردم از تدهین قبل از تعمید، یا rushma، که در فصل گذشته به آن اشاره کردیم قرار داشت، به دور از موهبت تجربه نسبت به مراسم کاملاً مذهبی. طرح اصلی انطاکیه درباره rushma که تعمید را به دنبال دارد، به طور قطع از مراسم ختنه یهودیان که تعمید را در پی دارد الگو گرفته است. آن ختنه ای که در پس rushma قرار دارد مسئله ای است که همه نویسندگان اولیه نسبت به آن آگاهی داشته اند، و از این زمینه فکری است که تصورات قاطع، که در حالت دیگر ممکن بود بسیار نامناسب به نظر آید، درباره روغن به وجود آمده. اما علاوه بر ختنه، rushma با سنت دیگری از عهدعتیق یعنی تدهین کاهنان و پادشاهان نیز مطابقت دارد. زیرا تعمید صحیح تعمید خود مسیح است با اعلام فرزندی او به همه که مدل اساسی را از ابتدا به ما داده است. در این مورد تأکید در ابتدا بر تولدی نوین بوده است. در این مرحله ابتدایی اشاره بسیار کمی به تعلیمات پولس درباره تعمید به عنوان مرگ و رستاخیز وجود داشته است. فقط حدود اواخر قرن چهارم بود که نظریات پولس درباره تعمید شروع به گسترش در نواحی انطاکیه نمود. نتیجه منطقی این مدل جدید ادراکی کاملاً آشکار است: اگر تعمید یک مرگ و رستاخیز می باشد، پس عطایای روح القدس نمی توانند قبل از آن اعطا شوند. آنها می باید یا به تعمید صحیح انتقال یابند (همان گونه که در مورد جان کریسوستوم اتفاق افتاد) یا به تدهین بعد از تعمید که بعد از سال ۴۰۰ میلادی در منطقه اعمال می شد. اما معرفی چارچوب فکری پولس

نیازمند یک تشریح جدید محافظت کننده بر مبنای تعالیم کلیسایی از *rushma* می باشد. فقط از این زمان است که توجه خاصی به این واقعیت که در توصیف انجیل، روح القدس بعد از آن که مسیح از آب بیرون آمده بود بر او نازل شد. این - به طریقی تحت اللفظی - دیدگاه قدیمی مدل ادراکی تعمید مسیح، بار دیگر بر نیاز به تدهین جدید، تدهین بعد از تعمید، اشاره دارد که بتواند نقش قبلاً ایفا شده توسط *rushma* را برعهده بگیرد.

استنباط مشابهی از درک تحت اللفظی و جدید از تصورات باستانی «در بر کردن» روح القدس نیز به همان جهت هدایت شده است. همان گونه که در فصل چهارم خواهیم دید، تن گیری «در بر کردن ردای جلال» به طور تنگاتنگ با به دست آوردن ردای باشکوه پادشاهی و کهنانت که آدم و حوا در سقوط خود از دست دادند مرتبط است. چون یکی از مهمترین جنبه های تدهین قبل از تعمید عطای کهنانت شاهانه بوده، تصور «در بر کردن ردای جلال» و «در بر کردن روح القدس» الزاماً می باید در رابطه با *rushma* و نه آب بوده باشد. بعدها، به هر حال «در بر کردن ردای جلال» به مرور به صورتی تحت اللفظی تر درک شد: آبی که تمام جسم را در هنگام تعمید می پوشاند، آشکارا به عنوان «ردا» از روغن که در اصل فقط به پیشانی مالیده می شد^۱ مناسب تر است. بنابراین یک بار دیگر، توجه ما معطوف به آب شد نه روغن.

حال با این بررسیهای اولیه می توان به هر کدام از آورنده های روح القدس توجه نمود.

الف) روغن و میرون

همان گونه که در فصل دوم دیدیم، روغن یکی از مهمترین سمبلهای روح القدس در سنت اولیه سریانی است. تدهین پیشانی قبل از تعمید، در مراسم اصیل انطاکیه ای گویای دو مطلب مهم بود، اول نشانه گذاری یا «مهر زدن» بر فرد تازه تعمید یافته به عنوان گوسفند در گله مسیح (مطابق رسم ختنه در عهدعتیق)، و دوم اعطای کهنانت سلطنتی به آنها، که قطعاً ماهیت عطیه الهی را داشت و هنگامی که تعمید به مرور رسمی تر شد از اواسط قرن چهارم میلادی به بعد موضوعی کم اهمیت تلقی گردید. این ایده در جایی که دوام می آورد تبدیل به تدهین بعد از تعمید می گردد، این به طور مثال در تیموتی شماره ۴۵ که در ذیل نقل شده است روی می دهد.

یکی از عطایای مهم روح القدس که با تدهین قبل از تعمید مرتبط است و در بسیاری از متون نیایشی باقی مانده مطرح شده، مسئله فرزندخواندگی است که در این جا اهمیت خاصی دارد، زیرا فرزندخواندگی اشاره ضمنی به عطیه سکنی گزیدن روح القدس دارد. با

توجه به روم ۸: ۱۵ که می گوید: «روحی که دریافت کردیم روحی است که ما را پسران می سازد، ما را قادر می سازد که ندا دهیم "ابا، پدر"».

به مسئله فرزندخواندگی به طور خاص در دستورالعملی در تدهین قبل از تعمید (حالت دوم) در قدیمی ترین رساله سوروس اشاره شده اما در سایر نسخه ها در این مورد ذکر دیده نمی شود. به همین گونه نیز در مراسم مارونیت و سریانی شرقی موضوع «فرزندخواندگی» به طور خاص با روغن در رابطه می باشد. عطیه فرزندخواندگی به تازه تعمید یافتگان قدرت می بخشد تا نیایش خداوند را ادا نمایند، این موضوع در مراسم مارونیت و سریانی شرقی شاخص است (همین طور در چند رساله قدیمی ارتدکس سریانی). در این مراسم نیایش خداوند مشخصاً قبل از تعمید انجام می شود - بدون شک اشاره ای است ضمنی به عطیه روح القدس و فرزندخواندگی در تدهین قبل از تعمید. در متون چاپ شده سوروس و همین طور در تیموتی و بازیل ملکیت، نیایش خداوند به دنبال تدهین بعد از تعمید می آید، که از نظر تاریخی یک تکامل ثانویه است. این نمونه ای دیگر از روند کلی است که امتیاز عطیه روح القدس را که در اصل در رابطه با rushma قبل از تعمید بوده است به تدهین بعد از تعمید منتقل می سازد.

ارتباط روح القدس با میرون بعد از تعمید در این جا احتیاج به اظهار نظر خاصی ندارد، و به عنوان مرجع به فصل پنجم (۲، ج) اشاره می شود.

ریختن روغن/میرون بر آب تعمید نمونه خوبی از تلفیق دو مراسم نیایشی که در این برهه از زمان در مراسم ارتدکس سریانی مرسوم بوده را به ما می دهد:

ما این روغن مقدس را بر این آب می ریزیم برای بخشش عطیه فرزندخواندگی و حفظ و بیداری روح و جسم به آنانی که تعمید می یابند.

ب) آب

همان طوری که دیده ایم، مقدمه الهیاتی پولس درباره تعمید و پیروی مطلق از وقایع زمان تعمید خود مسیح، موجب گردید که بسیاری نویسندگان از اواخر قرن چهارم به بعد اعطای روح القدس را که قبلاً با تدهین قبل از تعمید مربوط می دانستند به آب منتقل نمایند. به عنوان نمونه خوب این روند و با توجه به تضاد عقاید که در بالا ذکر شد، ما می توانیم بحث تئودور اهل موپسوستیا درباره «فیض فرزندخواندگی» را انتخاب نماییم. برای تئودور این عطیه نه توسط روغن، بلکه توسط دستورالعمل "N" تعمید، بخشیده می شود... پاراگراف زیر ارزش نقل قول را دارد:

هنگامی که کشیش می گوید: «در نام پدر» او سخنان پدر را به یاد ما می آورد که: «این است پسر حبیب من، که از او خوشنودم». و این جا شما باید فرزندخواندگی را که بدین وسیله به شما اعطا می شود بفهمید. هنگامی که او می گوید: «و از پسر» باید درک کنید که او حاضر بود زیرا که تعمید یافت، و تشخیص دهید که او دلیل پسر خواندگی شماست. و وقتی که می گوید: «و از روح القدس» او را به یاد بیاورید که به صورت کبوتر نازل شد و بر او قرار گرفت. پس از آن باید در انتظار تأیید فرزندخواندگی باشید، زیرا «آنهایی که توسط روح خدا هدایت می شوند فرزندان خدا هستند»، همچنان که پولس می گوید (روم ۸: ۱۴). فرزندخواندگی حقیقی توسط روح القدس عطا می شود.

از این نوشته آشکار است که نظر تئودور که روح القدس عطیه فرزندخواندگی را ترجیحاً در تعمید عطا می کند تا در *rushma* به مشابعت مطلق که او مایل بوده مابین تعمید مسیح و تعمید مسیحی ببیند مربوط بوده است. به همین شکل نزول کبوتر پس از تعمید مسیح توضیحی درباره تدهین بعد از تعمید به تئودور ارائه می دهد:^۲

(کشیش بر شما علامت *rashem* می کشد) زیرا عیسی بعد از بیرون آمدن از آب فیض روح القدس را دریافت کرد، که به صورت کبوتری نازل شده بر وی بماند. بنابراین گفته شده که او توسط روح القدس تقدیس گردید. آیاتی نظیر: «روح خداوند بر من است و در نتیجه آن خداوند مرا مسح کرده است» (لو ۴: ۱۸) و «عیسی ناصری را که خدا او را چگونه با روح القدس و قوت مسح نمود» (اع ۱۰: ۳۸)، نشان می دهند که روح القدس غیر قابل جدا شدن از او بود.

درباره تئودور در این جا به تفصیل گفته شد زیرا او نشان دهنده روندی است که محققین توانستند عطایای روح القدس را به قسمت مشخصی از مراسم تعمید محدود و مختص نمایند. در آثار نویسندگان بعدی عطیه روح تقریباً منظم با آب در رابطه است (درحالی که میرون تدهین بعد از تعمید «تکمیل نمودن» یا «مهر زدن» تلقی شده است^۳). همین نظریه در بسیاری از متون آیین نیایشی تداعی گردیده، اما اظهارنظرهای دقیق بسیار کم هستند.

ج) دست نهادن

جان کریسوستوم، همانند تئودور اعطای روح را در تعمید با آب می بیند، اما مشخص می کند که این در رابطه با دست گذاردن کشیش بر سر فرد کاندید شده است.^۴

... این فیض روح القدس است که طبیعت آب را تقدیس نموده و سر شما را با دستهای کشیش لمس می کند. و قدری پایین تر ادامه می دهد: در این لحظه (تعمید) است که توسط دستهای کشیش روح القدس بر شما نازل می شود.

این موضوع که جان کریسوستوم تعمید شخص مسیح را به عنوان یک مدل استفاده می کند از جمله ای در موعظه ای از وی، جایی که دستورالعمل سه گانه اقدس در تعمید با فعالیت های این سه شخصیت تثلیث اقدس در تعمید مسیح، پیوند می یابد مشخص است. در این رابطه جالب توجه است که در آثار هنری، مسیحیان اولیه یحیی را اغلب در حال دست نهادن بر سر عیسی نشان داده اند و به احتمال زیاد این به روایتی مربوط می شود که یحیی در هنگام تعمید عیسی کهانت لای را به وی می بخشد (طبق نظر چندین نویسنده سریانی منجمله اپریم و آفراهات و یعقوب سروق). یک بار دیگر اشتیاق برای مشابهت دقیق مابین تعمید خود مسیح و تعمید مسیحی می تواند به ما کمک کند تا توجیه کنیم که چرا جان ایده اهدای کهانت به مسیحیان را از rushma که در اصل با آن همراه بوده به یک تعمید کامل منتقل می سازد.

حضور رسم سریانی شرقی، نهادن دستها جدا از تعمید ولی به دنبال آن، به دلائلی آشکار توجه محققین اروپایی را به خود جلب نموده است. در واقع سه موضع وجود دارند که کشیش می تواند دستهای خود را بر شخص کاندید شده بگذارد، و بنابراین اهمیت دارد که دستگذاریهای بعد از تعمید را از دیدگاه صحیحی ببینیم. در مراسم سریانی شرقی اولین دستگذاری بلافاصله بعد از تدهین در حالت اول واقع می شود، دستور نماز در این جا بدین گونه است:

کشیش این Syamida (به معنی تحت اللفظی: نهادن دست) را با صدایی رسا اعلام می کند، و دست خود را بر سر هر کدام از آنها می گذارد.

نیایش به خودی خود هیچ اشاره ای به روح القدس ندارد و باید نسبتاً دیرتر ترکیب شده باشد زیرا که موضوع آن نیز «در باز می شود» به روی آنانی که کودکانی کوچک هستند، می باشد: زمانی که افراد بالغ تعمید می یافتند به وضوح مدتهاست که سپری شده.

Syamida بعدی که در دستور نماز توصیف شده بعد از تعمید می آید:

کشیش این Syamida را اعلام می کند و دست راست خود را از روی سر همه آنها عبور

می دهد و با صدایی رسا می گوید ...

نیایشی که بعد از آن می آید، عدم فرمانبرداری نسل بشر را با الفاظ کلی بیان می دارد، نجات او را از نابودی، توسط رویداد تن گیری خدا تشریح می کند و سپس از «فیض روح القدس» که هم اکنون دریافت شده سخن می گوید.

سومین Syamida مطابقت دارد با تقدیس در حالت چهارم و بدین جهت مورد توجه خاص می باشد. متن نیایش (به عنوان Syamida توصیف شده) قبل از تقدیس از این قرار است:

باشد که بیعانه روح القدس را که اینک دریافت داشته اید، رازهای مسیح که در آنها شریک گردیده اید، نشانه زنده او (rushma) را که دریافت نموده اید، حیات نوینی که به دست آورده اید، زره عدالتی که اینک به تن کرده اید، (همه) اینها شما را از شریر و قدرت او محافظت نماید...

یک بار دیگر «بیعانه روح القدس» به عنوان هم اینک دریافت شده توصیف می گردد - که تعجب آور نیست، زیرا اشاره به «رازها» نشان دهنده آن است که این نیایش در اصل متعلق به یک مضمون بعد از مشارکت است و در این مقطع کاملاً خارج از موضوع می باشد.

در چاپ ارومیه در دستور نمازها (همین طور آنهایی که در Codex Liturgicus هستند) اشاره ای به روغن در رابطه با تسلیم به موازات آن، نمی کنند، با وجودی که مفسرین سریانی شرقی و نیز چندین رساله، آن را الزامی دانسته اند. تردید اندکی وجود دارد که تسلیم در حالت چهارم در مراسم سریانی شرقی در اصل با استفاده از روغن انجام می گرفته است. کلماتی که در دستورالعمل همراه به کار می رود نیز جالب توجه است، زیرا (تنها دستورالعملی است که زمان گذشته را به کار می برد)^۵:

N تعمید یافته و به کمال رسیده در نام ...

این تسلیم در حالت چهارم در مراسم به طور کلی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. بنابراین به نظر می رسد که سه بار دستگذاری در مراسم سریانی شرقی ارتباط خاصی با هدایت عطایای روح القدس ندارد.

قبل از ترک مراسم سریانی شرقی می باید لحظه ای به بسط استعاره ای ایده دستگذاری بیندیشیم، که بر اساس مز ۱۳۸:۸ بوده و می توان در نیایشهای متناوب که به سوی Syamida قبل از تدهین در حالت اول، که در بالا بیان شد، هدایت می کند ملاحظه نمود:

ای خداوند ما و خدای ما، دست راست تو از بلندای مقدس تو سایه افکنند بر این جانها که اینک در انتظار دریافت عطیه فیض تو هستند. اوه خداوند همه چیز، پدر، پسر و روح القدس.

این البته قبل از دستگذاری کشیش و قبل از اولین تسلیم کاملاً به جا می باشد. جالب است که همین ایده در یک Sedro روی می دهد در ابتدای چاپ Homs از آثار سوروس (رساله های اولیه گاهی اوقات Sedre های دیگری دارند)، جایی که هیچ مناسبتی با دستگذاری وجود ندارد. در این نیایش بعد از اشاره به خم شدن سر مسیح در برابر دست تعمید دهنده می خوانیم:

آیا تو خداوند، موجب خواهی شد تا دست راست بخشایشگر تو بر این خادم تو که اینک برای تعمید مقدس آماده شده سایه افکنند و او را تقدیس، تدهین و پاک نماید با زوفای تو که همه چیز را می آموزد ...

درواقع در مراسم سریانی غرب بعضی نشانه های جالب از این ایده که روح القدس با نهادن دستها اهدا می شود، وجود دارد. بنابراین نیایش درست قبل از تدهین در حالت دوم در آثار سوروس این طور خوانده می شود:

پدر قدوس، که روح القدس خود را به همه کسانی که توسط دستهای رسولان قدیست تعمید یافتند دادی، آیا اینک نیز با استفاده از سایه دستهای من، روح القدس خود را بر آنانی که در شرف تعمید یافتن می باشند می فرستی، و آنها را با او و عطایای الهی اش پر می سازی تا سی بار، شصت بار و یکصد بار میوه بیاورند؟ گردآورنده آثار سوروس آشکارا نیایشی را تقبل کرده که در اصل در رابطه با دستگذاری برای تسلیم شدن توسط روغن بوده است. این که این در نظر بوده در واقع توسط وضعیتی که در بازایل ملکیت جایی که از نیایشهای مشابهی در رابطه با یک دستگذاری واقعی استفاده می شود، درست قبل از تدهین در حالت دوم، نشان داده شده است.

تو روح القدس خود را، با نهادن دستهای رسولان قدیست، به کسانی که توسط نور تعمید مقدس تو منور گشته اند دادی، اینک نیز خداوند، همان گونه که من توسط یک عطیه دستهای خود را می نهم، روح قدوس و زنده خود را بر آنهایی که در شرف منور شدن با فیض تعمید مقدس تو هستند بفرست، تا با پر شدن از روح القدس تو بتوانند برای ملکوت تو میوه بیاورند، سی بار، شصت بار و یکصد بار، زیرا تو خدایی هستی که به تنهایی معجزه می کنی، و ستایش و حرمت شایسته توست ...

همین نیایش (که می باید در محیطی یونانی زبان به وجود آمده باشد) در بازایل برای

مراسم مختصر «از دست دادن تاج» در روز هفتم بعد از تعمید، مناسب تشخیص داده شده (و نسبتاً مؤثرتر) و با «سرود خوانی» توسط یک کودک همراه است.

در یعقوب مارونی ممکن است بازتابی از دستگذاری قبل از تعمید مرتبط با عطیه روح القدس داشته باشیم. این واقعیت را می توان در مضمون نیایشی ملاحظه کرد که در آن نزول روح القدس «بر سر» فرد داوطلب درخواست می شود و بلافاصله پس از تدهین در حالت دوم است، همچنان که تنظیم کننده مراسم مسلماً در اندیشه ارتباط این دو بوده است.

دستگذاری، تداعی مضمونی بسیار متفاوت و دافع شریری در رابطه با نیایشی است که بلافاصله قبل از انجام نیایش دفع شریر صورت می گیرد. این عمل را می توان در ملکیت و در چند مراسم دیگر در ارتدکس سریانی یافت. من در این قسمت ترجیح داده ام که به فرم طولانی تر متن در مراسم که نویسنده آن مجهول است رجوع کنم:

ای خدای فرشتگان و ملائک مقرب، ریاستها و قدرتها، سلطنت و شکوه، که بر کروبیان سوار و توسط کروبیان جلال یافته ای، که در حضور قدرت تو همه چیز بر خود می لرزد، که به خاطر تو تمام اعمال خصم فرو نشانده شده و مدعی بر زمین افتاده است، مار لگدمال شده و ازدها به قتل رسیده، ما نام الهی تو که مطاع است را می خوانیم، برضد ارواح شریر، و همان گونه که دست خودمان را بر این مخلوق تو قرار می دهیم او را در نام پدر و پسر و روح القدس نشان می گذاریم، و به هر روح سرکش و ناپاک که از همان اولین نفسهای او تا همین ساعت در او قرار گرفته و یا در کمین اوست، یا بر او سایه افکنده و یا او را وسوسه می کند نصیحت می کنیم که فرار کرده و از این مخلوق تو و شباهت تو که صنعت دستهای توست دور شود.

چنین دستگذاری دافع شریر را می توان در عهدجدید (لو ۴: ۴۰، ۴۱) و نیز در سندی از قمران که با عنوان Genesis Apocryphon شناخته می شود و تاریخ آن به اندکی قبل از ظهور مسیحیت بازمی گردد، یافت. در این سند Pharoah «بیمار» به خاطر ساره (پید ۱۲، اما تحت تأثیر داستانی مشابه از ابی ملک در پید ۲۰) از ابراهیم درخواست می نماید که برایش نیایش کند:

«برای من و خانواده من نیایش کن تا شاید این روح شریر از ما بیرون کرده شود». بنابراین من (ابراهیم) نیایش کردم ... و دستهایم را بر سر او نهادم. این رنجوری از وی دور شد و روح شریر توبیخ گردید، و بدین گونه او شفا یافت».

۲) ماهیت این عطیه

در متون سریانی از «عطیه» و «عطایا» که توسط روح القدس به هنگام تعمید اعطا می‌گردد صحبت می‌شود. فرد تعمید یافته، هم خود روح القدس را که از آن به بعد «در او ساکن است»، و هم عطایای گوناگون وی، به سخنی دیگر نتایجی که از این عطیه عالی حاصل می‌شود را دریافت می‌کند.

حضور ساکن شده روح القدس، بالاتر از همه، ما را فرزندان خدا و برادران مسیح می‌سازد، و در ما موجب «خلقتی نوین» می‌شود، ما را به «معابد» خداوند تبدیل نموده کهنانت و پادشاهی را به ما ارزانی می‌دارد، برای ما شفا و بخشایش به همراه می‌آورد، ما را در برابر قدرتهای تاریکی محافظت می‌فرماید، «سند بدهی» ما را که توسط آدم هنگام سقوطش مسمول آن شده ایم پاک می‌سازد، «ردای جلال» را که آدم بدان وسیله از دست داده بود به ما بازمی‌گرداند، و ورود مجدد به بهشت را برای ما فراهم می‌سازد. «ضمانت روح القدس» را به ما می‌دهد، به سخنی دیگر ما را قادر می‌سازد به زمان تقدیس شده وارد شویم، به ملکوت آسمان، درحالی که هنوز روی زمین هستیم.

شیوه ای که ماهیت عطیه یا عطایا توصیف می‌شوند بستگی بسیار زیادی به تصورات ما از مدلهای انجیلی مورد استفاده دارد، این باعث بروز بعضی از تضادهای آشکار می‌شود، اما مهم این است که متوجه باشیم که در پس تعدد این استعاره‌ها، واقعیت آنچه که توصیف می‌شود دست نخورده باقی می‌ماند. ایرم سخنان حکیمانه فوق العاده مهمی در این رابطه دارد:

اگر شخصی توجه خود را فقط به استعاره‌هایی متمرکز کند
 که در مورد عظمت خدا مورد استفاده قرار گرفته،
 او آن عظمت را مورد سوءاستفاده قرار داده و اشتباه معرفی نموده
 زیرا به خاطر منفعت انسان، خدا خود را توسط این استعاره‌ها
 پوشانیده و ملبس ساخته است.
 و او نسبت به این فیض،
 که قامت خود را خم کرد تا به سطح کودکی انسان برسد، ناسپاس است:
 باوجودی که خدا هیچ وجه اشتراکی با آن نداشت
 او خود را به شباهت انسان آراست
 تا بدین صورت انسان را به شباهت خود درآورد
 مگذار هوشمندی تو توسط فقط نامهایی مغشوش شود

زیرا بهشت هم به سادگی خود را ملبس به شرایطی کرده که برای تو آشنا هستند:
 به دلیل مسکنت نیست که بهشت تصویر تو را پذیرفته
 بلکه، طبیعت تو بسیار ضعیف تر از آن است که بتواند
 به عظمت آن دست یابد، و زیباییهای آن بسیار کم فروغ است
 زیرا در رنگهای پریده ای که تو به آنها خو گرفته ای نمایش داده می شود.

(سرودهای فردوس ۶:۱۱-۷)

در این فصل ما تمرکز خود را بر مسایلی قرار می دهیم که برای نویسندگان اولیه سریانای بسیار شاخص بوده است. بنابراین در ابتدا به دو شیوه توصیف طبیعت این عطایا توجه خواهیم کرد، که یکی تحت شرایط «روح القدس که در ما ساکن است» همانند «معبد»، و دیگری تحت نظریه «روح القدس را در بر کنیم»، و سپس به عطایایی که حاصل این «عطیه» هستند باز خواهیم گشت و در آن جا خواهیم یافت که موضوعات مهم همانا بازگشت دوباره به بهشت (که به شیوه های مختلفی بیان شده اند) و «فرزندخواندگی» می باشند.

الف) عطیة روح القدس

در کتاب اعمال رسولان ۱۰:۴۵ صحبت از «عطیة روح القدس» است که در ارتباط با تعمید بیان شده، همین جمله در مراسم سریانای چندین بار تکرار می شود، مخصوصاً در مراسم ملکیت و سریانای شرقی. بدین سبب در بازیل، خادم در نیایش می گوید: «باشد که آنها عطیة فیض روح القدس را دریافت دارند»، و این که باشد که پدر «عطیة روح قدوس و زنده خود را به آنها ببخشد». به طرز مشابهی در نیایشی در رابطه با تدهین قبل از تعمید (حالت دوم) (بنا به گفته سوروس) و یا دستگذاری در همان نقطه (بنا به گفته بازیل)، کشیش درخواست می کند که، همان گونه که روح القدس از طریق دستهای رسولان عطا شد، اینک نیز بر آنها بی که تعمید می یابند فرستاده شود. در مراسم سریانای شرقی او برای «فرستادن عطیة روح القدس که ضعفهای طبیعت آنها را قوت می بخشد» نیایش می کند.

به «عطیة روح القدس» در رابطه با تدهین بعد از تعمید در اکثر مراسم سریانای شرقی مشخصاً اشاره شده، دستورالعمل اعمال شده این است: «N توسط میرون تقدیس شده خدا نشانه گذاری می شود، رایحه خوشبوی ایمان مقدس، نشانه عطیة (در بعضی متون «فیض» یا «عطایا») روح القدس را به کمال می رساند».

(۱) ساکن شدن روح القدس

پولس از جسم به عنوان «معبد» روح القدس سخن می‌گوید (۱- قرن ۶: ۱۹) و از روح القدس به عنوان «ساکن در مسیحیان» (روم ۸: ۱۱؛ ۲- تیمو ۱: ۱۴). برداشتهای او در میان نویسندگان سریانی تمام ادوار از محبوبیت خاصی برخوردار بوده و هست، با وجودی که تجسم ملبس ساختن که در جای خود توصیف خواهد شد مشخصه بارزتری از مسیحیت سریانی است.

او در سوگند موقرانه کشیش طی مراسم دفع شریر در سوروس اعلام می‌کند: «این محل سکونت شیاطین نیست، بلکه معبد و محل سکونت خدای زنده است»^۶ (در Julian Romance† (افسانه ژولیان)، امپراتور ژولیان در چندین موقعیت، «معبد شیطان» خوانده شده است). در مراسم سریانی شرقی این تصور، در نیایش بدین شکل آشکار می‌شود:

ستایش تو راست، تویی که بیماریهای تن ما را توسط روغن و آب که بر روی زخمهای ما می‌ریزی درمان می‌کنی (به لو ۱۰: ۳۴ رجوع شود) و توسط روح قدوست کثافات (یا چرک) گناه را از روح ما می‌زدایی - گویی با یک اسفنج - تا ما را معابد مطهر بگردانی برای عزت تو، ای خداوند همگان، پدر، پسر و روح القدس.

در یعقوب مارونیت این روغن است که به طور خاص به عنوان وسیله ای برای این تأثیرگذاری توصیف شده، در آن جا خادم در نیایش خود می‌گوید:

باشد که روغن آنها را معابد مطهر گرداند برای سکونت روح القدس.

با توجه به تأکید سریانی اولیه در مورد کهنات که به تازه تعمید یافتگان واگذار می‌شود، اپرم در پاراگراف بعدی این موضوع که تعمید یافتگان اینک کاهنانی شده اند برای خدمت در معبد الهی که در آنها ساکن است را تداعی می‌کند:

خداوند ما «کهولت» ما را در تعمید جوان گردانیده:

او نجار نجاتی است که با خون خود طراحی نموده،

او معبدی برای سکونت خود بنا نموده.

نگذارید «مرد پیر» به جای او ساکن گردد

در آن معبدی که او بنا نموده،

اوه جسم، اگر اجازه دهی که خدا در معبد تو ساکن شود

تو نیز پناهگاه سلطنتی او خواهی شد. (H. Virg. 1:2)†
 هم ابرم و هم آفراهاات بر ضرورت پاک ماندن «معبد» جدید تأکید می‌ورزند، چنان که آفراهاات می‌گوید:

بگذار او که معبد خدا خوانده شده جسم خود را طاهر گرداند از هر چیزی که ناپاک است، زیرا او که روح مسیح را غمگین نماید قادر نخواهد بود سر خود را از بدبختی بلند کند. بگذار او که جسم مسیح را دریافت می‌کند جسم خود را از هر ناپاکی حفظ کند، بگذار او که مرد پیر را عریان می‌سازد بار دیگر به راههای سابق خود برگردد
 (Dem. 6:1)Æ

قدری پایین تر در همین موعظه، آفراهاات آشکار می‌سازد که چرا چنین نیاز فوری برای حفظ پاکی «معبد» وجود دارد:

بباید معابد خودمان را برای روح مسیح آماده نمایم و روح قدوس او را «غمگین» نسازیم مبدا که از پیش ما جدا شود. (Dem. 6:14)†
 دقیقاً آشکار نیست که آفراهاات در این جا چه درکی از «غمگین ساختن» داشته است. دو قرن بعد فیلوکسنوس نیز memra خود، خود را با همین موضوع در درباره سکونت روح القدس مشغول می‌کند. او تأکید بسیار می‌نماید که روح القدس به طور دائم در فرد تعمید یافته سکونت دارد و تنها در وضعیت ارتداد وی است که روح القدس از او دور می‌شود. این مسلماً دیدگاه سنتی بوده، اما فیلوکسنوس در تمام موعظه اش بر علیه افرادی دلیل می‌آورد که باور می‌کنند که روح القدس هنگامی که فردی گناه بورزد از او جدا می‌شود و در موقع توبه مجدداً به سوی او باز می‌گردد. این واقعیت که آفراهاات به طور خاص مورد شائلول را در اول سموئیل ۱۶^۷ به عنوان تشابهی در آمدن و رفتن روح القدس ذکر می‌کند نشان می‌دهد که آفراهاات می‌باید نظریات مشابهی داشته باشد. به هر حال ممکن است که تفاوت مابین نظریه آفراهاات و فیلوکسنوس فقط ظاهری باشد و نه واقعی. غمگین کردن روح القدس برای هر دو تداعی کننده شکست در اجازه دادن به روح القدس برای کار در شخص است، به سخنی دیگر شکست در راه همکاری با روح القدس. نتیجه عدم آوردن «میوه‌های روح» توسط آفراهاات به عنوان ترک روح القدس توصیف شده، درحالی که برای فیلوکسنوس روح القدس هنوز حضور دارد اما غیر فعال شده است. توبه برای آفراهاات به معنی بازگشت روح القدس است درحالی که برای فیلوکسنوس حضور روح القدس در فعالیت مجدد او متجلی می‌شود. به هر حال آفراهاات مسلماً با فیلوکسنوس در این مورد که فقط ارتداد، بی‌دینی و چشم‌پوشی از «عهدی» که هنگام تعمید بسته شده

است که موجب می‌گردد روح القدس برای همیشه شخص را ترک گوید، موافق بود. چگونگی ترک روح القدس فرد مسیحی مرتد شده را، به طور بسیار زنده در داستانی می‌بینیم که کسانی که در اواسط قرن هشتم میلادی در مناطق شمالی بین‌النهرین به اسلام روی آوردند را توصیف می‌کند: درست بعد از این که مردی مسیح را انکار کرد «بدن او لرزید و از دهان او چیزی مانند کبوتری زیبا خارج شد، که به آسمان بلند کرده شد». مرد پس از آن بی‌درنگ ناله‌ای جانسوز از سوگواری سر داد، زیرا ناگهان متوجه شد که «روح القدس، کدبانو، او را ترک نموده و روحی ناپاک و پست جایگزین آن گردیده است.

قبل از این که به تجسم ملبس شدن باز گردیم باید به دو شیوه دیگر برای توصیف رابطه روح القدس با فرد مسیحی تعمید یافته اشاره کنیم. فیلوکسنوس در موعظه‌اش درباره سکونت روح القدس، همان‌گونه که عنوان شد، از «روح القدسی که ما از خدا دریافت می‌داریم» در هنگام تعمید به عنوان «روح روح ما» صحبت می‌کند: «بدین دلیل» او ادامه می‌دهد که «روح القدس توسط تدهین به رسولان داده شده و از طریق آنها به همه ما. زیرا که به جای روح اصلی، ما اینک روح القدس را دریافت کرده‌ایم، با این نیت که او روح روح ما باشد، همان‌گونه که روح ما روح برای جسم ماست». پولس در افس ۳:۴ از عبارت «یگانگی روح» استفاده می‌کند و این عبارت راه خود را به مراسم تعمید سریانی غربی در ارتباط با تدهین بعد از تعمید می‌یابد.

... ببخش تا از طریق این نشانه یگانگی روح مقدس و زنده تو ...

آنچه در این جا مورد نظر است توسط سادونا توضیح داده شده که می‌گوید: «روح القدس در تمام اعضای بدن آنها موجب بار آوردن میوه‌های خود می‌گردد و آنها را با خدا در محبت متحد ساخته با مسیح هم سرشت می‌گرداند». این‌گونه عبارت پردازی در میان نویسندگان سریانی چندان رایج نیست، و آشکار است که این تأکید فقط به مراسم سریانی داخل گشته که همراه با تدهین بعد از تعمید باشد. این واقعیت که نیایشهای ذکر شده انتقال henotes یونانی (افس ۳:۴) را که از پیشیتا متفاوت است به کار می‌برد به سادگی نشانه‌ای دیگر است از این که این مطلب از محیطی یونانی زبان به دنیای سریانی وارد شده است.

(II) روح القدس را دربر نمودن

پایین بروید، برادران من و روح القدس را از آب دربر نمایید. †(H. Epiph. 5.1)

ما روح قدوس مسیح را از آب تعمید دریافت می‌نماییم، زیرا لحظه‌ای که کشیش روح را درخواست می‌کند، آسمان باز شده روح القدس نازل می‌شود و بر فراز آب شناور می‌گردد، و آنهایی که در حال تعمید هستند روح را دربر می‌کنند، آفراوات. نویسندگان اولیه سربانی در تجسم مذهبی ملبس شدن شادمانی می‌کردند. پولس در نامه‌هایش الگویی برای این نوع گفتار به وجود آورده هنگامی که از ما با «مسیح را پوشیدن» در تعمید صحبت می‌کند (روم ۱۳:۱۴؛ غلا ۳:۲۷). جمله دقیق در سرود ایپفانی (تجسم خدا) دیگری بازتاب دارد:

فرو بروید، برادران من که نشانه گذاری شده‌اید و خداوندان را بپوشید.

†(H, Epiph. 4:1)†

همان‌گونه که به کرات در ادبیات اولیه سربانی، «مسیح» و «روح مسیح» به صورت کم و بیش مترادف مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در کتاب نماز کلدانیها تعمید یافتگان به عنوان کسانی توصیف شده‌اند که هم مسیح و هم روح القدس را در بر می‌کنند. تو از آب برخاسته‌ای، تو از مرگ برخاسته‌ای، تو مسیح را در بر کرده‌ای، تو روح القدس را در بر کرده‌ای.

اپرم در واقع از «ردای روح قدوس» که در هنگام تعمید در بر می‌کنیم صحبت می‌کند، و این به عقیده نارسای آرایشی برای روح فراهم می‌سازد، درحالی که یعقوب سروق می‌نویسد که «آتش و روح به عنوان یک لباس کاملاً درخشان برای تو به هم بافته شده‌اند». در واقع به صورت معمول «ردای نور» یا (بالا تر از همه) «ردای جلال» است که ما بر تن تعمید یافتگان به هنگام تعمیدشان می‌بینیم، همچنان که خطابه ارتدکس سربانی به مسیح می‌گوید:

تو ما را با عطیه‌های روح قدوست به ردای جلال ملبس کردی، و اجازه دادی تا ما هم فرزندان روحانی پدر، در تولدی دوباره در تعمید، بشویم. (SH, P. 19)

این «ردای جلال» یا «نور» نقش بسیار مهمی در ادبیات اولیه سربانی ایفا می‌کند، و در تفسیرهای یهودیان از پید ۳:۲۱ منشأ گرفته است. در این جا با وجودی که عبرانیان، یونانیان و سربانیها، همه از «جامه‌هایی از پوست» سخن می‌گویند که برای آدم و حوا فراهم گشت، تارگومهای آرامی اینها را به عنوان «لباسهای افتخار» تفسیر می‌نمایند و در یک کپی از شریعت متعلق به خاخام مشهور Rabbi Meir نیز از «جامه‌هایی از نور» صحبت شده است. این جامه‌ها به باور فرقه‌ای از یهودیان متعلق به آدم و حوا قبل از سقوط آنها بوده است، و نه بعد از آن (پیرو تفسیر معمول). بنابراین «ردای جلال، یا

نور» در اصل البسهٔ آدم و حوا در بهشت بوده، که آنها پس از سقوط از آن محروم گشتند. در تعمید، این ردا بار دیگر بازگردانده می‌شود، چنان که یعقوب می‌گوید:

تو در آب ردای جلال را که در میان درختان (از آدم و حوا) ربوده شده بود پوشیدی.

اپرم توصیف می‌کند که چگونه در بهشت نوین در کلیسا «هیچ کدام از مقدسین عربان نیستند- آنها همگی ملبس به جلال می‌باشند... خداوند ما خود باعث شده تا آنها ردای سابق آدم را بار دیگر بیابند» (سرودهای فردوس 6:9). این ایده هنوز هم در نقد Moshe bar Kepha در مورد مراسم تعمید بازتاب دارد. آن جامهٔ سفیدی که تعمید گیرنده دربر می‌کند نشان دهندهٔ این است که «او بعد از رستاخیز جامهٔ ابدیت و فسادناپذیری را دریافت خواهد کرد، و آن جلالی را که آدم قبل از سرپیچی از فرمان خدا داشت خواهد پوشید». در هر دو مراسم سریانی شرقی و غربی جملهٔ «جامهٔ جلال را پوشیدن» چندین بار تکرار شده، و به همراه آن «جامهٔ فسادناپذیری» و «جامهٔ ابدیت» برحسب ۱- قرن ۵۳:۱۵.

هنگامی که نویسندهٔ Odes of Solomon می‌نویسد: «من با پوشش روح قدوس تو ملبس شدم و جامهٔ پوستی را از خود دور ساختم» (۸:۲۵)، او توجه خود را به موضوعی بسط می‌دهد که نویسندگان یونانی با علاقه به آن می‌اندیشیدند اما نویسندگان سریانی معمولاً در سکوت از آن عبور می‌کردند. اگر آنها مطلب جالبی دربارهٔ «جامهٔ پوستی» برای گفتن داشتند، از آنها گرفته شده بود، زیرا آنها از تفسیر اورینجن دربارهٔ اینها به عنوان بدن، پیروی نمی‌کردند، بلکه ترجیحاً آنها را همانند برگهای درخت انجیر شناسایی می‌نمودند. اپرم به عنوان مثال، آنها را در رابطه با درخت انجیر خشک شده در انجیل مت ۲۱:۱۹ (و مشابهنش) می‌داند:

هنگامی که آدم گناه کرد و جلالی را که با آن ملبس بود از دست داد، برهنگی خود را با برگهای درخت انجیر پوشانید. نجات دهندهٔ ما آمد و متحمل رنج شد تا زخم آدم را شفا بخشد و جامهٔ جلالی برای عربانی او تهیه نماید. او درخت انجیر را خشکانید تا نشان دهد که دیگر احتیاجی به برگ درخت انجیر به عنوان جامهٔ آدم نیست، زیرا آدم به جلال قبلی خود بازگشته بود، و دیگر محتاج برگهای انجیر یا «جامهٔ پوستین» نبود.

(Comm. Diat. 16:10)

چگونگی تعمید آدم و بازیابی «ردای جلال» از دست رفتهٔ وی به طرز لذت بخشی در کتاب غار گنجینه‌ها (Cave of Treasures) توصیف گردیده. در این جا ما می‌آموزیم که آدم در جلجتا دفن شده و آب و خون از پهلوی سوراخ شدهٔ مسیح (یو ۱۹:۳۴) بر کاسهٔ سر او

جاری گردید.

«ردای جلال» که در تعمید در بر می‌کنیم جمع بندی آثار عطایای گوناگون روح القدس در مورد دخول مجدد به بهشت است، استقراری دوباره در وضعیت قبل از سقوط آدم به تصویری فساد نیافته، از مسیح آدم دوم، همان‌گونه که یعقوب مارونی در واقع آن را بیان می‌کند: تعمید «تعمید یافته را به بهشت پرشکوه می‌آورد، که این، همانا کلیسای باوفای اوست».

ردای تجسم به طور اساسی بر پایه دیدگاهی حلقوی از تاریخچه نجات برگرد نمونه آدم/مسیح است. هدف تن‌گیری خدا را به عنوان احیای بهشت اولیه در نظر می‌گیرند. بهشت هنگامی که بار دیگر به وجود آید دیگر شاهد صحنه سقوطی مجدد نخواهد شد و تکرار حلقه کامل نخواهد بود، بلکه در این مرحله تاریخچه نجات به صورت خطی مستقیم ادامه خواهد یافت، همان‌گونه که بود. آن توانایی که با آن آدم و حوا خلق شده بودند اینک در جنبه الهی آنها هویدا است. این مطلبی است که مجدداً به آن رجوع خواهیم کرد. به نظر می‌رسد که احیای بهشت به طور کامل فقط در انتهای زمان در eschaton میسر خواهد شد، به هر حال تازه تعمید یافتگان به عنوان کسانی که بالفعل در انتظار eschaton هستند توصیف می‌گردند، توسط ورود آنها به بهشت هم‌اکنون، در زمان تقدیس شده، حتی اگر آنها هنوز در دنیا و در زمان تاریخی زندگی می‌کنند. این حضور روح القدس در افراد است که بر این قابلیت بالقوه ورود به بهشت تأثیر می‌گذارد، بسته به این که آیا او به روح القدس اجازه فعالیت را در خود بدهد، یا این که او را «غمگین» سازد این انتظار eschaton را با شدتی زیادتر یا کمتر تجربه خواهد کرد.

همین طرز فکر که تعمید احیا کننده شرایط اولیه بهشت می‌باشد به شیوه‌های مختلف دیگری نیز ارائه و بیان شده. نمونه غنی آن (یو ۱۹:۳۴) که در اطراف سوراخ شدن پهلوی مسیح متمرکز است به طور خاصی در این مناسبت مطلب، تداعی معنی کننده است. تصورات آفرینش جدید نیز مهم می‌باشد و توسط هم‌سویی و موازات میان شناور بودن روح القدس بر فراز آب تعمید و بر فراز آبهای اولیه و احیای آن صورت الهی که توسط گناه مخدوش شده بود، تداعی می‌شود.

نویسندگان بعدی که شاید درک آنها از بهشت پیدایش آن قدر عالی نبوده، بلکه بیشتر تحت اللفظی می‌باشد، ترجیح می‌دادند که بهشت آدم را در مقابل «بهشت (آسمان)» (Heaven) قرار دهند. بنابراین سوروس در یکی از موعظه‌های مسیح را در مقام مقایسه با آدم قرار می‌دهد و می‌گوید، (به جای بهشت او اینک آسمان را باز می

کند، به وضوح نشان می‌دهد که تعمید آسمان را بر ما می‌گشاید».

در واقع بهشت دوباره به دست آمده، فراخوانده شده توسط شباهت ردا، چیزی بسیار بیشتر از فقط بازگشت به گذشته است. آدم که در او بشریت به طور کامل معرفی شده، سرانجام متوجه هدف واقعی خود می‌شود - به الوهیت رسیدن. همان گونه که اپرم بیان می‌دارد:

خدای متعال می‌دانست که آدم در آرزوی خدا شدن است، پس پسر خود را فرستاد تا او را در بر کند و بدین وسیله اشتیاق خود را به او بدهد (H. Visib 69:12). هنگامی که روح القدس فرزندخواندگی را به تازه تعمید یافتگان عطا می‌کند آنها پسران خدا و به کلامی دیگر موجودات بالقوه الهی می‌شوند. تصور ردا خود را به شیوه‌های دیگری برای توصیف این درک غنی از بهشت به عاریه می‌دهد، زیرا ردا جلال ردا سلطنت نیز هست، ردا کهنانت و در عین حال ردا عدالت و «جامه عروسی» (متی ۱۲:۲۲). ردا جلال و ردا سلطنت الزاماً با نمونه آدم/مسیح مرتبط هستند، و می‌توان گفت که به عقب نظر انداخته به «بهشت دوباره به دست آمده» می‌نگرند^۱، در حالی که ردا کهنانت و ردا عدالت به جلو نظر دوخته و در ماهیت، آخرتی هستند.

ترجمه پشیتا از ۱- پطر ۹:۲ به زبان یونانی «یک نسل برگزیده، یک کهنانت سلطنتی» در این رابطه روشنگر می‌باشد، زیرا می‌خوانیم «نسلی برگزیده که به عنوان کاهنان برای ملکوت خدمت می‌کند». چنان که خواهیم دید کهنانت و پادشاهی از جمله عطایای روح القدس هستند که در هنگام تعمید دریافت می‌شوند، و از رسم تدهین پادشاهان و کاهنان طبق عهد عتیق منشأ گرفته‌اند. علاوه بر این تدهین و تقدیس شدن، به پادشاهان و کهنه ردا اقتدار نیز عطا می‌شد. این ردا در سنت یهودیان بار دیگر به عنوان «ردای جلال» توصیف شده است. در کتاب بنسی ۱۱:۵۰ به طور مثال جامه شمعون کاهن اعظم به عنوان «ردای جلال» توصیف شده و در سنت بعدی «ردای جلال» یا «عزت» آدم به عنوان ردا سلطنتی و کهنانت تفسیر گردیده است. این نقش دوگانه که توسط آدم در بهشت اجرا می‌شده هنوز هم در زمینه نمونه گذاری آدم/مسیح در ادبیات اولیه سریانی وجود دارد: با پیوستن به سلطنت و کهنانت خود مسیح (در تفکر سریانی توسط در بر نمودن ردا جلال هنگام تعمید) فرد تعمید یافته متوجه نقش اولیه و مورد نظر آدم در بهشت می‌گردد.

در ترجمه سریانی مز ۱۶:۱۳۲ می‌خوانیم «من کاهنان او را به نجات و عادلانش را به

جلال ملبس خواهم نمود» (هم در عبری و هم در یونانی آمده «... و عادلانش شادمانی خواهند کرد) بدین ترتیب درست در سرچشمه سنت سریانی می توانیم ببینیم که جامه جلال یک بُعد دیگر نیز دارد، بُعدی آخرتی، زیرا که عادل آن را در هنگام رستاخیز به تن خواهد نمود. در متون یهودی دوران اولیه بعد از انجیل این ایده به طرز خاص در انوخ به چشم می خورد که در آن جا می خوانیم (انوخ ۱۵:۶۲) «مرد عادل و برگزیده از زمین برخواهد خاست ... و با جامه جلال ملبس خواهد شد».

باز هم در ترجمه سریانی عهدعتیق است که ما به بسطی دیگر از این تصور برخورد می کنیم، در دان ۵:۱۰، ۷:۱۲ می خوانیم که «جامه جلال» چیزی است که فرشته طرف صحبت دانیال دربر دارد. با توجه به این زمینه به آسانی می توانیم ببینیم که چرا نویسندگان اولیه سریانی تعمید را به عنوان ورود به زندگی فرشته مانند توصیف کرده اند، و بدین ترتیب به آنها توجیهی بیشتر برای پاکی ایده آل داده اند: همان گونه که یعقوب سروق در توصیف خود از برکاتی که توماس رسول به زوج سلطنتی هندوستان داده است (بر مبنای کتاب اعمال توماس) می گوید:

او آنها را با پسران و دختران برکت نداد

تا آنها همانند فرشته ها باشند، بدون رابطه جنسی.

در کلیسای اولیه، میهمانی که به علت دربرداشتن جامه عروسی از جشن عروسی بیرون انداخته شد (طبق مت ۱۲:۲۲) به طور معمول به عنوان اشاره ای به مسیحی تعمید یافته که جامه عروسی خود را لکه دار کرده تلقی می شد، آن جامه جلال را که مسیح داماد در تعمید به او داده بود (به فصل ششم مراجعه شود). از زمان اولیه در سنت سریانی، تعمید خود مسیح به عنوان نامزدی کلیسا به مسیح در نظر گرفته شده بود، و تعمید مسیحیان به عنوان نامزدی روح تعمید یافته با مسیح. این مسلماً یکی از دیدگاههای فکری بود که موجب شد نظری خصمانه نسبت به ازدواج به وجود آید که مشخصه جوامع بسیار مسیحیان اولیه در نواحی سریانی زبان بود. (کتاب اعمال توماس نمونه آن است). همان طوری که آفراوات در جمله ای که قبلاً نیز در رابطه ای دیگر بیان شده، می گوید:

تا زمانی که مرد همسری برگزیده او خدا را به عنوان پدر و روح القدس را به عنوان

مادر دوست می دارد و احترام می کند و عشقی دیگر به جز این ندارد. †(Dem. 18:10)

تجسم حجله زفاف آسمانی، gnuna، بسیار مورد محبت شعرای سریانی منجمله ابرم و یعقوب، بوده و تعمید به نظر می رسیده که «حجله عروسی» یا «جشن عروسی» باشد، چنانکه در تعدادی از مراسم به جای مانده تعمید ملاحظه می شود، اما بالاتر از همه در

مارونیت، تعمید یافتگان را به عنوان «وارد شونده‌گان به حجله عروسی زندگی (یا نجات)» و «نامزد شدگان به خدای زنده» توصیف کرده‌اند. «نامزدی» شخص تعمید یافته، در نوشته‌های بعدی تمایل به منسوخ شدن می‌یابد، اما Moshe bar Kepha هنوز هم صحبت از ورود تازه تعمید یافته به کلیسا برای مشارکت به عنوان اعلام کننده نامزدی روحانی آنها، می‌نماید.

جای دیگر در مراسم تعمید تأکیدی قدری متفاوت می‌یابیم: تعمید یافتگان میهمانانی هستند که به جشن عروسی دعوت شده‌اند. بنابراین در مراسم مارونیت تازه تعمید یافتگان را برکت یافتگان می‌نامند، زیرا شما را به جشن عروسی داماد سلطنتی دعوت کرده‌اند. این جشن عروسی، پیوند ما بین مسیح و کلیسایش را در ذهن ما تداعی می‌کند که همان طوری که قبلاً دیدیم در تعمید خود مسیح رخ داد. به این دلیل که هر تعمید به عنوان همزمان با تعمید خود مسیح در زمان تقدیس شده تلقی می‌شود، تعمید یافتگان در واقع به عنوان میهمان در آن رویداد شرکت می‌کنند. در این زمینه فکری اپرم مثلی را از مت ۲۲ به یاد می‌آورد:

نخست زاده خود را به جسمی ملبس ساخت، به عنوان پرده‌ای، تا جلال خود را مخفی کند. عروس ابدی در آن ردا می‌درخشد. باشد که میهمانان در ردهای خود شبیه او در ردایش باشند، باشد که پیکرهای شما، که پوشش شما هستند بدرخشند. زیرا آنها در اسارت آن انسانی که جسمش لکه دار بود گرفتار می‌باشند. آیا تو لکه‌های مرا در جشن خودت با درخشش سفید خواهی کرد! (سرودهای نصیبین ۲۱:۴۳)

سوروس در موعظه خود درباره یو ۱:۱۶ این ردا را به عنوان «جامه پرشکوه فرزندخواندگی» توصیف می‌کند و به تازه تعمید یافتگان هشدار می‌دهد که «نیم تنه خود را که شما را از گناه نجات می‌دهد بیرون نیاورید، این نیم تنه‌ای که به شباهت برف است (رجوع کنید به مز ۵۱:۷)، بلکه با اطمینان در جشن شاهانه لم دهید، درحالی که این ولیمه روحانی را می‌خورید. و بدین گونه دیگر مجبور نخواهید شد که آن سخنان بدشگون را بشنوید که «ای دوست، چگونه بدون جامه عروسی به این جا وارد شدی؟» (مت ۱۲:۲۲).

این چکیده ارتباط خوبی با بخش بعدی ما به وجود می‌آورد، با عطیه‌های حاصله روح القدس، جایی که «فرزندخواندگی» و «اعتماد» (Parrhesia) مشخصه آن هستند.

ب) عطایای روح القدس

با استفاده از تصور مسیح به عنوان صخره که بسیار مورد علاقه نویسندگان سریانی بوده، آفراهات در توضیح زک ۹:۳ «روی آن صخره من هفت چشم باز خواهم کرد» و تحت هدایت اش ۲:۱۱ می نویسد:

پس این هفت چشم که در روی صخره باز شده اند چیستند، اگر روح خدا نیستند که در مسیح ساکن بود با هفت عمل چنان که اشعیای نبی می گوید: «روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند». اینها آن هفت چشمی هستند که بر روی آن صخره باز شدند.

(Dem. 1:9)

افرم نیز از روح القدس به عنوان «هفتگانه» یاد می کند که اشاره ای به همان جمله در اشعیاست. در پیشینا همانند عبری و تارگوم، فقط موقعی می توان به عدد هفت دست یافت که «روح خدا» را در شمارش منظور نمود. در ترجمه هفتادتنان به هر حال هفت صفت ترجیحاً به جای شش صفت در کاربری «روح خدا» یادداشت شده، که علت آن هم ترجمه مضاعف «ترس از خداوند» می باشد. باوجود این توجه اولیه به عدد هفت موجود در عبارت اشعیای نبی، نویسندگان سریانی هرگز تلاش ننموده اند عطایای روح القدس را به گروه خاصی از هفت محدود نمایند، و در صفحات بعدی فقط آن عطایایی برای بحث برگزیده شده اند که در متون به خودی خود جایگاه شاخصی دارند.

(۱) پسرخواندگی

پدر روح پسر خود را به درون قلوب انسانها فرستاد

و ما حقیقتاً توسط روح قدوس پدر را «پدر ما» می خوانیم.

یعقوب سروق یکی از مهمترین جنبه های عطایای روح القدس تا جایی که به سنت سریانی مربوط می شود را در این جا بیان می کند. و آن عطیه «فرزندخواندگی» یا «پذیرفته شدن به عنوان پسران» است که به مسیحیان این اقتدار را عطا می کند که از «نیایش خداوند» استفاده نمایند. تئودور که از اصول پولس برای این تعلیم استفاده می کند (روم ۸:۱۵) خطاب به تازه تعمید یافتگان می گوید:

شما روح فرزندخواندگی را دریافت کرده اید. و در نتیجه آن قادر هستید که خدا را «پدر» بنامید.

فیلوکسنوس نیز اظهار می دارد:

فی الواقع ما به خودی خود کاملاً از به کار بردن این نحوه خطاب و خواندن خدا

به عنوان «پدر» ناتوان هستیم، اما روح القدس که در درون ماست این اقتدار را به ما می‌دهد، زیرا کاملاً آشکار است که کسانی که هنوز از طریق تولد تازه و مقدسی که تعمید به ما می‌دهد فرزندان خدا نشده‌اند اقتدار استفاده از این واژه را ندارند و مجاز نیستند که بگویند: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد». زیرا هنوز روح القدس در وجود آنها جای نگرفته است.

انسان قبل از تعمید قانوناً مجاز است که آدم را «پدر» خود بنامد، چنان که یعقوب سروق در یک جمله تفاوت نمونه‌واری که مابین حوا، که از دنده آدم به وجود آمد و تعمید، «مادر جدید» که به شکل «آب» از پهلوی مسیح بر روی صلیب جاری گشت، را نشان می‌دهد:

تعمید برای ما مادری نوین است و از طریق اوست که ما فرزندان پدر می‌شویم و می‌توانیم او را با عشق و علاقه «پدر ما» بنامیم... از طریق حوا ما از خاک بودیم و فرزندان مرگ و از طریق این مادر نوین ما فرزندان خدا هستیم. از حالا به بعد ما یک پدر در آسمان داریم که می‌توانیم با اطمینان او را «پدر ما...» بنامیم. اگر تولد توسط حوا هنوز در جریان می‌بود، «پدر» ما نیز در برزخ می‌بود، نه در آسمان. باتوجه به تأکیدی که بر فرزندخواندگی شده تعجب‌آور نیست که بیابیم که «پدر ما» نقش مهمی را در متون مربوط به تعمید ایفا می‌کند، و در برخی از مراسم جمله «عطیه فرزندخواندگی» به طور مخصوص ذکر می‌شود. ما اشاره کردیم که در خود مراسم تعمید ابهام زیادی وجود دارد و این که این یا آن عطیه دقیقاً چگونه و در چه زمانی منتقل می‌گردد. در قدیمی‌ترین متون سریانی ارتدکس منجمله سوروس عطیه فرزندخواندگی را به طور وضوح با تدهین قبل از تعمید یا rushma در ارتباط می‌داند، در صورتی که در مراسم گمنامی که ثبت شده، اعطای این عطیه در رابطه با ریختن میرون (myron) روی آب عنوان گشته است. یک بار دیگر تأکید بر این نکته مهم است که مراسم تعمید الزاماً به عنوان کامل در نظر گرفته می‌شود که آثار آن می‌تواند بر یکی از نکات گوناگون، بخصوص تدهینهای مختلف و تعمید صحیح متمرکز باشد. اگر از جنبه تاریخی به این موضوع بنگریم می‌بینیم که چگونه یک بار دیگر به دلیل تغییر مدلها و تصورات انجیلی که در ذهن نویسندگان مختلف بوده این تأکیدات دستخوش دگرگونی می‌شوند. بنابراین در مورد فرزندخواندگی، نویسندگان اولیه اکثراً این موهبت را با rushma قبل از تعمید مربوط دانسته‌اند، اما با تکامل تصویر مادری در رابطه با حوضچه آب تعمید که از قرن پنجم به بعد بسیار مورد توجه و علاقه بوده، «منطقی‌تر» به نظر می‌رسیده که

«فرزندخواندگی» را با تعمیم صحیح، در «رحم حوضچه آب تعمیمد»، در رابطه بدانند. دو جنبه مرتبط فرزندخواندگی در سنت سریانی حائز اهمیت می باشند: Parrhesia یا اعتماد که به دست می آوریم، و این حقیقت که برای مسیح که تنها مولود است «برادران» محسوب می شویم و بنابراین هم ارث با او.

بیان Parrhesia یونانی به زبان سریانی همان قدر مشکل است که به زبان انگلیسی. «گشودن چهره» یکی از راه حل‌های مترجمین اولیه بوده، اما این واژه یونانی بیشتر به عنوان یک واژه عاریه ای به کار گرفته می شد. در یک متن تعمیمد این واژه به معنی «آزادی گفتگو با خدا»، «اعتماد» و بالاتر از همه آزادی برای مخاطب قرار دادن خدا به عنوان «پدر» بوده است. تئودور به دنبال کلماتی که ذکر شد، می گوید «... شما را لایق فرزندخواندگی گردانید و شما آن اعتماد (Parrhesia) را یافتید تا خدا را «پدر» بنامید. در بسیاری از نیایشهای بزرگداشت سریانی نیایش ای پدر ما مشخصاً به Parrhesia اشاره می کند ... «بخشش به ما بدین جهت، ای خداوند، روح القدس خود را، تا شاید بی باک شویم، با اعتماد و بدون ترس، تو را ای خدای آسمانها مخاطب قرار داده بگوییم «ای پدر ما ...!! ما در نیایش ای پدر ما در مراسم تعمیمد سریانی شرقی دقیقاً با همین مطلب مواجه هستیم.

ای خداوند و خدای ما، ما را لایق گردان که دائماً در حضور تو بایستیم. بدون عیب، با قلبی پاک و چهره ای گشاده، و با آن اعتمادی که تو در رحمتت به ما بخشیده ای، تا ما همگی تو را خطاب کرده بگوییم «ای پدر ما...» علاوه بر این، Parrhesia یا اعتماد، اشاره ضمنی دارد به مرگ و رستاخیز که در چندین نیایش بزرگداشت گنج‌نیده شده و نیز در نیایش‌هایی ارتدکس سریانی در مراسم تعمیمد منسوب به تیموتی:

... آنها را با حقیقت خود تقدیس کن، آنها را با عطیه روح القدس خود پر بساز، تا بدین گونه هنگامی که در راههای عدالت پیش می روند بتوانند آن اعتماد (Parrhesia) را بیابند تا در برابر تخت داوری ترسناک مسیح تو بایستند...

تعمیمد ما را فرزندان می گرداند به گونه ای که ما برای آن یکتا مولود، برادران می گردیم. یعقوب سروق به این عنوان «برادر» که در هنگام تعمیمد عطا می شود (بر اساس آیاتی همانند مت ۵۰:۱۲ و نتیجه گیری از این واقعیت که فرزندان پدر می شوند) علاقه ای خاص داشت. این به هر حال برای بسیاری از نویسندگان سریانی که بعد از آفرافات نگاشته اند موضوعی آشناست. تعمیمد یافتگان «برادران مسیح» می گردند. فقط

به این دلیل که مسیح قبل از هر چیز «تقبل کرد که برادر خادم بد بشود»، همچنان که یعقوب می گوید.

به عنوان «فرزندان خدا» تعمید یافتگان وارثین نیز هستند (روم ۸: ۱۷؛ غلا ۴: ۷)، این ایده در اکثر مراسم تعمید یافت می شود. در ارتدکس سریانی تیموتی، به طور مثال، هنگام تقاضای نزول روح القدس بر آب، کشیش از روح القدس تقاضا می کند که آب برای تعمید یابنده «برای رهایی از اعمال اشتباه و بخشش گناهان... برای حفظ فرامین مقدس تو... و برای به ارث بردن ملکوت آسمانی» باشد.

(II) عضویت

همزمان با اهدای «فرزندخواندگی» به تعمید یابندگان، روح القدس آنها را اعضای کلیسای مسیح می گرداند. تصورات پولس از «اعضای» یا «اجزای» بدن مسیح (روم ۱۲: ۴؛ ۱- قرن ۱۴: ۶) در برخی از مراسم تعمید نشان داده می شود، مخصوصاً در تعمید سریانی شرقی، که سه بار در طی نیایشها تکرار می گردد: «باشد که آنها تطهیری غیرقابل تغییر دریافت کنند و اجزای بدن مسیح گردند، و در برابر تخت رازهای او رشد نمایند... بر rushma مقدس و تعمید که بخشایش گناهان را سبب می شود امید بندند. باشد که آنها اجزاء و پیروان او که سر کلیساست گردند... و... «آنها این عطایای تو را در بر کرده و توسط آنها از وسوسه گناهان رها گردیده اعضای پاک بدن مسیح که رئیس نجات ماست گشته اند».

با وجودی که نویسندگان اولیه سریانی از نقطه نظرهای پولس درباره کلیسا به عنوان بدن اسرارآمیز مسیح در سایر چارچوبهای فکری استفاده کرده اند، اما نتایج تعمیدی آن را تکمیل ننموده اند. بسیار شاخص تر به هر حال، در سنت سریانی چشم انداز شبانی ورود بره (گمشده) به آغل گوسفندان مسیح است. در کتاب اعمال توماس تأکیدی قوی بر این جنبه وجود دارد: «... آنها را در آغل گوسفندان خود متحد ساز و تقدیس فرما، آنها را از ناپاکیهایشان تطهیر نما و از گرگها محفوظ بدار، در مراتع خود آنها را بچران و اجازه ده از چشمه سار تو که هرگز گل آلود نمی شود و جریان آن قطع نمی گردد بنوشند».

تدهین قبل از تعمید، rushma یا نشانه هویت را در دسترس قرار می دهد، داغی که نشان دهنده این است که گوسفند جدید متعلق به مسیح می باشد:

او را وادار می سازد به عنوان یک گوسفند بر در آغل گوسفندان بایستد، و بدن او را نشانه گذاری کرده اجازه می دهد با گله او مخلوط شود، او rushma روغن را در دست

می‌گیرد، در برابر حضار، و با چیزهای مرئی قدرت چیزهای نامرئی را اعلام می‌نماید، گویی توسط سمبلی قدرت مرموزی را که در آیتی مرئی نهفته است به چشمان احساسات واقعی می‌نمایاند.

مضافاً بر این اطمینان که گوسفند جدید در گلهٔ مسیح «قاطی» و «آمیخته» می‌شود، نشانهٔ مالکیت نیز به عنوان حفاظی در برابر قدرت تاریکی عمل می‌کند، جنبه‌ای که بعدها، هنگامی که دربارهٔ روغن بحث می‌کنیم به آن رجوع خواهیم کرد.

تمام مراسم تعمید در این دیدگاه شبانی فوق العاده غنی هستند، و چند مثال می‌باید برای نشان دادن این مطلب کفایت کند. در نیایش آغازین ارتدکس سریانی سوروس، ما طرح گوسفند را در کنار «اجزای» بدن مسیح داریم:

«... باشد که اولایق تولدی نوین از بالا شود که از طریق آب و روح می‌آید، که بر او که گوسفند آن شبان حقیقی است تأثیر می‌گذارد، که توسط نشان روح القدس تو نشان یافته است، عضوی شایسته در بدن کلیسای مقدس تو.

مراسم باستانی ارتدکس سریانی یک نیایش عالی و خاص دارد، که درست قبل از تدهین قبل از تعمید (در حالت دوم) انجام می‌شود:

ای شبان نیکو و یابندهٔ آنهایی که مفقود شده‌اند، ای، آن که با علامت تثلیث اقدست گوسفندان خود را علامت می‌گذاری تا از گرگهای درنده در امان باشند، توسط نام پرشکوهت ای پدر، پسر و روح القدس بگذار که آنها بره‌های نشاندار گلهٔ تو گردند، جزو گلهٔ مقدس تو شمرده شوند و با گوسفندان تو مخلوط گردند، به آغل گوسفندان تو داخل شده و متعلق به تو باشند، آنها را توسط نشانه‌ات از هرگونه شیرین محافظت فرما، و به آنها با روغن خوشبویت آسایش عطا کن، آنها را با علامت تثلیث اقدست تقدیس فرما تا آنها به تولدی نوین برسند و تا ابدالابد ستایش و حمد تثلیث اقدس تو، پدر و پسر و روح القدس را بسرایند.

در مراسم مارونی فرمول این تدهین قبل از تعمید در واقع بدین گونه است^۱:

N به عنوان بره‌ای جدید (یا پاک) در گلهٔ مسیح علامتگذاری می‌شود.

نهایتاً یک نمونهٔ دیگر از مراسم سریانی شرقی وجود دارد:

... باشد که فرشتگان در آسمان برای آنها شادی کنند و به همین گونه تمام کلیسای تو، زیرا که آنها با گلهٔ مسیح مخلوط شده‌اند.

در سومین سرود تجلی خداوند که به اپرم نسبت داده می‌شود، نویسندهٔ ناشناس بر قیاس ضد و نقیض شبانی که خود خوراک گوسفندان خود می‌شود تأمل می‌کند:

جماعت در بیابان
 همانند گوسفندانی بدون شبان بودند.
 خداوند رحیم شبان آنان گردید،
 و نان را به عنوان علوفه آنان تکثیر نمود.
 خوشا به حال شما، ای معصومان
 ای بره‌های نشاندار مسیح،
 زیرا شایسته جسم و خون گردیده‌اید:
 شبان، خود خوراک شما شده است.

کم‌اهمیت‌تر از تجسم شبانی موضوع «کشت و زرع» است. بار دیگر جملات مختلفی در عهدجدید نقطه آغازین را به ما می‌دهد، و روم ۵:۶ به طور خاص تأثیر می‌گذارد و موجب ایجاد پایه‌ای برای نیایش طولانی تقدیس و تبرک مرسوم در مراسم ارتدکسهای سریانی و ملکیت می‌گردد:

... باشد که آنهایی که توسط شباهت در مرگ مسیح تو از طریق تعمید به یکدیگر پیوند خورده‌اند شریک رستاخیز نیز بگردند...

و قبلاً در مراسم، همراه با تقدیس و تبرک در حالت اول یا در حالت دوم داریم که:
 طریق مسیح خود را توسط وساطت ضعف من بر آنهایی که در شرف تولد نوین هستند قرار بده، آنها را بر پایه و اساس رسولان و پیامبران تأیید فرما، آنها را به عنوان نهالی واقعی در کلیسای کاتولیک خود کشت نما...

اولین نویسندگان سریانی اکثراً ایده کاشتن را در رابطه با درخت تاک در تاقستان می‌دانستند. آفراهات می‌گوید: «بگذار به صورت تاک در تاقستان او کاشته شویم»، که با مطالعه یو ۱:۱۵ از مجموعه چهار انجیل (دیاتسارون) و یادآوری «من تاقستان (Kar-ma) حقیقت هستم (به جای پشیتای بعدی «من تاک (gpetta) حقیقت هستم»).

تدهین قبل از تعمید ارتدکس سریانی همراه است با این دستورالعمل که «N با روغن شادی نشان می‌یابد تا در برابر همه اعمال مخالفان، و برای پیوند زده شدن به درخت زیتون نیکوی کلیسای مقدس جامع و رسولی مسلح باشد». پایه این موضوع در عهدجدید در رومیان ۱۱ قرار دارد، فصلی که به ندرت در متون مربوط به تعمید توسط نویسندگان سریانی مورد استفاده قرار گرفته است^{۱۱}. و به هر حال به طور خاص در تفسیر اسرار روحانی تعالیم مذهبی منسوب به سیریل اهل اورشلیم در رابطه با تدهین قبل از تعمید در سنت اورشلیمی، نمایان می‌گردد:

جدا شده از البسه خود، با روغن دفع شریب از فرق سر تا به پایین تدهین شده، شریک زیتون نیکوی عیسی مسیح گردیده‌ای، زیرا که از زیتون وحشی قطع شده، به زیتون نیکو پیوند خورده و در حاصلخیزی زیتون واقعی سهیم گردیده‌ای. به احتمال زیاد این دیدگاه، از آیین نیایشی اورشلیم به رسم سریانی وارد شده است، شاید هم در همان زمان معرفی تدهین بعد از تعمید.

(III) کهنات و پادشاهی

این دو عطیۀ روح القدس اغلب در متون باقی مانده، به عنوان موضوعی نه چندان مهم تلقی شده‌اند، اما مدارک ارزشمند قومی موجود نشان می‌دهند که آنها در گذشته‌های دور نقش بسیار مهمتری ایفا نموده‌اند. یکی از جاهایی که آنها هنوز در متون تعمیدی نقشی ایفا می‌کنند در نیایش قبل از تدهین بعد از تعمید در ارتدکس سریانی تیموتی و ملکیت بازیل است.

ای خدا، که عطایای تو بسیار عظیم است، پدر خداوند ما و خدای ما و نجات دهنده ما عیسی مسیح، که برای فرزندخواندگی خودت این مردان را برمی‌افزارد که با بوی خوش مسیحیت، که نشانه‌ای از او در این میرون که عادت داری آن را توسط قدرت نامرئی تقدیس کنی به ما داده‌ای، مملو گشته‌اند. توسط این نشانه‌گذاری، اتحاد ما بین روح قدوس و زنده خود، و افتخار کهنات و ملکوت آسمان را به همه آنانی که تقدیس شده‌اند عطا فرما، و ببخش تا در آمدن مسیح تو، افتخار پرشکوه و کهنات به وجود آید، زیرا برای تو همه چیزها ساده و آسان است. و باشد که آنها لایق شوند تا همراه و در معیت و مشارکت با ما ستایش تو را برای رحمانیت تو، پدر، پسر و روح القدس، اکنون و همواره تا ابدالابد تقدیم دارند، آمین.

کهنات و پادشاهی که در این جا با تدهین بعد از تعمید مرتبط می‌باشند، در اصل با rushma قبل از تعمید در رابطه بوده‌اند. در واقع در اولین مراحل سنت سریانی به نظر می‌رسد که این دو عنصر به همراه علامت مالکیت، نمایانگر مفهوم سمبلیک اصلی در آن تدهین بوده باشند. این چارچوب فکری بر اساس خروج ۱۹:۶ (تو برای من پادشاهی، کهنات و قوم مقدس خواهی بود) و در ۱- پطر ۲:۹ (تو قومی برگزیده خواهی بود که به عنوان کاهنان برای ملکوت خدمت خواهی کرد).

از عهد عتیق انبیا و همچنین پادشاهان و کهنه بعضی اوقات تدهین می‌گشتند، این نقش را می‌توان همچنین متعلق به تازه تعمید یافتگان قلمداد نمود. آفراوات در این باره

می گوید «... منور شدن ذهن و میوه آوردن زیتون نوربخش، که با آن rushma راز نجات انجام می شود و توسط آن مسیحیان به عنوان کاهنان، پادشاهان و انبیا به کمال می رسند». سوروس در نقدی دربارهٔ ۱- پتر ۲: ۹ توضیح می دهد که چرا و به چه علت مسیحیان این گونه نقشها را برعهده می گیرند:

ما که به مسیح ایمان داریم همان چیزهایی را دریافت می کنیم که او دریافت کرد، چون او برحسب تولد از نسل پادشاهی و کاهن اعظم بود، ما نیز همین افتخارات را به فیض او دریافت کرده ایم.

سوروس هم پادشاهی و هم کهنانت مسیح را به زمان ولادت او به عقب می برد ولی سنت بومی سریانی ترجیح می دهد تا کهنانت (و پیامبری) را که هنگام تعمید توسط یحیی به او اعطا شده ببیند. همچنان که اپرم در نقدی دربارهٔ مجموعهٔ چهار انجیل (دیاتسارون) می نویسد:

روحنی که هنگام تعمید بر او قرار گرفت شهادت داد که او آن شبان است (همانند پادشاه، برحسب عهد عتیق)، و نقش پیامبر و کاهن را از طریق یحیی دریافت نموده است. او مقام پادشاهی را که به خاندان داود تعلق داشت از طریق متولد شدن «از خاندان داود» قبلاً دریافت کرده بود (لو ۴: ۲). او کهنانت را در «دومین تولدش» که توسط تعمید به دست یکی از اعقاب هارون از خاندان لاوی به او سپرده شد، دریافت داشت.

اهمیت این سنت قدیمی که یعقوب سروق، آفراهات و دیگران می شناخته اند در استقرار زنجیری ناگسسته از کاهنان، از زمان موسی تا زمان کهنانت مسیحی قرار داشت. این مطلب در جمله ای از اپرم آشکار می شود:

حضرت اعلی بر کوه سینا نزول فرمود
و دست خود را بر موسی دراز کرد.

موسی آن را بر هارون قرار داد

و همین طور ادامه یافت تا به یحیی رسید.

بنابراین خداوند ما به او فرمود

«بجاست که من توسط تو تعمید داده شوم،

باشد که این ترتیب از بین نرود».

خداوند ما آن را به رسولانش داد،

و آگاه باش، که در کلیسای ما داده می شود.

متبارک باد آن که این ترتیب را به ما داد. (H. Haer, 22:19)

کلمات John of the Sedre (متوفی به سال ۶۸۴) در رساله اش در مورد میرون آشکارا نشان می‌دهد، با استفاده از واژه **rushma**، که این عطیة روح القدس که او آن را با تدهین بعد از تعمید در رابطه قرار می‌دهد در اصل مرتبط با تدهین قبل از تعمید بوده است:

تو با نشانه‌گذاری توسط این روغن مقدس به عضویت در فرزندخواندگی پدر آسمانی پذیرفته شده‌ای، از طریق این نشانه (rushma) یا علامتگذاری توسط این روغن آسمانی تو گوسفند مسیح شده‌ای، کهناتی شاهانه (۱- پطرس ۲: ۹). قومی مقدس... نیایش معمول تیموتی و بازیل که در بالا عنوان شد، تنها نیایش در مراسم تعمید است که به طور صریح درباره «کهنات» صحبت می‌کند که به تازه تعمید یافتگان منتقل می‌گردد. تعداد قابل توجهی متون دیگر در واقع درباره تدهین و تقدیس پیامبران، کاهنان و پادشاهان عهد عتیق ذکر شده اما با لحنی قدری متفاوت. بدین گونه ما در تیموتی نیایشی را می‌یابیم که بلافاصله پس از تدهین در حالت سوم انجام می‌شود^{۱۲} بدین مضمون:

ای خدا، پدر قادر مطلق، تو کهنات قدیم را برپا داشتی، لایوان و پادشاهان را برای قوم خودت، و فرمان دادی تا پسران هارون با روغن مسح شوند، اینک چون ما را توسط نام عظیمت خوانده‌ای، و ما را با وجودی که لایق نیستیم، توسط فیض آسمانی خدای عظیم و نجات دهنده ما عیسی مسیح کاهنان خود منصوب کرده‌ای، و توسط رسولانت به ما امر فرموده‌ای تا گوسفندان گله تو را با روغن تدهین نمایم، اینک با روغن علامت (rashminan) می‌گذاریم و این خادمین و خادمه‌های تو را تدهین می‌نماییم و درخواست و التماس می‌کنیم که پس از دریافت تدهین و تعمید بتوانند شریک پسر حبیب تو گردند، توسط روح القدس تو، و با گله حقیقی تو یکی شوند تا قدرت خصم بر آنها چیره نگردد، زیرا تو قادر و بر همه چیز سر هستی. حمد و ستایش بر تو و تنها پسر مولودت خداوند ما عیسی مسیح، و روح قدوس و زنده تو باد اکنون و همواره تا ابدالآباد، آمین.

به کلامی دیگر درحالی که در عهد عتیق روغن کاهنان را مسح می‌کرد، در عهدجدید کاهنان بره‌های گله مسیح را با روغن تدهین می‌نمایند. رابطه‌ای شبیه این در یک qolo بیان شده که در سوروس و بازیل در هنگام تدهین در حالت سوم یافت می‌شود:

خدا به موسی امر فرمود هارون را با روغن مقدس مسح کند تا تقدیس شود. بره‌های بی‌عیب که برای تعمید آمده‌اند نیز با روغن تدهین می‌گردند.

این ایده که، روغن که در عهد عتیق پادشاهان و کاهنان را مسح می‌نمود اینک برای

تدهین بره‌ها به کار می‌رود در نوشته‌های سریانی مطلبی تکراری است، و اپرم نیز در یکی از سروده‌های بسیار مهم خود دربارهٔ تعمید می‌گوید:

این روغن دوست صمیمی روح القدس است، به او خدمت می‌کند، و مانند شاگردی به دنبال او روان است. با این روغن روح القدس کاهنان را نشانه‌گذاری کرده و پادشاهان را مسح می‌کند.

زیرا که روح القدس با روغن علامت خود را بر گوسفندان خود می‌نهد، همانند مهر انگشتی که نقش آن روی موم باقی می‌ماند.

بدین ترتیب علامت پنهان روح القدس با روغن بر بدن آنهایی که در تعمید تدهین یافته‌اند نقش می‌بندد و آنها در راز تعمید نشانه‌گذاری می‌شوند. (H. Virg. 7:6)

به همین صورت در سرودهای تجلی خداوند که به اپرم نسبت می‌دهند رابطهٔ ضدیت ما بین یهود و در تدهین تعمیدی مسیحی بار دیگر به ظهور می‌رسد:

هنگامی که موسی پسران هارون لاوی را نشان‌گذار و مسح نمود

آتش سراسر وجود آنها را دربر گرفت، آتش جامه آنها را حفظ نمود.

برکت بر شما باد، ای برادران من، زیرا که آتش شفقت نازل شده،

و گناهان شما را بلعیده، شما را پاک ساخته و پیکره‌ایتان را تقدیس نموده است.

تدهین هارون، برادران من، فقط پاشیدن خون معمولی حیوانات

بر شاخهای مذبح بود، اما این تدهین واقعی است که بر پیکره‌های شما

خون زنده می‌پاشد که حیات به همه ارزانی می‌دارد،

آن را با ذهن شما مخلوط می‌گرداند، و بر اقامتگاه شما می‌پاشد.

کاهنان مسح شده اجساد حیوانات ذبح شده را تقدیم کردند،

اما شما، که شکوه‌مندانه تدهین شده‌اید، پیکره‌های خود را به عنوان قربانی تقدیم می‌کنید.

لاویان مسح شده امعاء و احشاء حیوانات را تقدیم کردند،

شما از لاویان باشکوه‌تر هستید، زیرا قلبهای خود را تخصیص دادید.

تدهین قوم یهود سایه‌ای از مسیح است،

چوب دست آن سمبلی از صلیب و برهٔ گذر آن نوعی از تنها-مولود.

Shekhina آن سمبلی است از کلیساهای تو، ختنهٔ آن نشانه‌ای از منتخب بودن تو:

در زیر سایهٔ زیباییهای تو، آن قوم نخستین نشستند.

در تدهین داود، برادران من، روح القدس نازل شد که رایحه‌ای خوش بخشید

به قلب او، زیرا رایحه قلب داود مطلوب او بود، همانند رایحه روغن. روح القدس در او ساکن شد و در او سرود خواند، اما تدهین شما عظیم تر است، زیرا پدر، پسر و روح القدس نزول کرده اند تا در شما ساکن گردند.

(سرودهای ایفانی ۳: ۱۰-۱۴)

ختنه (بند برگردان ۱۳) به عنوان پیشینه ای برای rushma را در بالا مورد بحث قرار دادیم. در مراسم سریانی شرقی نیز آن را در موضوع تدهین عهد عتیق قرار داده اند: زیرا که تو به مردان باستان روغن مقدس دادی به عنوان نشانه و علامتی از کهانت موقت و پادشاهی گذرا، اما اینک آن را تبدیل کرده ای به علامتی سمبلیک برای آنهایی که از چیزهای دنیوی به چیزهای آسمانی روی می آورند، با جسمی فناپذیر و روحی جاودانی، که ختنه شده اند با ختنه ای بدون دخالت دستها، از گوشت گناه جدا شده اند در ختنه ای که متعلق به مسیح است... در نقدهای بعدی «پادشاهی» (مرتبط با میرون)، به عنوان توانایی تسلط بر احساسات و امیال درک شده است، کلمات Moshe bar Kepha در شعر رساله او درباره میرون مشخصه این نوع تعبیر بعدی است: پادشاهان به طور معمول با روغن مسح می شدند، به نشانه این که هر کسی که با آن مسح شود اگر اراده کند بر تمام امیال حکمرانی خواهد کرد.

(III) تزکیه و تقدیس

همان گونه که آمدن روح القدس بر آب تعمید باعث تزکیه و تقدیس می شود، حضور او در قلب تعمید یافتگان نیز سبب تزکیه و تقدیس می گردد. توماس در کتاب اعمال خود، در تدهین قبل از تعمید نیایش کرده می گوید: «بیا ای روح تقدیس، و درون قلبهای آنان را پاک بساز». دقیقاً همین ایده در مراسم قدیمی سریانی شرقی بیان شده: به سوی تو، ای خدای پدران و دهنده نور به نفسها و پاکی به پیکرها، چشمان خود را برمی افرازیم و دستهایمان را دراز نموده به تو التماس می کنیم که از بلندای قدوسیت عطیه روح قدوس خود را که به ما تزکیه متبارک و تقدس الهی را عطا می کند به ما ارزانی دار تا ما را تقدیس و متحد ساخته در شراکت کامل با تو برسانی، توسط فیض و شفقت و محبت پرمهر تنها پسر مولودت. با او بر تو حمد و ثنا، عزت و قدرت باد، همراه با روح قدوس تو، اکنون و همواره تا ابدالآباد، آمین. ما شیوه های متعددی را که چگونه این تزکیه صورت می گیرد می یابیم: این شامل اخراج

تمام تأثیرگذارهای شیطانی، بخشایش یا دوری جستن از گناه از طریق «شسته شدن» است، همچنان که در سوروس می‌گوید:
 او ما را امروز از آرایش گناهانمان پاک ساخته... در شستشویی که از آب و روح می‌آید.

یا این تجسم سوزاندن تفالۀ گناه در «کوره» تعمید، همان‌گونه که در سوروس داریم:
 او را در کوره حوضچه آب تعمید مقدس از نو درخشنده بساز.
 یا شاید پاک کردن گناه با اسفنج باشد، همان‌طوری که در نارسای می‌یابیم:
 او اراده کرد تا زنگار شرارت را از انسانهای فانی بزدايد، مشیت الهی او اسفنج روح القدس را در دست پیکر ما قرار داد.

یا بار دیگر می‌توان تزکیه را به صورت شفا دید، واژه‌ای که نهایتاً توسط هر دو آفرهات و ایرم تکمیل یافته. به چنین شفایی نیاز بود زیرا همان‌گونه که تیموتی می‌گوید: «شرارت ما قوی شده، هجوم آورده و به قلب رسیده و دیگر توانایی شفا توسط انسان وجود ندارد». مثالهای بیشتر از این نوع و سایر تصورات را در فصل پنجم می‌توان یافت:
 تمام نویسندگان تأکید می‌کنند که تزکیه‌ای که توسط روح القدس به صورت تعمید آورده می‌شود غیرقابل تکرار است: تعمید یک بار و برای همیشه است، و بدین سبب است که ما اخطار شدید به تازه تعمید یافتگان را می‌یابیم که به راههای گناه‌آلود گذشته مراجعت نکنند اما مسئله گناه بعد از تعمید به عنوان معضل غیرقابل حل در کلیسای اولیه سریانی دیده نمی‌شود، و ایرم در این رابطه اندرز می‌دهد که:

چون نمی‌توانیم یک بار دیگر تعمید یابیم، باید دیگر گناه نکنیم.
 به هر حال نوع دیگری نیز از «غسل تعمید» وجود دارد (مز ۵۱: ۹):
 او که امید را در تعمید داد راههای دیگری از بخشایش را نیز آماده ساخت،
 تا این امید عبث نبوده باشد،

اما زحمتی که برای این لازم است، پس از آن که تعمید یافتید
 سخت‌تر از آن است که قبلاً نیاز بود.

گناهان انجام شده قبل از تعمید
 به راحتی می‌توانند در تعمید بخشوده شوند،
 و حتی اگر اثر زخمهای گناه عمیق باشد،
 تعمید آنها را سفید کرده و می‌زدايد
 اما گناهان بعد از تعمید را فقط می‌توان

با تلاش مضاعف جبران نمود. (سرودهای بکارت ۲۱:۴۶-۲۶) ابرم در سرود خود درباره Abraham Qidunay زاهد، این توبه دشوار گناه بعد از تعمید را که همانند «تعمید اشکها» ست توصیف می کند:

گرچه فقط یک تعمید برای زدودن لکه ها وجود دارد، اما دو چشم هست که از اشکها پر می شود، و حوضچه آب تعمیدی برای اعضای بدن به وجود می آورد زیرا خالق از پیش آگاه بود که گناه در تمام زمانها در ما تکثیر می شود و باوجودی که فقط یک تعمید وجود دارد، او در یک پیکر دو حوضچه آب تعمید برای آمرزش گناهان به وجود آورد. (سرود ابراهیم ۲:۴-۳)

در نوشته های نویسندگان بعدی از اشکها به عنوان «تعمید ثانویه» صحبت شده است. رابطه نزدیک آب تعمید با آبی که از پهلوی مسیح جاری گشت (یو ۱۹:۳۴) سبب توانایی آب برای آمرزش گناهان می شود. این مطلب در نیایش طلب نزول روح القدس بر آب در ارتدکس سریانی تیموتی به خوبی آشکار گشته است:

باشد که روح القدس زنده تو، ای خداوند، بیاید و برفراز این آب قرار بگیرد و آن را تقدیس نموده همانند آبی سازد که از پهلوی تنها پسر مولودت بر روی صلیب جاری گشت، و برای آمرزش خطاها و بخشایش گناهان کسانی باشد که در آن تعمید یافته اند...

در سنت تفسیری کتاب مقدس ارتدکس سریانی سخنان جبرئیل به مریم در اعلام مژده (طبق انجیل لو ۲:۳۵) این طور استنباط می شود که منعکس کننده روند مضاعف تزکیه و تقدیس است، به منظور آماده سازی او برای بارداری مسیح:

نیاز بود که روح القدس قبل از تنها- مولود بیاید:
ابتدا روح قدوس، سپس قدرت حضرت اعلی در آن پاک شده ساکن گردید.
... مریم خوانده شده بود تا برای پسر خدا مادر باشد،

آنگاه که روح القدس او را تقدیس نمود، قدرت حضرت اعلی بر او سایه افکند:
روح القدس دین او (حوا) را بخشید، تا او بتواند بر گناه مسلط باشد، هنگامی که مسیح به طرزی مقدس در او ساکن گردید.

به طرزی مشابه تزکیه ای که توسط روح القدس در تعمید به وجود آمده موجب شروع روند تقدیس می شود. در مورد مریم این عمل توسط کلمه (یا قدرت) که در رحم او ساکن شده بود صورت تحقق یافت، در مورد مسیحیان این امر توسط سکونت روح القدس تحقق می یابد. به شرطی که روح «اندوهگین» یا بسته نباشد. چنان که بعداً خواهیم دید.

ضیافت شام خداوند نقشی اساسی در این روند ادامه دار تقدیس نمودن ایفا می کند. نویسندگان یونانی از «الهی شدن» (divinization) انسان به عنوان هدف تن گیری خدا، یا «به شکل انسان شدن» †(hominisation) خدا صحبت می کند. نویسندگان اولیه سریانی لحنی متفاوت به کار می برند، اما ایده مبنای آن همان است و باید به یاد داشت که در زبانهای سامی واژه «پسر»، «پسران» اغلب به اعضای طبقه مشخصی اطلاق می شود، بدین جهت در عهد عتیق به موجودات الهی (که اغلب به عنوان «فرشتگان» در ترجمه های اولیه انجیل یافت می شوند) «پسران خدا» اطلاق می شد و این واقعیت که تازه تعمید یافتگان به «پسران خدا» تبدیل می شوند تداعی بر این می کند که هم اکنون شده اند، یا ترجیحاً این قابلیت را دارند که موجودات الهی بشوند. در نقدی بر کتاب پیدایش، اپرم اظهار می دارد که سقوط آدم در نتیجه تلاش او جهت دستیابی به الوهیت برای خودش بوده است. این موضوع از «سرودهای باکره» اپرم برداشته و به طرز جالبی گسترش داده شده است:

الوهیت به پایین پرواز کرد و نزول نمود
تا بشریت را بلند کرده به سوی خود بالا کشد.
پسر زشتی و نقص خادم را زیبا ساخته است،
و او تبدیل به خدا شده، همان گونه که آرزو داشت. (سرودهای بکارت
۱۷:۴۸=۱۸)

همین ایده رسانیدن الوهیت به انسان در یکی از «سرودهای ایمان» تکرار می شود:
او به ما الوهیت داد،

ما به او انسانیت دادیم. (سرودهای ایمان ۵:۱۷)

اما همان طور که مسیحیان فقط توسط فیض و نه برحسب طبیعت «پسران خدا» هستند به همین گونه «خدا در شفقت خود فناپذیران را «خدایان» به حسب فیض خوانده است» (H. Fid 29:1) فقط در آثار نویسندگان بعدی که تحت تأثیر واژه نگاری یونانی قرار داشتند است که فعل «الهی شدن» مورد استفاده قرار می گیرد. به طور مثال، سادونا در الهی شدن انسان نتیجه مستقیم انسانی شدن خدای کلمه را می بیند^{۱۳}:

زیرا که خدای کلمه در طبیعت و در ذات با انسان یکی شد و بشر گردید... به همین گونه نیز انسان برای این که در طبیعت خود حقیقتاً با خدای کلمه یکی شود و بدین گونه الوهیت یابد، به شباهتی از یک خدا ظاهر می شود، گویی که این به خود او تعلق داشته است.

غیبت این زبان صریح از مراسم تعمید به خودی خود تعجب آور نیست، اما در واقع

چارچوب فکری زیربنای یک تغییر بنیادی در نحوه موجودیت وجود دارد که در تعمیم ظاهر می شود، گرچه به شیوه های متفاوت بیان شده. بنابراین در نیایشی معمول یعقوب مارونی و مراسم گمنام ارتدکس سریانی می خوانیم:

به جای رحم حوا، که فرزندان فناپذیر و فاسد شدنی به وجود آورد، باشد که این رحم از آب فرزندان تولید نماید آسمانی، روحانی، فناپذیر. و همان گونه که روح القدس به هنگام بنای خلقت بر فراز آب شناور بود، تو ای خداوند، بر این آب تعمیم که رحم روحانی است و به موجودات تولد روحانی می بخشد حضور داشته باش، باشد که به جای آدم ساخته شده از خاک آدم آسمانی تولید کند، باشد که آنهایی که در این آب تعمیم می یابند در تو تغییرات ماندنی را دریافت کنند که بی ثمر نباشند، به جای جسمانیت، روحانیت و به جای مرئی، شراکت با نامرئیها، و به جای نفسی ضعیف، روح القدس تو را.

ج) ضمانت روح القدس

در ۲- قرن ۱:۲۲ پولس درباره «ضمانت» روح القدس در قلبهای ما صحبت می کند. روح القدس «ضمانت» میراثی است که مسیحیان دریافت خواهند داشت (افس ۱:۱۴). این نحوه سخن گفتن در چندین مراسم تعمیم، و بالاتر از همه در رسوم سریانی شرقی، بازتاب دارد به عنوان مثال:

... در روغن و آب آن نوع مرگ و رستاخیزی به کمال می رسد، که همراه با ضمانت ملکوت آسمان است.

به همین شکل روغنی که با آن مسح می شوند «یک تضمین برای رستاخیز از مرگ است». در رسم گمنام ارتدکس سریانی برای روغنی که بر روی آب ریخته می شود از همین جمله استفاده شده است.

تعمیم را اغلب به عنوان ورود مجدد به بهشت می نگرند: تعمیم یافتگان به شرطی که اجازه دهند روح القدس در درون آنها کار کند، این توانایی را دارند که در بهشت زندگی کنند در حالی که هنوز روی زمین هستند. اپرم به Juliana Sabar گفته است «توقیل از رستاخیز به باغ عدن وارد شده ای». این گونه افراد به طرز مؤثر تا جایی که به خود آنها مربوط است زمان «تقدیس شده» و زمان «تاریخی» را با هم پیوند داده اند و بنابراین می توان آنها را به عنوان افرادی در انتظار رستاخیز توصیف نمود. این انتظار رستاخیز دقیقاً همان چیزی است که نویسندگان اولیه سریانی از گفتن «ضمانت» رستاخیز منظور

نظرشان بوده است. چنان که اپرم می گوید: «در امید رستاخیز، ما در انتظار حیاتی هستیم که خواهد آمد و در واقع ما هم اکنون در این حیات نوین قدم برمی داریم، در آن چیزی که ضمانت آن را داریم».

نویسندگان دیگر که مدل مستقیم را به مدل حلقوی ترجیح می دهند در حیات تازه تعمید انتظاری از پایان زمان مشاهده می کنند. بدین سبب تئودور پس از نقل قول از فی ۲۱:۳ می گوید:

در امید این چیزهای نیکوست که ما فراخوانده شده ایم و در تعمید توسط قدرت روح القدس تولدی نوین یافته ایم، گویی به عنوان تضمین آنچه که دریافت خواهیم کرد، اولین میوه های روح القدس را دریافت می داریم... این مطلب در نارسای نیز بازتاب دارد:

به طور سمبلیک تعمید یافته می میرد و برخیزانده شده آرایش می شود: او به طور سمبلیک زندگی جاودان را تقلید می کند.

تولد مجدد تعمید او نمونه ای است از تولد مجدد که در انتهای زمان صورت می گیرد. در منابع سریانی شرقی به طور خاص، تعمید گاهی اوقات به عنوان «تضمین نجات» توصیف شده. اما این نوع بیان به هیچ وجه محدود به نویسندگان سریانی شرقی نیست. در چندین نیایش بزرگداشت سریانی غربی به طور مثال، عطیة «فرزندخواندگی» که به مسیحیان اجازه می دهد که بگویند ای پدر ما، به عنوان «تضمین فرزند خواندگی که تو به ما داده ای» توصیف شده.

به طور خلاصه، این «ضمانت» را که روح القدس به تازه تعمید یافتگان می دهد می توان به عنوان قابلیت برای تحقق عطایای متنوع روح القدس توصیف نمود.

یادداشت های فصل ۴

۱- تدهین تمام بدن البته بیشتر مناسب است و «روغن پوشانیدن» اصطلاحی است که در کتاب اعمال توماس شماره ۱۵۷ و افرم، سرودهای ایمان 2:10 و نیز در آثار تئودور به کار رفته است.

۲- اگر این قسمت متعلق به تئودور است، جالب است که لو ۱۸:۴ نیز در پیشیتا عهد عتیق آمده (اش ۱:۶۱)، با واژه «خداوند» به عنوان فاعل تدهین.

۳- نقطه نظری انحصاری که در نقدهای گمنام سریانی شرقی یافت می شود. «تعمید در

- حوضچه آب (اردن) « همان تعمید یحیی است برای آموزش گناهان و آخرین مهر (hut-tama) تعمید خداوند ماست که در روح القدس به کمال می رسد.
- ۴- «لمس کردن» واژه خاص یوحناست، در تقدیس نان و شراب در مراسم عشای ربانی روح القدس این اجزا را «لمس می کند».
- ۵- Raes (صفحه ۲۵۱) پیشنهاد می کند که «به کمال رسیدن» معنی کمکی هم دارد. مثلاً اینک کاملاً تعمید یافته ...» اما به نظر من این تحت فشار قرار دادن سریانی است. شاید بهتر باشد شخص فرمول «سپردن» را مقایسه کند و ماضی مطلق را به کار برد. در ملکیت «از دست دادن تاج» در روز هفتم آمده.
- ۶- همچنین در JS II (دفع ارواح شریر): «... او آمده است تا شاید جایی برای سکونت روح القدس بشود». همین گونه در Severus، سرود ۹۵ «آنها اینک به محل سکونت روح القدس تبدیل شده اند».
- ۷- این که آیا «روح» در این جمله به معنی روح القدس هست یا نه در کلیسای اولیه موضوع بحث و اختلاف زیاد بوده.
- ۸- آدم را اغلب به عنوان کاهن نبی و پادشاه توصیف کرده اند. آدم «پادشاه» است در افرم. اچ. نیسیب،
- ۹- متأسفانه در متن سریانی کاتولیک حذف گردیده.
- ۱۰- تمام این ها به منابع بیهوده بر می گردد.
- ۱۱- افراشات از این آیه استفاده می کند برای تأکید بر این که اگر ما گناه ورزیم، باز هم بریده خواهیم شد. افرم به نظر می رسد که پیوند خوردن را از درخت زیتون به تاک منتقل کرده باشد. او به «پیوند» اشاره می کند بدون این که از زیتون ذکری به میان آورد. در نقد او درباره رساله پولس آیه روم ۲۳:۱۱ را این گونه تفسیر می کند «... زیرا خدا قادر است، از طریق آموزش گناه در تعمید، آنها را دوباره به هم پیوند بزند».
- ۱۲- در تیموتی، باسیل و سوروس «کاهنان» در رابطه با تدهین در حالت سوم قرار دارند. «انبیا، کاهنان» در جاکوب در رابطه با حالت دوم هستند. «کاهنان، پادشاهان و انبیا» در جاکوب حالت سوم. «کاهنان، پادشاهان» در سریانی شرقی در حالت دوم. مخصوصاً لازم به تأکید است که «به موسی پیشنهاد شد که روغن مرغوب از گیاهان معطر تهیه کند». برای کاهنان، پادشاهان و انبیا. زیرا خدا اجازه نمی داد پادشاهی حکمرانی کند مگر این که مسح شده باشد، و به همین صورت هیچ کس اجازه ورود به ملکوت اعلی را ندارد مگر این که تعمید یافته باشد که آموزش گناهان را در پی دارد.
- ۱۳- Sahdona از خوانندگانش مصرانه می خواهد «تا زیبایی نفس را هنرمندانه شکل دهند، به گونه ای که همانند مجسمه های باشکوه الوهیت در این دنیا باشیم».